

آئینه نو



شنونده مطالبات و خواست مردم باشیم
رئیس جمهور در مراسم تجدید پیمان با آرمان های امام و انقلاب تاکید کرد

افتتاح و کلنگ زنی ۳۳ پروژه بیمه ای، درمانی و اقتصادی
همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تامین اجتماعی صورت می گیرد

۱۱ مستمری از کار افتادگی در چه شرایطی برقرار می شود؟

۱۲ چند پیشنهاد برای فیلم بینی در جشنواره فیلم فجر

Sun 4 Feb 2018
Vol. 31 No. 140

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶
سال سوم / شماره ۱۲۰ / ۱۰۰۰ تومان

ا | ت | ی | ع | ح | ن | و

**رفاه و تامین اجتماعی
بستر ساز
توسعه ملی**

صفحه ۶ را بخوانید

کبیری

مصوبه تاریخی

دکتر نوربخش: اقدام دولت دوازدهم و مجلس دهم، در تاریخ ثبت خواهد شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اکثریت آرا بازپرداخت ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی را تصویب کردند. اکنون نگاه ها به سوی شورای نگهبان است

ویتترین

● ملاحظه ●

هویت های شفاهی!

گفت و گو با رضا امیدی درباره کودکان بدون شناسنامه و آخرین تغییرات سیاست گذاری های این پدیده

دستاوردهای بانک رفاه در دولت های یازدهم و دوازدهم

آئینه نو، سه بر نامه فقر زد او را بردهای دولت دوازدهم برای ریشه کنی فقر را بررسی می کند

سیاست گذاری علیه فقر مطلق

شفافیت، مبارزه با فساد و بازگشت به سیاست گذاری اصولی رفاهی، الزامات رفع فقر مطلق و تحقق عدالت رفاهی است

چرا یک نظافتچی را کسی نمی بیند؟! مشکلات زنانی که نیروی خدماتی آرایشگاه های زنانه هستند

سالمدانی که در چرخه زندگی می مانند پدیده جدید جمعیتی آلمان متأثر از نسل سالمدان فعال است

● یادداشت ●
● عباس خندان ●

تصمیم تاریخی مجلس و درک محدودیت های دولت

در ایران، حمایت های اجتماعی با شکل گیری سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۳۵۴ وارد مرحله نوینی شد. پیش از این نیز حمایت های اجتماعی در ایران وجود داشته و می توان گفت که این قانون، تجربه چند دهه فعالیت بیمه های اجتماعی را با خود داشت. اکنون این سازمان ...

سی و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی گرامی باد

کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

www.iranol.ir

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

نهادهای صنفی کارگری و بازنشستگان کشور، با صدور بیانیه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نگرانی خود را نسبت به تبعات پیشنهاد وزیرشدهن حق بیمه سهم کارگران به حساب خزانه دولت اعلام کردند. در این بیانیه که به امضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی، کانون عالی کارگران بازنشسته، کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران، اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری استان تهران و کانون کارکنان بازنشسته نامین اجتماعی رسیده و خبرگزاری «ایلنا» آن را منتشر کرده، از نمایندگان خواسته شده تا نسبت به اصلاح بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه سال ۹۷، بمنظور رفع این نگرانی، اقدام کنند. در صورت تصویب نهایی این بند که در کمیسیون تلفیق به لایحه پیشنهادی بودجه سال ۱۳۹۷ الحاق شد، سازمان تامین اجتماعی موظف خواهد شد نهیست و هفتم حق بیمه سهم درمان را با نظارت مجلس شورای اسلامی، به خزانه‌داری کل کشور واریز کند. در این بیانیه، با هشدار در زمینه مشکلات مالی و نقدینگی سازمان تامین اجتماعی و تلاش برخی جریان‌ها برای استفاده از منابع متعلق به کارگران و بازنشستگان در صندوق تامین اجتماعی برای حل مشکلات سایر بخش‌های غیر مرتبط با ماموریت‌های این سازمان، از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست شده از حقوق و منافع متعلق به نیروهای مولد جامعه در برابر برخی زیاده‌خواهی‌ها دفاع کنند. امضاکنندگان این بیانیه، همچنین تاکید کرده‌اند که سازمان تامین اجتماعی، صندوق بین‌النسلی محسوب می‌شود و تکلیف نسل حاضر، صیانت از آن و انتقال آن به نسل آینده است. «همان‌گونه که گذشتگان، آن را به ما سپرده‌اند. اما متأسفانه شاهد آن هستیم که طی سال‌های متمادی، چشم‌انداز برخی افراد و نهادها به سرمایه‌های کارگران و بازنشستگانی که صاحبان اصلی این صندوق بیمه‌ای هستند، به یک سیاست دائمی تبدیل شده است.» در این بیانیه، همچنین آمده است: «در آخرین تلاش‌ها از این نوع، بر اساس پیشنهادی غیرکارشناسی، تلاشی برای استفاده از منابع بخش درمان تامین اجتماعی و انتقال آن به خزانه‌داری کل کشور، در کمیسیون تلفیق تصویب و در صحن علنی مجلس در دستورکار قرار گرفته که اکنون تصمیم‌گیری در مورد آن در قالب بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه سال ۹۷ به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که همیشه یار و یاور کارگران و بازنشستگان بوده‌اند، سپرده شده است. لازم به ذکر است که حدود ۲۲ ماده قانون تامین اجتماعی از مابقی خدمات درمانی و با ۹٪ سهم درمان سازمان تامین اجتماعی متاثر است که در صورت تصویب این پیشنهاد، عملاً این گونه حمایت‌های سازمان تامین اجتماعی، معطل خواهد ماند و برخلاف قانون، در مخاطره قرار خواهد گرفت. چنین اقدامی، عملاً به نابودی بخش درمان سازمان تامین اجتماعی، با ۱۱ هزار تخت بیمارستانی، منجر خواهد شد و به این ترتیب، دومین تولیدکننده درمان کشور را با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت که پیامدهای جبران ناپذیر آن، کلیت درمان کشور را با بحرانی عمیق روبرو خواهد کرد.» امضاکنندگان بیانیه، با اشاره به اینکه آمار و ارقام هزینه‌کرد سازمان تامین اجتماعی در سال ۹۶ - که تمام سهم درمان را در اختیار داشته - حاکی از این است که این سازمان، مبلغی بیش از نهیست و هفتم سهم قانونی درمانی را در این حوزه هزینه کرده است، افزودند: «باتوجه به تعمیق شکاف مداوم منابع و مصارف، چنین تصمیماتی، سازمان تامین اجتماعی را در شرایط دشواری قرار داده و نهایتاً به ورشکستگی سازمان و ایجاد بحرانی جدی منجر خواهد شد. لذا قاطعانه از نمایندگان آگاه و شریف‌مان در مجلس درخواست داریم، با برداشت غیرمسئولانه از منابع و تصاحب سرمایه‌های کارگران و بازنشستگان در این سازمان - که حق الناس به شمار می‌رود - مخالفت کنید.»

ابلاغ بخشنامه ممنوعیت به کارگیری منسوبان افراد سیاسی، در هلدینگ‌های تابعه وزارت کار

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با صدور بخشنامه‌ای از بنگاه‌ها و هلدینگ‌های تابعه این وزارتخانه خواست تا از به‌کارگیری منسوبان افراد سیاسی، در مجموعه‌های خود خودداری کنند. علی‌ریبی، در این بخشنامه با تاکید بر اینکه «فساد اداری، مانع از رشد رقابت‌های سالم و عدالت اجتماعی» می‌شود، نوشته است: «مبارزه هوشمندانه، پیشدستانه، جدی و همه‌جانبه با اشکال و مظاهر فساد، باید در اولویت‌های نخست همه عرصه‌های مدیریتی باشد. بدون هیچ ملاحظه‌ای و برای آخرین بار ابلاغ می‌کنم؛ چنانچه مدیری به جای کار حرفه‌ای، به دنبال ارتباطات با ذی‌نفعان من‌غیرحق با انتصابات سیاسی باشد، بی‌درنگ عزل خواهد شد.»



یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل



خبرها و نظراتی تأمین اجتماعی

رئیس جمهور در مراسم تجدید پیمان با آرمان‌های امام و انقلاب تاکید کرد

شنونده مطالبات و خواست مردم باشیم



بیان اظهار نظر، نقد و انتقاد و حتی اعتراض، بازدارد. روحانی، با بیان اینکه گوش همه مسئولان کشور باید در برابر مطالبات و خواست مردم، گوش شنوایی باشد، اضافه کرد: «رژیم گذشته‌ای که فکر می‌کرد سلطنتی ابدی دارد، به این دلیل همه چیز را از دست داد که صدای نقد و نصیحت مردم و صدای مصلحان، ناصحان، علما و بزرگان و فرهیختگان را نشنید. صدای اعتراض مردم را هم نشنید و فقط یک صدا را شنید و آن، انقلاب مردم بود.» رئیس جمهور، با بیان اینکه امام خمینی (ره) به ما درس ایستادگی، نقد و انتقاد آموخت، گفت: «بنیانگذار انقلاب به ما یاد داد که به فکر محرومان و مستضعفان جامعه باشیم و اخلاق، معنویت و دین را از یاد نبریم.» رئیس جمهور اضافه کرد: «امام خمینی (ره) به ما یاد داد در برابر متجاوزان بایستیم و هرگز نگذاریم که استبداد و استعمار، به این سرزمین برگردد.» وی در ادامه گفت:

حول این سه محور در چرخش باشد. تا زمانی که اسلام هست و مردم عاشق فرهنگ اسلام‌اند و به ایران‌شان عشق می‌ورزند و وحدت ملی را پاس می‌دارند، هیچ قدرت و ابرقدرتی نمی‌تواند مسیر این ملت را عوض کند.» وی انتخابات راه اصلی مردم‌سالاری دانست و تصریح کرد: «مردم از طریق انتخابات و پای صندوق آرا، نظر خود را اعلام می‌کنند. جمهوری اسلامی، دوازده انتخابات ریاست جمهوری، ۱۰ انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۵ انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ۵ انتخابات شوراها و چندین همه‌پرسی را پشت سر گذاشته و به خوبی می‌داند که سرنوشت کشور، با قواعد مردم‌سالاری، پای صندوق آرا تعیین خواهد شد.» رئیس جمهور خاطرنشان کرد: «در کنار انتخابات، حضور، مشارکت دائمی، تعاون و یاری مردم به یکدیگر و همچنین نقد و اعتراض، حق مردم است و هیچ‌کس نمی‌تواند، ملت بزرگ ایران را از

رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، در آستانه سی‌ونهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور در حرم امام خمینی (ره)، با آرمان‌های بنیانگذار کبیر انقلاب و شهیدان تجدید میثاق کردند. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی، همچنین با حضور در جمع خبرنگاران، در حاشیه این مراسم با بیان اینکه «مردم، روزهای سیاه را پشت سر گذاشته‌اند و هیچ‌کس از نور، به ظلمت گذشته بر نمی‌گردد»، اظهار کرد: «امام به ما آموخت که بقا و ادامه و سرزندگی حکومت، با نظر و رای مردم است و این مردم هستند که حاکمیت ملی و استقلال و آزادی را به دست آورده‌اند و حفظ خواهند کرد و جمهوری اسلامی ایران را برای همیشه پاس می‌دارند.» به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، رئیس جمهور با تاکید بر اینکه در این سرزمین، سه اصل «اسلام، ملت ایران و کشور ایران» برای ما اساس است، گفت: «همه چیز باید

«دولت، در کنار مردم، بیش از همیشه آماده است تا مجری نظرات و خواسته‌های‌شان، برای پیشرفت کشور عزیز ایران باشد.»

همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تامین اجتماعی صورت می‌گیرد

افتتاح و کلنگ‌زنی ۳۳ پروژه بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی



مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، در نشستی خبری به مناسبت آغاز دهه فجر، خبر داد ۳۳ پروژه بیمه‌ای، درمانی و اقتصادی در دهه فجر امسال افتتاح می‌شوند یا عملیات اجرایی آنها آغاز خواهد شد.

این پروژه‌ها، مشتمل بر ۶ شعبه بیمه‌ای، ۷ مرکز درمانی و یک بیمارستان است که ۱۴۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان برای ساخت آنها هزینه شده است. نوربخش، راهبردار اصلی سازمان تامین اجتماعی را توسعه متوازن و عادلانه در نقاط کمتر برخوردار و محروم و مرزی کشور دانست و تصریح کرد: «عملیات اجرایی تمام مراکز درمانی‌ای که در ایام دهه فجر امسال افتتاح می‌شوند، در دولت یازدهم آغاز شده و در کمتر از دوسال، آماده بهره‌برداری شده‌اند. در مانگاه‌های لار در استان فارس، کامیاران در استان کردستان، ازنا در استان لرستان، ایرکوه در استان یزد، رزن در استان همدان، پیشوا در ورمان و آران‌وییدگل، پروژه‌هایی هستند که به همراه بیمارستان خوی، در ایام دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسند. در بخش بیمه‌ای نیز نوربخش، به بهره‌برداری از شعبه‌های شبانکاره استان بوشهر، شعبه فاروج، شعبه بوکان، شعبه قشم و شعبه ۲۳ تهران اشاره کرد.

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، هزینه‌های انجام‌شده برای پروژه‌های اقتصادی این سازمان را ۴۱۵ میلیارد تومان اعلام کرد و در توضیح چستی این پروژه‌ها گفت: «دو خط دارویی تولیدی، مربوط به فرمولاسیون داروهای سرطانی، در شرکت توفیق‌دارو به بهره‌برداری می‌رسد و خط تولید جامدات شرکت داروپخش که به تازگی بازسازی شده، افتتاح می‌شود. در داروسازی اکسیر نیز خط تولید سرنگ‌های دارویی ضد انعقاد خون و انسولین، آغاز به کار می‌کند.»

افتتاح چهار پروژه دیگر در کارخانجات پتروشیمی،

تعمیر رئیس دیوان عدالت اداری از قانون مداری در سازمان تامین اجتماعی

همکاری نهادهای اجرایی و قانونی کیفیت خدمات بیمه‌ای و درمانی را ارتقا می‌دهد



دکتر سیدتقی نوربخش، قانونمداری را از راهبردهای اصلی تامین اجتماعی خواند و گفت: «همت ما بر این است که تمام مصوبات و قوانین مصوب مرتبط با این سازمان، در مراجع رسمی به طور کامل و همه‌جانبه اجرا شوند.» وی تصریح کرد: «در تامین اجتماعی، به ایجاد ادبیات قانونمداری توجه می‌شود و اولویت ما نیز عمل براساس قانون است.» نوربخش، خدمت‌رسانی ۶۴ ساله تامین اجتماعی به مردم را پس از بنیانگذاری نظام بیمه‌های اجتماعی در سال ۱۳۳۲ افتتاح‌آمیز خواند و اظهار کرد: «تامین اجتماعی، نهادی اجتماعی و اقتصادی است که نقشی اساسی در ارتقای عدالت اجتماعی، توزیع ثروت و خدمت به محرومان و مستضعفان دارد. با همین باور نیز امروز موفق شده تا حدود نیمی از جمعیت کشور را زیر پوشش خدمات بیمه‌ای و درمانی خود ببرد.»

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، با اشاره به ترکیب شورای حقوقی سازمان تامین اجتماعی، اظهار کرد: «شورا با حضور بهترین حقوق‌دانان کشور تشکیل شده و در طول چهار سال گذشته نیز در هر زمینه‌ای که شورا رای و نظر داده، همان در سازمان تامین اجتماعی اجرایی شده است.»

به گفته نوربخش، عمل به قانون در سازمان تامین اجتماعی در کانون توجه قرار دارد و همه ارکان این سازمان می‌کوشند قانونمداری را به طور کامل در خود نهادینه کرده و براساس آن عمل کنند.

وی از بازگردانی یک هزار میلیارد تومان از اموال تامین اجتماعی با تلاش‌های واحدهای حقوقی این سازمان خبر داد و اظهار کرد: «با پیگیری‌های صورت‌گرفته، این اموال هم‌اینک در تملک سازمان تامین اجتماعی هستند.» نوربخش، به اجرای کامل احکام دیوان عدالت اداری در سازمان تامین اجتماعی اشاره کرد و افزود: «وظیفه داریم که اگر نقضی در قانون وجود دارد، برای رفع آن تلاش کنیم اما در هر شرایطی، قانون باید همیشه اجرا شود.»

رئیس دیوان عدالت اداری، با بیان اینکه تعاملات سازمان تامین اجتماعی با نهادهای مختلف اجرایی و نظارتی منجر به بهبود خدمات این سازمان می‌شود، اظهار کرد: «بهبود تعاملات به نفع مردم و بیمه‌شدگان این سازمان است و افزایش همکاری‌ها با نهادها و دستگاه‌های اجرایی و قانونی، کیفیت خدمات بیمه‌ای و درمانی را ارتقا می‌دهد.»

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدکاظم بهرامی، در مراسم اختتامیه همایش روسا و کارشناسان ارشد حقوقی سازمان تامین اجتماعی گفت: «تاکید بر قانونگرایی و عمل بر اساس قانون، در سازمان تامین اجتماعی تحسین برانگیز است و اجرای عدالت، تنها در سایه رعایت قانون ممکن می‌شود.»

وی افزود: «اصلاح بخشنامه‌ها و تنقیح و جمع‌قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها، از زشت و چندپارگی فرآیندهای اجرایی جلوگیری می‌کند.»

رئیس دیوان عدالت اداری، اهتمام سازمان تامین اجتماعی در کاهش پرونده‌های مرتبط به این سازمان در دیوان عدالت اداری را مشهود خواند و گفت: «سازمان تامین اجتماعی، همان‌طور که در قانون دیوان عدالت اداری، بر اجرای احکام تاکید شده، کوشیده احکام صادرشده دیوان را به صورت دقیق و کامل اجرا کند.» حجت‌الاسلام والمسلمین بهرامی، رعایت قانون در فرآیندهای اجرایی را روشی مهم در کاهش مراجعات به مراجع قضایی اعلام و تصریح کرد: «اگر رعایت کامل قانون، در فرآیندهای کاری انجام شود، نیاز کمتری به مراجع قضایی به‌وجود می‌آید و امیدواریم روزی برسد که هیچ‌کس برای رسیدن به حقوق خود، مجبور به مراجعه به دستگاه قضایی نباشد.» وی در ادامه اظهار کرد: «آنجا که قانون شفاف است، اجرا شود و آنجا که وحدت رویه وجود دارد، رای را اجرا کنیم و در برخی موارد نیز که نیاز به اصلاح قوانین داریم، باید چارچوب‌های قانونی را لحاظ کنیم.» وی همچنین از تدوین شیوه‌نامه‌های جدید با همکاری دیوان عدالت اداری و سازمان تامین اجتماعی خبر داد و اظهار کرد: «این شیوه‌نامه، برای احتساب سوابق بیمه‌ای تهیه شده و شعبه‌های تامین اجتماعی بر طبق این شیوه‌نامه، نسبت به احصای سوابق بیمه‌ای بیمه‌شدگان عمل می‌کنند.»

اجرای کامل احکام دیوان در تامین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نیز در این همایش با اشاره به توسعه مرادوات و همکاری‌های این سازمان با مراجع قانونی کشور اظهار کرد: «تعامل تامین اجتماعی با سازمان‌های بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و دیوان عدالت اداری، در بهترین شرایط قرار دارد.»

انجام می‌دهیم.»



مصوبه تاریخی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اکثریت آرا

بازپرداخت ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی را تصویب کردند

بر اساس این مصوبه که با تلاش‌های کارشناسی سازمان تأمین اجتماعی و شرکای اجتماعی این سازمان تصویب شد، دولت مکلف است جهت رد بدهی خود به تأمین اجتماعی، بر طبق جزء‌های (۲-۱) بند «و» تبصره ۵ لایحه عمل کند و بدهی‌های خود را تا سقف ۵۰ هزار میلیارد ریال به این سازمان پرداخت کند. روش‌هایی که نمایندگان برای بازپرداخت بدهی‌ها مصوب کرده‌اند،

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تصویب کردند که دولت ۵۰ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به تأمین اجتماعی را در سال ۹۷ پرداخت کند. به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، نمایندگان مجلس در جلسه علنی بعد از ظهر شنبه و در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه در بخش درآمدی بند الحاقی ۲ تبصره ۵ این لایحه را به تصویب رساندند.

دکتر نوربخش: اقدام دولت دوازدهم و مجلس دهم، در تاریخ ثبت خواهد شد

آغاز فصلی تازه برای نیروهای مولد

بخش صحبت‌های او آنجا بود که از برنامه دولت و مجلس، برای بازپرداخت طلب‌های تأمین اجتماعی گفت.

■ **تسویه ۵۰ هزار میلیارد تومانی بدهی‌های دولت** نوربخش، درباره مصوبه‌های جدید دولت و مجلس در خصوص تسویه مطالبات سازمان تأمین اجتماعی، گفت: «با موافقت دولت بدهی‌های سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابعه به نظام بانکی با مطالبات این سازمان از دولت، تا سقف ۵۰ هزار میلیارد تومان تهاتر خواهد شد که اقدامی بی‌سابقه در نظام بودجه‌ریزی کشور و حیات تأمین اجتماعی است.» وی با بیان اینکه براساس مصوبه مذکور، ۲۳ هزار میلیارد تومان از بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی به صورت نقدی تسویه می‌شود، از تصویب این مصوبه بودجه در کمیسیون تلفیق و موافقت دولت با آن خبر داد. نوربخش، اقدام دیگر دولت و مجلس را تصویب الحاقیه دوم به بخش درآمدی بودجه دانست و گفت: «هر چقدر از مطالبات در بند «و» تبصره ۵ پرداخت شود، از مبلغ ۵۰ هزار میلیارد تومان کسر خواهد شد و مابقی بدهی در مکانیسمی مشخص، در قالب تهاتر تسویه می‌شود.» به گفته نوربخش، اگر این تبصره‌ها به تصویب نهایی شورای نگهبان برسند، در آن صورت دولت دوازدهم، تنها دولتی خواهد بود که تا این اندازه نسبت به پرداخت بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی اقدام کرده و مجلس دهم نیز تنها مجلسی شناخته می‌شود که به تأمین اجتماعی مساعدت نشان داده و همگی بیانگر دورانی تازه در رابطه دولت، مجلس و تأمین اجتماعی است.

■ **بودجه ۹۸ هزار میلیاردی تأمین اجتماعی** مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، به بودجه سال آینده این سازمان هم اشاره کرد و گفت: «در سند بودجه سال آینده سازمان تأمین اجتماعی، ۹۸ هزار و ۶۸۴ میلیارد تومان برای منابع در نظر گرفته شده و به همین اندازه هم برای مصارف، پیش‌بینی کرده‌ایم که هم‌اینک سند آن در هیئت‌مدیره در حال بررسی است و به زودی نهایی خواهد شد.» نوربخش، با بیان اینکه سازمان تأمین اجتماعی، تنها نهاد درآمد-هزینه‌ای در کشور است، در توضیح راهبردهای بودجه‌ای بخش‌های بیمه‌ای، درمانی، سرمایه‌گذاری و اداری و مالی این سازمان، گفت: «سیاست کلی سازمان تأمین اجتماعی، تجهیز منابع، برای ایفای تعهدات به ذی‌نفعان بدون وابستگی به بودجه عمومی کشور است و



معاون بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرد به زودی اجرای سراسری طرح الکترونیک‌سازی پرونده‌های فنی بیمه‌شدگان، آغاز می‌شود. محمدحسن زدا، با بیان اینکه مکانیزه کردن پرونده‌ها هم‌اینک در هشت استان، به صورت آزمایشی در حال اجراست، اظهار کرد: «در روش الکترونیک، اطلاعات از طریق سیستم UCM منتقل می‌شود و با اجرای کامل طرح، نقل و انتقال دستی اطلاعات بیمه‌شدگان میان شعبه‌ها از بین می‌رود و دقت و سرعت انجام امور نیز در واحدهای اجرایی تأمین اجتماعی بالاتر می‌رود.» به گفته زدا، این طرح ویژه بیمه‌شدگان قدیمی است و برای بیمه‌شدگان جدید، از بدو ثبت‌نام، پرونده‌ها به صورت الکترونیک تشکیل می‌شوند.



کتیو ۰۳

ویژه انرژی در مناطق نفت‌خیز با اولویت بالا بردن بازدهی نفت در داخل کشور و با قیمت‌های ترجیحی. ۳- واگذاری پروژه‌ها و طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مهم در دست اجرای کشور. این بند، با ۱۳۴ رای موافق، ۷۳ رای مخالف و پنج رای ممتنع، از مجموع ۲۳۴ نماینده حاضر به تصویب رسید و برای اجرا شدن باید به تأیید شورای نگهبان نیز برسد.



در همین راستا اولویت با حق بیمه‌هاست.»

استراتژی‌های خروج از بنگاهداری

نوربخش، راهبرد بیرون‌سپاری راهبرداصلی تأمین اجتماعی خواند و گفت: «کاهش تصدی‌گری و استفاده صحیح از بنگاه‌های اقتصادی، دو سیاست اصلی سازمان تأمین اجتماعی برای استفاده صحیح از منابع برای سال آینده است. سازمان تأمین اجتماعی، باید مانند دیگر سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی، برای اینکه از منابع حاصل از حق بیمه استفاده مطلوب کند، باید سبد سرمایه‌گذاری‌های «سازمان تأمین اجتماعی، اقداماتی بسیار جدی را برای خروج از بنگاهداری آغاز کرده است. با توجه به ظرفیت بازار سرمایه و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، سازمان تأمین اجتماعی برنامه‌ریزی‌های منسجمی در این زمینه انجام داده است که ضمن حفظ سهم خود، از بنگاهداری خارج می‌شود.»

طلب دو هزار میلیاردی دارویی تأمین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، در بخش دیگری از صحبت‌های خود، به مطالبات داروخانه‌ها و تعهدات تأمین اجتماعی به مراکز درمانی دانشگاهی پرداخت و گفت: «سازمان تأمین اجتماعی، دو هزار میلیارد تومان طلب دارویی دارد که هزار میلیارد تومان آن، مربوط به بیمارستان‌های دانشگاهی و مراکز دولتی و هزار میلیارد تومان نیز بدهی نهادهای عمومی و بخش خصوصی است.» نوربخش با بیان اینکه سازمان تأمین اجتماعی، شوک‌های نقدینگی را بدون هیچ‌گونه سود و مطالبه‌ای تحمل کرده، افزود: «کل صنعت داروسازی ایران، حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان گردش مالی دارد و قطعا دو هزار میلیارد تومان در این بازار، رقم بزرگی است و فشار نقدینگی سنگینی بر تولیدکنندگان و شرکت‌های توزیع‌کننده دارو وارد می‌کند. با این حال، سازمان تأمین اجتماعی، این فشار را تحمل کرده و هیچ‌گونه ادعایی هم بابت دریافت سود از طلب‌های خود ندارد.» نوربخش، از اجرای برنامه‌ای ویژه برای پرداخت بدهی‌های تأمین اجتماعی به مراکز درمانی خبر داد و گفت: «بر اساس مکانیسم تعیین‌شده برای همکاری وزارت بهداشت و سازمان برنامه و بودجه، ۳۰۰ میلیارد تومان اوراق به سازمان تأمین اجتماعی داده می‌شود و سازمان نیز این اوراق را به دانشگاه‌ها می‌دهد تا مطالبات دارویی آنها را تسویه کند. علاوه بر این، ۳۰۰ میلیارد تومان دیگر نیز به صورت نقدی به دانشگاه‌ها بابت مطالبات دارویی‌شان اختصاص می‌دهیم.» وی با بیان اینکه این مکانیزم از سه‌ماه گذشته عملیاتی شده و طی روزهای آینده به نتیجه می‌رسد، افزود: «با این برنامه، در مجموع ۶۰۰ میلیارد تومان از طلب ۸۰۰ میلیاردی دانشگاه‌های علوم پزشکی تسویه می‌شود.» وی درباره پرداخت مطالبات داروخانه‌های بخش خصوصی هم گفت: «سازمان تأمین اجتماعی تا مردادماه، مطالبات داروخانه‌ها را پرداخت کرده و حدود سه‌ماه نیز از برنامه پرداختی عقب است که دلیل آن، زمان‌بر بودن بررسی اسناد و عمل نکردن سازمان برنامه به وعده‌های خود برای پرداخت ۶۰۰ میلیارد تومانی مابه‌التفاوت نرخ ارز است.»

۲۱۰۰ میلیارد تومان عیدی به بازنشستگان

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، برنامه پرداخت عیدی مستمری‌بگیران این سازمان را نیز اعلام کرد و گفت: «رقم عیدی مستمری‌بگیران را همانند سال‌های گذشته، دولت تعیین می‌کند و سازمان تأمین اجتماعی نیز موظف به پرداخت آن است. پیش‌بینی می‌شود امسال حدود ۲۱۰۰ میلیارد تومان عیدی پرداخت کنیم و قطعا بعد از مشخص شدن رقم عیدی، قبل از پایان سال، بر اساس برنامه زمانبندی و طبق حروف الفبا، عیدی‌ها را پرداخت می‌کنیم.» نوربخش، بیمه‌بیکاری و حمایت از نیروهای مولد را مهم‌ترین مزیت بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی بعد از مستمری‌ها دانست و گفت: «تا اکنون، حتی یک‌روز نیز تاخیر در پرداخت بیمه‌بیکاری نداشته‌ایم. روزهای آینده نیز مشوق‌های جدید بیمه‌ای برای کارفرمایان اجرایی خواهد شد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیشنهاددهنده آن بوده است.» وی در توضیح این طرح جدید اظهار کرد: «بر اساس طرح جدید که با همکاری مراکز کارایی انجام می‌شود، سازمان تأمین اجتماعی، درصدی از دستمزد کسانی را که بیمه‌بیکاری دریافت می‌کنند مجدداً دعوت به کار شوند، پرداخت می‌کند. هدف این است که هزینه تمام‌شده حقوق و دستمزد برای کارفرمایان کمتر شود و حمایت‌های لازم از آنها صورت گیرد.»

نظام ارجاع؛ کریدر کاهش هزینه‌ها

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، درباره اعتبار دفترچه‌های درمانی گفت: «در طرح تحول نظام سلامت، قدرت دفترچه‌های تأمین اجتماعی و بیمه سلامت، به طور قطع افزایش پیدا کرده و مردم و بیمه‌شدگان، مبالغ کمتری را بابت فرانشیز در مراکز ملکی و غیرملکی پرداخت می‌کنند. در این نکته تردیدی نیست که یکی از دلایل افزایش فشار به سازمان‌های بیمه‌گر در طرح تحول نظام سلامت، همین کاهش پرداخت از جیب مردم است.» به گفته نوربخش، علی‌رغم دستاوردهای انکارنشده‌ی طرح تحول نظام سلامت، غفلت از اجرای درست و اصولی برخی مواد قانونی، منجر به افزایش هزینه‌ها، به خصوص برای سازمان‌های بیمه‌گر شده است.» وی افزود: «در قوانین، برنامه‌ای مانند اجرای نظام ارجاع، کریدوری الزامی برای کاهش هزینه‌ها دانسته شده اما این الزام، محقق نشده و هزینه‌های بیشتری را بر نظام سلامت تحمیل کرده که باید نسبت به اجرای آن و دیگر ابزارهای کنترل مالی، در جهت پایداری طرح اقدام شود.»

«ادامه از صفحه اول»

عباس خندان

تصمیم تاریخی مجلس...

اکنون این سازمان، مدت زمانی طولانی از عمر خود را گذرانده، سرنوشت حمایت‌های اجتماعی در ایران، به گونه‌ای به سرنوشت صندوق تأمین اجتماعی و پایداری آن گره خورده است. مخارج سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴ به بیش از ۵۱ هزار میلیارد تومان، یعنی بیش از ۴ درصد GDP رسید. این مخارج باید-به‌طور عمده بیش از ۹۵ درصد- بر اساس حق بیمه تأمین شود، اما متأسفانه بخش بزرگی از این درآمدها، تعهدی هستند و نقد نشده‌اند. در طی سال‌های گذشته، ۳۰ تا ۴۰ درصد درآمدها (مطالبات سازمان) وصول نشده و نسبت درآمدهای نقدشده به مخارج، به ۹۱/۰ رسیده که نشان‌دهنده کسری است. کسری نقدینگی، شاید بزرگ‌ترین مشکل امروز سازمان تأمین اجتماعی است. در این شرایط، وصول مطالبات و به‌طور مشخص تادیه بدهی‌های دولت، به عنوان بزرگ‌ترین بدهکار به سازمان تأمین اجتماعی از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار است. از همین روست که می‌توان تصمیم مجلس برای بازگرداندن بخشی از این بدهی در بودجه سال آینده کشور را یک تصمیم تاریخی دانست که البته در ارتباط با روش‌های تادیه نیاز به بررسی و دقت بیشتری از سوی سازمان است. با این حال سه امر مهم وجود دارند که سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان پیش‌نیاز وصول مطالبات از دولت و اجرایی شدن مصوبه مجلس می‌بایست مدنظر قرار داده و انجام دهد.

شفاف‌سازی رقم خالص بدهی

میزان دقیق خالص بدهی دولت، مشخص نیست. از موارد اختلاف می‌توان به اصل رقم محاسبه‌شده به عنوان سهم دولت (پایه محاسبه سه درصد حق بیمه سهم دولت و یا حق بیمه کارگاه‌های با پنج نفر کارکن و کمتر)، عطف به ما سبق شدن محاسبه بدهی بر اساس ارزش روز طبق ماده ۷ قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، و در نهایت، شیوه محاسبه ارزش روز بدهی‌ها (نرخ بهره ساده یا مرکب) اشاره کرد. برخی نگرانند که شاید دولت از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار باشد و بتواند نظر خود را تحمیل کند. اما باید توجه داشت که تادیه این بدهی، مهم‌ترین مسئله است و نباید آن را به تعویق انداخت. اهمیت موضوع از آنجایی دوچندان می‌شود که بدایم سازمان تأمین اجتماعی، تنها طلبکار از دولت نیست، حجم بدهی‌های کل دولت، بسیار بالا رفته و طبق نظر اغلب کارشناسان، ناپایداری مالی دولت، به ویژه در شرایط درآمد نفتی پایین، بسیار محتمل خواهد بود.

انتخاب روش‌های مناسب تادیه

پس از مشخص شدن رقم دقیق بدهی دولت، انتخاب روش تادیه مناسب، بسیار حائز اهمیت است. روش تادیه‌ای مناسب است که بیشترین انطباق را با اهداف و نیازهای سازمان تأمین اجتماعی داشته و از سوی دیگر، شرایط اقتصادی، سیاسی و ترجیحات دولت را در نظر گرفته باشد. مهم‌ترین نیازهای سازمان که باید در انتخاب روش تادیه لحاظ شوند، نقدشوندگی بالا و ریسک پایین است. در شرایط کنونی -که سازمان، با کسری روبه‌رو است- نقدشوندگی دارایی‌ها ضروری است و روش تادیه، باید مبتنی بر بازارهای مالی باشد. از این رو در اجرایی شدن مصوبه مجلس که بازپرداخت ۵۰ هزار میلیارد تومان را به صورت تسنور (نقدی- غیرنقدی) تصویب کرده، می‌بایست وزن نقدینگی را تا آنجا که امکان دارد سنگین‌تر کرد.

ایجاد اراده به منظور تسویه سریع

همان‌طور که گفته شد، حجم بدهی‌های انباشته شده از سال‌های طولانی برای این دولت، بسیار بالاست. باید توجه داشت که علل در تادیه بدهی، به معنی پیش‌افتادن رفقا و سخت‌تر شدن شرایط برای سازمان است. باید تلاش شود که در بودجه سال ۹۷ دولت، خود را به‌طور واقعی ملزم به تسویه سریع‌تر رقم مصوب‌شده بداند. تشریح شرایط نامناسب سازمان و همچنین روشن ساختن تبعات این وضعیت می‌تواند عزم و اراده لازم را در دولت ایجاد کند. اگرچه این مهم، در درجه اول باید در تلاش‌ها و مذاکرات آتی مسئولان سازمان با دولت (همانند تلاش‌هایی که در مجلس انجام شد و به ثمر نشست) گنجانده شود، رسانه‌ها نیز در این میان می‌توانند در تبیین ابعاد مسئله نقش پررنگی داشته باشند.

پژوهشگر صندوق‌های بازنشستگی

دلایل کارشناسی ادغام موقت بیمارستان‌ها در دو شهر جنوب کشور

در روزهای گذشته در برخی شبکه‌های مجازی نقدهایی بر عملکرد بخش درمان تأمین اجتماعی در خصوص ادغام برخی مراکز درمانی تأمین اجتماعی با مراکز درمانی وزارت بهداشت مطرح شد که ضمن رد هرگونه تصمیم کلی با چنین ماهیتی در حوزه درمان تأمین اجتماعی، ضرورت دارد به دلایل کاملاً کارشناسی اقدامات انجام‌شده در برخی شهرهای کشور توجه شود.

بخش درمان سازمان تأمین اجتماعی، در راستای تعامل مثبت با نظام سلامت کشور، خدمات درمانی خود را مطابق با نظام سطح‌بندی سازمان ارائه می‌کند. در همین راستا، با توجه به مشکلات ایجاد شده در معدودی از بیمارستان‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی استان هرمزگان و کرمان در شهرهای بندرعباس و زاهد (نظیر مشکلات حادث‌ساختمانی ناشی از وقوع زلزله و فرسودگی) کمیته بحران استان‌های مذکور به ریاست استانداران (به عنوان نماینده رئیس جمهور) مصوبه‌ای صادر کرده که بر آن اساس، بیمارستان‌های سازمان تأمین اجتماعی، فعالیت‌های درمانی خود را تا زمان احداث یا بهسازی بیمارستان‌های دانشگاهی، افزایش داده تا به کلیه احاد جامعه - بالخصوص بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی که تقریباً نیمی از جمعیت هر منطقه را شامل می‌شوند - خدمات خود را بدون وقفه و به ضرورت نیاز، ارائه کنند. متعاقباً هیئت‌مدیره سازمان، مصوبات کمیته بحران استان‌های مذکور را مورد تصویب قرار داده است. از نکات مثبت انتقال موقت بخش‌های درمانی از سوی دانشگاه به مراکز بیمارستانی سازمان، استفاده از نیروهای تخصصی و علمی دانشگاهی برای ارائه خدمات در مراکز سازمان است که این امر، ضمن ارتقای سطح علمی ارائه خدمات، افزایش سطح فعالیت‌های مراکز بیمارستانی را نیز فراهم کرده است. همچنین بیمه‌شدگان محترم سازمان در این دو شهر (بندرعباس و زاهد) که تا قبل از این ادغام، با پرداخت فرانشیز از خدمات پزشکان متخصص در بیمارستان‌های دانشگاهی استفاده می‌کردند، هم‌اکنون مشابه سایر خدمات قابل ارائه در مراکز بستری سازمان، بدون پرداخت وجه، این خدمات را در مراکز سازمان در این شهرستان‌ها دریافت می‌کنند. بدیهی است مزایای این پزشکان و کارکنان، باید براساس قوانین مربوطه بابت ارائه خدمات، پرداخت شود. همچنین نظارت مسئولان بیمارستان‌های تأمین اجتماعی بر عملکرد پزشکان موصوف، باعث ارائه بهتر خدمات و مدیریت مصارف و هزینه‌ها شده است.

معاون نظارت و برنامه‌ریزی اداره کل درمان مستقیم تأمین اجتماعی

خبر •

معاون اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی خبر داد:

تشکیل پرونده الکترونیک سلامت برای چهار گروه از بیماران

معاون اداره کل درمان مستقیم سازمان تأمین اجتماعی، با اشاره به تشکیل پرونده الکترونیک سلامت برای چهار گروه از بیماران گفت: «پرونده الکترونیک بیماران مزمن، در مراکز درمانی ملکی تأمین اجتماعی تشکیل می‌شود و نظام ارجاع ویژه‌ای نیز برای این گروه از بیماران، ایجاد شده است.» دکتر سیدمحمد صادقی‌راد اظهار داشت: «در مراکز درمانی سازمان تأمین اجتماعی، برای مبتلایان به بیماری‌های دیابت، فشارخون، بیماری‌های مزمن اعصاب و روان و بیماری‌های مزمن قلبی و عروقی، پرونده الکترونیک تشکیل می‌شود و قرار است این پرونده‌ها برای سایر بیماران نیز به مرور تشکیل شوند.»

تجویز داروی گران قیمت خارج از فهرست دارویی، تخلف است

سخنگوی وزارت بهداشت گفت: «تجویز داروهای گران قیمت خارج از فهرست رسمی دارویی کشور توسط پزشک، تخلف است و پزشکان باید خود را به رعایت تعرفه‌های اعلام‌شده ملزم بدانند.» به گزارش روابط عمومی وزارت بهداشت، ایرج حریرچی، به تخلفی دیگر در نظام سلامت اشاره کرد و گفت: «بیمارستان‌های خصوصی اگر پیش از انجام اقدامات پزشکی و ارائه خدمات، پول مطالبه کنند، خلاف مقررات است؛ اگرچه در بیمارستان‌های دولتی، تقریباً این مشکل به صفر رسیده است.»



در شهر خیرهایی هست

A T I V E H N O

رگه‌های سوداگری در واردات انبوه تجهیزات تشخیصی

واکاوای دلایل و آسیب‌های به کارگیری بی‌رویه تجهیزات پزشکی در مطب‌ها و کلینیک‌های پزشکی



در گذشته معمولاً این بیمار بود که تقاضای القایی مطرح می‌کرد اما حالا این برخی پزشکان هستند که با رایج‌ی مورد بیمار برای انجام آزمایش‌ها و تصویربرداری‌های پزشکی، تقاضای القایی ایجاد می‌کنند.

• سمیرا اعظمی نژاد • • خبر نگار درمان •

در روزهایی که «شرح حال گرفتن از بیمار» در حال پیوستن به خاطره‌هاست و به جای آن، انکا به تجهیزات تشخیصی پیشرفته، جای گفت‌وگوی پزشک و بیمار را گرفته، انبوه واردات بی‌رویه تجهیزات تشخیصی نیز موجب شده است که تقاضاهای القایی به نظام سلامت، تحمیل و در نهایت، جیب بیمار و بیمه‌های درمانی خالی شود. محمدرضا کمپانی، نایب‌رئیس اتحادیه صادرکنندگان تجهیزات پزشکی ایران، میزان واردات کالای پزشکی - اعم از مصرفی و سرمایه‌ای - به کشور را طی سال گذشته، حدود ۹۰۰ میلیون دلار می‌داند و می‌گوید: «نیمی از این کالاها مربوط به تجهیزات تصویربرداری، شامل ام‌آر‌آی، سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی و مصادیقی از این نوع و همین‌طور ۲۰۰ میلیون دلار لوازم مصرفی بوده است.» واردات ۷۰۰ میلیون دلاری تجهیزات تشخیصی به کشور، خودبه‌خود به افزایش هزینه‌های درمان منجر می‌شود؛ زیرا به هر حال این تجهیزات وارد شده قرار نیست در گوشه‌ای انبار شوند، بلکه این تجهیزات وارداتی در مراکز درمانی، جا خوش می‌کنند و گاه برای بازگشت این سرمایه، بیماران را بدون دلیل علمی، به مراکز تشخیصی ارجاع می‌دهند. پیش‌تر نیز حسن هاشمی، وزیر بهداشت اعلام کرده بود که «رقم واردات تجهیزات پزشکی، دو برابر رقم تولید داخلی این کالاهاست.» نباید از خاطر برد که جدا از واردات ۷۰۰ میلیون دلاری تجهیزات تشخیصی به کشور، سهم زیادی از بازار تجهیزات تشخیصی را هم کالاهای قاچاق تشکیل می‌دهند. به گفته محمدنعم امینی‌فرد، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، اگر میزان قاچاق تجهیزات پزشکی، دارو و کالاهای بهداشتی، در کنار هم مورد توجه قرار گیرند، در سال حدود ۴۰۰ میلیون دلار قاچاق از این بخش صورت می‌گیرد. این دستگاه‌های تشخیصی قاچاق نیز قرار نیست در گوشه‌های انبار شوند، بلکه این دستگاه‌های قاچاق با چند روز وقت‌گذشتن برای سندسازی، به مجموع دستگاه‌های تشخیصی در مراکز درمانی کشور اضافه می‌شوند. حتی گاهی واردات غیرقانونی تجهیزات تشخیصی از طریق مبادی رسمی انجام می‌شود. چندماه قبل، محمود بیگلر، مدیرکل تجهیزات پزشکی وزارت بهداشت، در اظهارنظری قابل تأمل اعلام کرد: «از گمرک، تجهیزات پزشکی را با نام لوازم خانگی و الکترونیکی، مثل ماشین لباسشویی و کمپرسور وارد می‌کنند.» مجموع واردات قانونی و غیرقانونی دستگاه‌های تشخیصی موجب شده است که واردات دستگاه‌های تشخیصی، فراتر از نیاز واقعی بیماران باشد که همین مسئله، هزینه‌های اجرای طرح تحول سلامت - به عنوان بزرگ‌ترین طرح اجتماعی دولت - را هم افزایش داده است.

کمیته حقوقی انجمن رادیولوژی ایران، ضمن انتقاد نسبت به این مسئله، یادآور می‌شود: «در اغلب مطب‌های متخصصان زنان و زایمان، یک دستگاه سونوگرافی وجود دارد که این موضوع، به چالشی در حوزه رشته رادیولوژی تبدیل شده است. در این بین، واردات بی‌رویه این دستگاه نیز کاملاً جای سوال دارد.» کریمی می‌گوید: «مطالعات اولیه نشان می‌دهد که این گروه از متخصصان زنان که از دستگاه سونوگرافی استفاده می‌کنند، حدود ۹۷ درصد از زنان باردار و ۹۲ درصد از زنان غیرباردار را در هر بار ویزیت، سونوگرافی می‌کنند و بابت سونوگرافی نیز مبالغی از ۸۰ تا ۳۷۵ هزار تومان می‌گیرند. این درحالی است که متخصصان زنانی که دستگاه سونوگرافی ندارند، تنها ۲۳ درصد از بیماران خود را برای سونوگرافی به متخصصان رادیولوژی ارجاع می‌دهند. همچنین تعدادی از متخصصان زنان، حتی حرفه اصلی خود را - یعنی مراقبت از زنان باردار و غیرباردار و جراحی زنان، که برای آن با بودجه عمومی تربیت شده‌اند - رها کرده‌اند و فقط سونوگرافی می‌کنند.» ارجاع بیمار برای انجام سونوگرافی‌های متعدد و غیرضروری، فقط یک چشمه از تبعات واردات غیرضروری دستگاه‌های تشخیصی است که با بازاریابی تلاش می‌شود این دستگاه‌های وارداتی، در مطب‌ها، مراکز درمانی و هر جایی که در آن بیماران مراجعه

می‌کنند، نصب و بهره‌برداری شوند. **■ راه علاج، از کدام مسیر می‌گذرد؟** حجم انبوهی از واردات قانونی و غیرقانونی تجهیزات تشخیصی به ایران، از کشورهایی است که در حوزه تولید تجهیزات تشخیصی، شهرت و اعتبار کافی ندارند و محصولات با کیفیتی هم تولید نمی‌کنند. دکتر حیدرعلی عابدی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در گفت‌وگو با آینه‌نو، به تبعات واردات بی‌رویه تجهیزات تشخیصی اشاره می‌کند و می‌گوید: «انتظار داریم که متولیان نظام سلامت، نظارت دقیق‌تری داشته باشند تا واردات تجهیزات تشخیصی به کشور، صرفاً از سر نیاز واقعی و در جهت تأمین سلامت مردم باشد و نه صرفاً برای سودآوری.» به گفته عابدی، در گذشته معمولاً این بیمار بود که تقاضای القایی مطرح می‌کرد، اما حالا این برخی پزشکان هستند که با ارجاع بی‌مورد بیمار برای انجام آزمایش‌ها و تصویربرداری‌های پزشکی، تقاضای القایی ایجاد می‌کنند و هزینه‌های نظام سلامت را بالاتر می‌برند؛ مراکز تشخیصی ارجاع می‌دهد که این موضوع، خلاف اسناد بالادستی نظام سلامت است. این نماینده مجلس،

متعدد است که اعمال نظارت‌های دقیق‌تری می‌تواند از حجم این تقاضاهای القایی نیز بکاهد. به گفته او، باید قبل از نصب و راه‌اندازی دستگاه‌های تشخیصی، نیازسنجی انجام بگیرد تا مشخص شود که بیماران مراجعه‌کننده به یک مرکز درمانی، به چه دستگاه‌های تشخیصی‌ای و به چه تعدادی نیاز دارند تا منابع نظام سلامت، صرف راه‌اندازی بی‌مورد دستگاه‌های تشخیصی نشود. همچنین دکتر اکبر ترکی، دیگر عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از زاویه دیگری به بحث واردات تجهیزات تشخیصی اشاره می‌کند و به آینه‌نو می‌گوید: «مشکل اینجاست که اغلب دستگاه‌های تشخیصی وارداتی در کلانشهرها و مراکز برخوردار مورد استفاده قرار می‌گیرند، درحالی که در شهرهای کوچک و مناطق محروم، با کمبود این دستگاه‌ها مواجه هستیم. یعنی جدای از اینکه واردات دستگاه‌های تشخیصی باید هدفمند و با ضابطه باشد، در توزیع این دستگاه‌ها نیز باید عدالت رعایت شود.» ترکی تأکید دارد: «اگر نظام ارجاع، پزشک خانواده و تشکیل پرونده الکترونیک سلامت، به‌طور کامل عملیاتی شوند و ابلاغ راهنماهای بالینی نیز در دستورکار قرار گیرد، آن‌گاه قطعاً فرایند ارجاع بیمار برای استفاده از تجهیزات تشخیصی نیز با دقت و نظارت بالاتری انجام خواهد شد و حجم تخلف‌ها در این حوزه هم کمتر می‌شود.» در شرایطی که کشور ما به شدت از نظر تجهیزات تشخیصی در حوزه درمان به کشورهای دیگر وابسته است، حمایت از تولید داخل برای ارتقای کیفیت تجهیزات تشخیصی تولیدشده در ایران، می‌تواند هم به استقلال و توانمندی کشور در حوزه سلامت کمک کند و هم بسیاری از هزینه‌های غیرضروری نظام سلامت را برای واردات تجهیزات تشخیصی، کاهش دهد.

بهره‌برداری از چهار طرح درمانی در کرمان و سیرجان

مراسم افتتاح گفت: «۹ مرکز درمانی تأمین اجتماعی در این استان وجود دارد و بیمارستان خلیج فارس بندرعباس، مرکز بستری ملکی تأمین اجتماعی در هرمزگان است. در شهر بندرعباس و پنج شهر دیگر، مرکز درمانی ملکی داریم.» دکتر لیلا خدری، افزود: «۲۴۰ تخت فعال داریم که ۱۵ تخت، از آبان‌ماه تحویل شده است.» وی با اشاره به افتتاح ۱۵ تخت بستری بخش زنان در بیمارستان خلیج فارس گفت: «با توجه به کمبود در بخش زنان و زایمان در استان هرمزگان، این طرح انجام شد. همچنین حذف دفترچه و برنامه تشکیل پرونده الکترونیک بیماران مزمن در بیمارستان تأمین اجتماعی خلیج فارس بندرعباس، درحال اجرا است.»

بستری تخصصی جراحی زنان و زایمان در بیمارستان تأمین اجتماعی خلیج فارس بندرعباس افتتاح شد. دکتر نوربخش، در مراسم افتتاح این پروژه گفت: «خدمات درمانی تأمین اجتماعی از طریق ۸۰ بیمارستان و ۳۲۰ مرکز سرپایی ملکی به اندازه یک‌سوم خدمات درمانی است که به بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی ارائه می‌شود.» مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، با بیان اینکه این سازمان، اهتمام بر افزایش کیفیت خدمات درمانی دارد، اظهار داشت: «۷۴ بیمارستان ملکی تأمین اجتماعی در ارزیابی‌ها درجه یک و یک بیمارستان، درجه عالی را کسب کرده‌اند.» همچنین مدیر درمان تأمین اجتماعی هرمزگان نیز در

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که از محل بیمارستان تأمین اجتماعی زاهد در مراسم ویدئوکنفرانس افتتاح این پروژه‌ها حضور داشت، گفت: «در طول چهارسال گذشته، به اندازه ۵۰ سال در کشور با فقر درمان مبارزه شده و امکانات درمانی، به میزان زیادی توسعه و ارتقا پیدا کرده است.»

■ افتتاح ۱۵ تخت بستری تخصصی بخش زنان در بندرعباس
همزمان با آغاز دهه مبارک فجر و با حضور دکتر سیدنتقی نوربخش، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی و دکتر فریدون همتی استاندار هرمزگان، ۱۵ تخت

همزمان با آغاز دهه فجر و در جریان سفر ریاست جمهوری به استان کرمان، طی مراسم ویدئوکنفرانس با حضور دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری و دکتر علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طرح‌های ارتقای هتلینگ و بخش فلوروسکوپی بیمارستان دکتر غرضی سیرجان به بهره‌برداری رسید و عملیات توسعه اورژانس این بیمارستان نیز آغاز شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی، در بیمارستان تأمین اجتماعی پیامبر اعظم (ص) کرمان نیز بخش جراحی قلب باز افتتاح شد. چندماه قبل نیز همزمان با هفته کارگر، بخش آنژیوگرافی و MRI این بیمارستان افتتاح شده بود. دکتر علی ربیعی،

سی و نهمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی گرامی

بانک رفاه کارگران به عنوان با سابقه ترین بانک اجتماعی کشور در حال حاضر با قریب به شش دهه تجربه در ارائه خدمات بانکی و به عنوان یکی از بانک های بزرگ تجاری کشور، انواع متنوع خدمات روزآمد بانکی، اعم از ریالی، اعتباری، ارزی و الکترونیک را در مجموعه نظام بانکی ارائه می نماید. این بانک می کوشد با ارائه مطلوب انواع خدمات بانکی، رضایت عموم اقشار جامعه به خصوص جامعه معزز تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی، بالاخص مستمری بگیران، مقرری بگیران و کارگران و ... را تأمین نماید. گزارش حاضر به تبیین اهم اقدامات انجام شده و رویکردهای بانک در عرصه خدمت رسانی سال های ۱۳۹۲ تا ۱۰ ماهه ۱۳۹۶ پرداخته است.

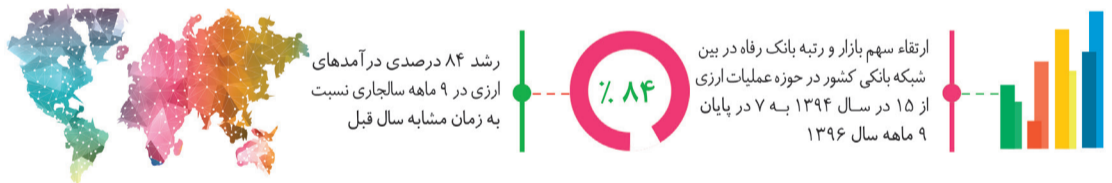
معرفی



خدمات اعتباری



بانکداری بین الملل



اهم اقدامات صورت گرفته در حوزه ارزی

<p>انقضای قراردادهای تأمین مالی میان/بلند مدت</p> <p>اکزیم بانک کره جنوبی سیتیک ترانست چین Ober Bank اتریش</p> <p>پیگیری از بانک مرکزی در خصوص الحاق به سایر قراردادهای فابانکس</p>	<p>انقضای قراردادهای تأمین مالی کوتاه مدت (ریفاینانس)</p> <p>بانک تجارت پاریس پرشیا بانک لندن بانک ایران و اروپا</p>	<p>اتصال مجدد به شبکه جهانی سوئیفت و برقراری روابط کارگزاری</p> <p>با حدود ۱۵۰ بانک کارگزار بین المللی و افتتاح و فعال سازی مجدد ۵۶ قهره حساب کارگزاری به اسعار مختلف</p>
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

بانک رفاه کارگران در عرصه مسئولیت های اجتماعی

- ساخت و یا مشارکت در احداث ۱۳ باب مدرسه با تخصیص ۲۵ میلیارد ریال
- اعطای بیش از ۱۷۷ هزار قهره تسهیلات قرض الحسنه به ارزش ۲,۷۵۲ میلیارد ریال به مستمری بگیران
- اعطای ۸,۲۳۹ قهره تسهیلات کمک برای حوادث غیرمترقبه مسکن (سیل، زلزله و ...) به ارزش ۶۴۱ میلیارد ریال

اقدامات اساسی بانک در راستای شعار سال: اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال



- سامانه تسویه با داروخانه ها و بیمارستان های طرف قرارداد تامین اجتماعی
- سامانه تسویه با داروخانه ها و بیمارستان های طرف قرارداد تامین اجتماعی
- سامانه بارس کالا و سامانه معاملات آنلاین سهام
- سامانه تیلیت بانک رفاه، برنده جایزه جشنواره نوآوری محصول برتر ایرانی سال ۹۵
- طرح یکارگیری سیم کارت رایتل بجای کارت بانکی با استفاده از فناوری NFC گوشی هوشمند
- سامانه مدیریت مالی شخصی (سیمیم)، برنده جایزه نوآوری جشنواره دکتر نوربخش سال ۹۵
- ارائه اپلیکیشن موبایلی رفاه پرداخت
- راه اندازی سامانه مدیریت عملیات یکپارچه نظارت بر حساب های مشتریان سازمانی و شرکتی (معین)
- سامانه پرداخت شناسه دار جهت مشتریان حقوقی (چاپگرزین الکترونیک مناسبی برای صدور چک)
- سامانه پرداخت آنلاین نسخ الکترونیک پزشکان طرف قرارداد تامین اجتماعی
- ارائه کارت اعتباری "کارا کارت"



نوآوری در ارائه خدمات بانکداری الکترونیک

- بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری ۲۰۲ واحد مسکونی از طریق اعطای تسهیلات به مبلغ ۱,۷۵۸ میلیارد ریال
- حمایت از ساخت ۲۸,۴۲۵ مسکن روستایی از طریق تسهیلات بانک رفاه به مبلغ ۲,۴۴۴ میلیارد ریال
- حمایت از ساخت ۹۷۰ واحد مسکن مهر از طریق اعطای تسهیلات به مبلغ ۳۳۸ میلیارد ریال
- خرید و اهدای ۴۵ دستگاه آمبولانس به ارزش ۹۹ میلیارد ریال به دانشگاه های علوم پزشکی
- رهایی تعداد ۱,۴۵۹ زندانی نیازمند با تخصیص مبلغ ۳۸۲ میلیارد ریال
- کمک به سازمان های مختلف به ارزش بالغ بر ۳۸ میلیارد ریال منجمله ساخت و تکمیل ۱۲ باب مدرسه و مساجد از طریق اهدای کمک به ارزش ۱۸ میلیارد ریال
- خرید/ ساخت مسکن برای ۹,۱۱۹ نفر از خانواده های محترم شهدا و جانبازان عزیز از طریق اعطای تسهیلات به مبلغ ۵,۳۳۲ میلیارد ریال
- اعطای ۲۰,۳۹۹ قهره تسهیلات قرض الحسنه اشتغال زایی نهاد های حمایتی از جمله سازمان بهزیستی، کمیته امداد و ... به مبلغ ۲,۱۰۱ میلیارد ریال

کودکان، محور برنامه‌های فقرزدایی باشند

بر کسی پوشیده نیست که پس از سال‌ها اجرای برنامه‌های ناموفق فقرزده‌ایانه، لازم است طرحی نو در انداخته شود و روشی را در پیش گرفت که قدری با آنچه تاکنون آزموده شده، متفاوت باشد. به طور مشخص اگر دولت تصمیم‌دارد به مسئله فقر ورود کند و اگر می‌خواهد به نتایجی پایدار و موفقیت‌آمیز دست پیدا کند، بهتر است از منظر وضعیت کودکان در شرایط دشوار، به پیگیری سیاست‌های فقرزدایی بپردازد. در تمام سالیان گذشته، نه تنها در سیاست‌های مبارزه با فقر موفق نبوده‌ایم، بلکه با فراموش کردن کودکان در شرایط دشوار، نسل آینده را نیز به شدت تهدید کرده‌ایم. یکی از نمونه‌های این فراموشی، بی‌توجهی به سوءتغذیه کودکان در شرایط دشوار است. پیشنهاد من این است که یک‌بار مسئله فقر در کشور را از منظر نسل آینده و کودکان، بازبینی کنیم. اکنون نیز اگر سرشماری درستی از کسانی که در کشور ما از فقر شدید و مطلق رنج می‌برند، صورت گیرد، مشاهده می‌کنیم که بیشترین نمونه‌های فقر بر کودکان و وضعیت آنها نمایان می‌شود. اگر کودکان در اولویت برنامه‌های شناسایی قرار گیرند و با استفاده از داده‌های وزارت بهداشت و سازمان آموزش و پرورش، فهرستی از کودکان در وضعیت فقر شدید تهیه شود، به راحتی می‌توان برای آنها سیاست‌گذاری‌های متناسب را انجام داد. اضافه بر این، تعدادی از کودکان نیز هستند که بنا به دلایل مختلف، وارد نظام آموزشی نشده‌اند یا از مدرسه اخراج شده‌اند؛ این دسته از کودکان نیز باید به صورت جداگانه سرشماری شوند. تا به امروز، هیچ فهرست دقیقی از کودکان در شرایط دشوار، در اختیار نداریم و با وجود برنامه‌هایی که وزارت رفاه و آموزش و پرورش داشته‌اند، تلاش‌های آنها موفقیت‌آمیز نبوده است. بنابراین اولین قدم برای ورود به کاهش فقر، شناسایی گروه‌های هدفی است که کودک ناامید می‌شوند و براساس کنوانسیون حقوق کودک، زیر ۱۸ سال سن دارند. این کودکان از قضا همان‌هایی هستند که مورد آزار هم قرار می‌گیرند؛ در واقع، همیشه میان سوءتغذیه کودکان، آزارهای جسمی و جنسی، بی‌توجهی‌های روحی و عاطفی، کار اجباری و دیگر شاخص‌های شرایط دشوار، نوعی همبستگی وجود دارد. بنابراین، اولویت سیاست‌های فقرزدها، با کودکان است. به این دلیل که با رسیدگی به کودکان دچار فقر، در درجه نخست، امید را در خانواده‌ها زنده می‌کنیم. بنابراین، ورود به مسئله فقر کودکان، پشتیبانی عمومی و خیر همگانی را به دنبال خواهد داشت. از طرفی دیگر، شناسایی کودکان دچار فقر، به مراتب آسان‌تر از دیگر گروه‌های سنی و اقشار دیگر است. زمانی که مسئله فقر کودکان در میان باشد، اراده‌ای عمومی شکل خواهد گرفت که شاید به حل شدن همیشگی موضوع حل نشده فقر، بینجامد. اگر فهرستی از کودکان در شرایط دشوار تهیه شود، متناسب با نیازهای هر کدام، می‌توان سیاست‌های جبرانی و حمایتی را اعمال کرد و در اطراف آنها نیز شبکه‌ای از دیدهبان‌ها تشکیل داد. وظیفه دیدهبان‌ها – که متشکل از جوانان داوطلب و آماده آموزش دیده است – نظارت بر بسته‌های حمایتی از کودکان در شرایط دشوار است. به عبارت دیگر باید از ظرفیت جمعیت انبوه جوان تحصیلکرده در سن کار استفاده کرد تا حلقه‌ای دور کودکان تشکیل شود. طبیعتاً در این فرآیند، بخشی از مراحل انجام کار، از بالا به پایین است و دولت مرکزی، باید شرایط و ملزومات حمایتی را فراهم کند. به نوعی می‌توان گفت با شناسایی کودکان و تشکیل نظام دیده‌بانی، برنامه‌ریزی‌های فقرزدها برای دیگر گروه‌های هدف نیز موفقیت‌آمیزتر خواهند شد. بنابراین در سطح مداخله‌های از پایین به بالا، از کودکان شروع می‌کنیم، به درون خانواده‌ها می‌رویم و از آنجا به مختصات و ویژگی‌های محله‌ها و بافت‌های زندگی خانوارها در شهرها و روستاها دست پیدا می‌کنیم. این راهبرد، کلیدی‌ترین و پایه‌ای‌ترین سیاست، در شناسایی شناسنامه فقر و عبور از آن است که امیدواریم روزی در دستورکار دولت و سیاست‌گذاران قرار گیرد.

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه شهیدباهنر کرمان

راهکار دولت برای فقر مطلق چیست؟

بر اساس پیش‌بینی‌ها، پروژه رفه فقر مطلق و حمایت فراگیر از اقشار کم‌درآمد، سال آینده کلید می‌خورد؛ بدین ترتیب که دولت، ابتدا برای خانوارهای فقیر – با توجه به تعداد اعضای فقیر آنها – کف درآمدی تعیین می‌کند. این کف درآمدی، نسبتی با مقرری‌های پرداختی نهادهای حمایتی دارد. پس از آن، خانوارهایی که درآمدی کمتر از کف دارند، خود را به سازمان‌های حمایتی معرفی می‌کنند و دولت نیز به راستی‌آزمایی اطلاعات ارائه‌شده می‌پردازد. در مرحله بعد، چنانچه خانواری کمتر از ارقام اعلام‌شده درآمد داشته باشد، وزارت رفاه مابه‌التفاوت تا کف را پرداخت می‌کند. منابع این پرداخت‌ها قرار است با گرفتن مالیات از بالاترین صدک درآمدی، تأمین شود.



فقر زدایی و توسعه ملی

۰۶ | آتیه‌نو

رفاه و تامین اجتماعی، بستر ساز توسعه ملی

آتیه‌نو، سه برنامه فقرزدها و راهبردهای دولت دوازدهم برای ریشه‌کنی فقر را بررسی می‌کند



اکثر برنامه‌های ضد فقر اجرا شده در ایران، مبتنی بر رویکردهای بولی بوده و غالباً نیز به دلیل تعارض گفتمانی اجرایی به موفقیت نرسیده‌اند / طرح: هادی حیدری

جهت‌گیری‌های مستقیم بازتوزیع منابع بر حذر می‌دارد؛ چرا که به گمان مدافعان این رویکرد، حمایت‌های دولت از فقرا، مانع تولید بیشتر و بزرگ‌تر شدن یک اقتصاد است و بر همین اساس، پیشنهاد می‌کنند که بگذارند اقتصاد، کار خودش را انجام دهد، حتی اگر قطعات این کیک اقتصاد، به طور نابرابر میان افراد و خانوارها توزیع شده باشد. نمود بارز این دیدگاه، در سیاست‌های تعدیل اقتصادی اوایل دهه ۷۰ به خوبی مشهود است.

■ تحلیل دگراندیشانه از فقر

در مقابل دیدگاه اول، طیفی از نظر به‌پیرازان عموماً اجتماعی قرار دارند که رویکردی عموماً دگراندیش دارند و به فقر، به مثابه پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی می‌نگرند که برای حل آن، باید فرمول‌های متناسب داشت. رویکردهای دگراندیش، به کیفیت فقر توجه می‌کنند. به عبارتی، در رویکردهای غیراقتصادی گفته می‌شود که فقر، تنها محاسبه سرراست خط فقر و داشتن اطلاعاتی درباره درآمد خانوارها و اینکه چند درصد خانوارها زیر خط فقر قرار دارند (سرشماری فقرا)، نیست؛ بلکه شاخص‌ها و عوامل اجتماعی، مانند قابلیت افراد، میزان مشارکت و سطح محرومیت آنها نیز در فقر، دخیل است و علی‌الخصوص بر مقوله‌های نابرابری، آموزش، سلامت و بهداشت، و تور حمایت‌ها در سیاست‌گذاری‌های ضد فقر تأکید می‌کنند. در این رویکرد، وظیفه دولت‌هایی دانند که با سیاست‌های توزیعی مناسب، محیط اجتماعی و زیستی را به گونه‌ای فراهم کنند که طبقات و اقشار مختلف شهروندی، از حداقل‌هایی برخوردار

پیرایش

عادلانه‌تر کردن جامعه، ریشه‌کن کردن کامل فقر مطلق و ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی، اولویت اول در حوزه اجتماعی است و در این میان، ماموریت اصلی به وزارت رفاه سپرده شده تا برنامه‌های فقرزدها تدوین کند



امکانات معیشتی را برای نیازمندان فراهم کند، به قدرت خرید کشاورزان توجه کند، و آموزش عمومی را در مناطق محروم گسترش دهد. در برنامه دوم توسعه، با آنکه عدالت اجتماعی به قانون سیاست‌های فقرزدها افزوده می‌شود، به دلیل نبود تعریف روشن و عملیاتی از عدالت و مصادیق و ابعاد آن، پیوندی منطقی و بایسته، میان این آرمان و سیاست‌های فقرزدها برقرار نمی‌شود و با وجود طرح ایده‌آل‌هایی مانند «بهبود شرایط زندگی عمومی»، «اصلاح نظام مالیاتی»، «رفع تعادل‌های منطقه‌ای»، سیاست‌ها در عمل به صورت جزیره‌ای عمل کرده و نمود مشخصی در حل مسئله فقر پیدا نمی‌کنند. در برنامه سوم نیز همان الگوی تک‌بعدی و پراکنده‌ی سیاست‌های فقرزدها ادامه پیدا می‌کند و دولت‌مردان، وزن و جایگاهی به برنامه‌های فقرزدها در سیاست‌های اجرایی خود نمی‌دهند و فقر و نابرابری، عمیق‌تر می‌شود. برنامه چهارم توسعه، اولین برنامه‌ای است که در آن سازوکار مشخص و تاحدودی عینی، برای حل مسئله فقر عرضه می‌کند که تا حدودی متاثر از تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است که در همان سال (۱۳۸۳) به تصویب رسیده بود. در این سند میان مدت توسعه‌ای، راهبردهایی چون بهبود امنیت غذایی، ارتقای امنیت شغلی، عادلانه‌تر کردن درآمدها، اولویت‌یافتن نیازهای اصلی مردم (بهداشت، آموزش، مسکن)، اعمال سیاست‌های مالیاتی با هدف بازتوزیع عادلانه درآمدها، توانمندسازی و... برجسته شدند که باید با مشارکت نهادهای مدنی و موسسه‌های غیردولتی از جامعه فقرزدایی می‌کردند. در برنامه چهارم، یکی از راهبردها در پیشگیری و کاهش فقر، توانمندسازی سه دهک پایین درآمدی با برنامه‌های ویژه اشتغال و آموزش مهارت‌های شغلی و زندگی به آنها بود و برای نخستین بار نیز انواع فقر (معیشتی، مطلق، نسبی، و قابلیت) تعریف شدند. در عمل این برنامه نیز به همان آفت نبود استنباط واحد از فقر، سلطه چارچوب منطقی سیاست‌ها با واقعیت‌های جامعه، و از همه مهم‌تر سیاست‌های هدفمندسازی بار آنها و جهش در قیمت حامل‌های انرژی، دچار بود و کاری از پیش نبرد. برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴)، دومین برنامه از دوره سند چشم‌انداز بیست‌ساله بود و نیم‌نگاهی نیز به عدالت اجتماعی، فقرزدایی و توانمندسازی فقرا داشت. اما در این برنامه نیز به دلیل تجربه نرخ‌های رشد و منفی رشد، تورم افسارگسیخته، جهش‌های چندباره در نرخ ارز، تحریم‌های اقتصادی اهداف فقرزدایی را به کل منتفی کرد و تا کم‌ترین دوران فقرزدایی را به ثبت رساند.

■ تحلیل سه‌دهه برنامه‌های فقرزدایی

نتیجه سیاست‌های فقرزدایی سه دهه اخیر، با زبان آمار و ارقام، بهتر بیان می‌شود. گذشته از اینکه در ایران، نهادهای سازمان‌های پژوهشی مختلف هر کدام نمودارهای مختلفی از نوسان‌های فقر ترسیم کرده‌اند – که لزوماً هم منطبق بر یکدیگر نیستند – در گزارش‌های اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر کرده، آمده است وسعت و شدت فقر چندبعدی در مناطق روستایی طی سال‌های ۷۰ تا ۹۳ حدود ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده و از ۰/۳۵۴۰ به ۰/۰۶۶۴ رسیده است.

رفع فقر و نابرابری، پیش‌نیاز توسعه

جامعه و محو آن به عنوان اولویت کاری دولت، یک ضرورت انکارناپذیر است. اگر تعداد قابل توجهی فقیر مطلق در جامعه وجود داشته باشد، قطعاً فرآیند توسعه اتفاق نمی‌افتد. توسعه، فرآیندی نرم‌افزاری است و اگر قرار است جامعه رشد کند، باید انسان‌های توسعه‌یافته داشته باشد و این یک فرآیند زمانبر و طولانی است. هر جامعه‌ای که بخواهد به مرحله توسعه‌یافتگی برسد، باید مطمئن شود که فقیر مطلق ندارد و با آمار آن، به حداقل رسیده است. دولت و مجموعه نظام، باید اولویت خود را بر کاهش قابل ملاحظه فقر مطلق بگذارند. اگر این موضوع را بپذیریم، باید ابتدا املاک‌هایی برای شناسایی افراد فقیر داشته

برای فقر افتاده است؟ چه اتفاقی برای بیکاری افتاده است؟ چه اتفاقی برای نابرابری افتاده است؟ اگر یک یا دو مورد از این سه مشکل اساسی، بدتر شده باشند یا (به‌خصوص) اگر هر سه مورد بدتر شده باشند، توسعه رخ نداده است. اگرچه این تعریف از توسعه، در دهه شصت میلادی ارائه شده، برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه – از جمله ایران – این پیش‌نیاز هنوز به عنوان یک هدف برنامه‌ای، دست‌یافتنی است. با وجود قابلیت‌های انسانی و طبیعی فراوان برای راهی از این سه معضل اساسی، هنوز مشکل فقر، نابرابری و بیکاری، در راس مسائل است. بر این اساس، شناسایی فقرای مطلق در

کشورهای درحال توسعه، وجوه مشترکی دارند که به اذعان اغلب کارشناسان، فقر، نابرابری و بیکاری، در راس آنها قرار دارند. اهمیت رفه یا کاهش این سه شاخص، در فرآیند توسعه یک کشور، به حدی مهم است که دادلی سیزز (Dudley Seers)، متفکر مشهور، تعریف خود از توسعه را بر پایه رفه این سه مشکل بنا نهاده است و می‌گوید: «سوالی که باید درباره فرآیند توسعه یک کشور پرسید، آن است که: چه اتفاقی



یادداشت • حسین رافقر

اقتصاد مردم محور به چه معناست؟

رفع فقر، یکی از اهداف عالی و وظایف دولت‌ها است. برای موفقیت در این راه نیز راهکارها و الزامات اقتصادی‌ای وجود دارد که سال‌هاست در کشور به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود. برای رفع فقر، اول باید خود این مفهوم را بشناسیم و لایه‌بندی کنیم. ما در حال حاضر در کشور، اقشار به شدت محرومی داریم که نیاز به حمایت‌هایی خاص - حتی حمایت‌های غذایی - دارند و نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی و ... هم در این خصوص، در حال فعالیت هستند. برای ریشه‌کنی آن لایه از فقر شدید، باید اعتبارات این نهادها افزایش پیدا کرده و وظایف و کارکردهای آنها بازتعریف شود. اما این، همه مسئله فقر در ایران نیست. لایه‌های گسترده‌تری از فقر هم در کشور وجود دارد که باید به‌صورت ویژه، برای آنها برنامه‌ریزی کرد. در این سطح هم دو مفهوم اساسی را باید در نظر گرفت. اول توانمندسازی نظام تامین اجتماعی و بازتعریف نقش‌های این نظام - که باید به صورت جدی و براساس قانون در دستورکار قرار بگیرد - و در مرحله بعد از آن، در دستورکار قرار گرفتن ایجاد اشتغال و شناسایی توانمندی‌های فردی افراد در جامعه برای بهبود وضعیت. ایجاد اشتغال، به تناسب توانایی‌های افراد از جمله راهکارهای حل مشکل فقر، به صورت ریشه‌ای است. این مسئله سال‌هاست که در ایران، مورد غفلت واقع شده و به آن بی‌توجهی می‌شود. دولت دوازدهم اگر می‌خواهد هدف و اولویت خود در حوزه کارشناسی و اساسی در این خصوص داشته باشد.

اقتصاد مردم‌محور، یکی از تاکییدات مهم اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است و اتفاقاً مردم‌محور شدن اقتصاد، یکی از راهکارهای مهم رفع فقر هم تلقی می‌شود. در این راستا، یک نکته بسیار مهم، پرهیز از تصمیمات غلط اقتصادی است. برخی تصمیمات غلط اقتصادی، موجب می‌شود که عملاً دولت‌ها از مسیر فقرزدایی فاصله بگیرند. اتخاذ تصمیمات بلندمدت و یک‌جانبه‌ای که منافع اقلیت جامعه را در بردارد، از جمله مهم‌ترین دلایل ایجاد فقر در یک جامعه به شمار می‌آید. در این شرایط، منافع عموم جامعه، قربانی منافع عده‌ای خاص می‌شود و ادامه این روند، به افزایش ضریب جینی و کاهش قدرت خرید مردم و درنهایت، به فقر منجر می‌شود. یادمان باشد سیاست‌های مبتنی بر توزیع پول، مشکل فقر را حل نمی‌کند. دولت‌ها باید مسیری را انتخاب کنند که منافع حداکثر جامعه را در برداشته باشد. متأسفانه در سال‌های گذشته، اتخاذ سیاست‌های غلط در حوزه اقتصاد، به فقر بیشتر در کشور دامن زده است. بخش عظیم این فقری که وجود دارد، ناشی از کارکردهای غلط اجتماعی در کشور است. این دسته از فقرا، قربانی نظام اجتماعی و سیاست‌های غلط اقتصادی هستند. متأسفانه نهادهای مناسبی وجود ندارند که به بازتوزیع عادلانه محصول اجتماعی کمک یا شغل مناسبی برای افراد، فراهم کنند؛ در حالی که این، جزء تعهدات قانون اساسی است. قانون اساسی، دولت را متعهد کرده که فرصت‌های اشتغال و منابع ایجاد آن را برای همه افراد فراهم کند.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا



تئینو | ۰۷

شفافیت، مبارزه با فساد و بازگشت به سیاست‌گذاری اصولی رفاهی، الزامات رفع فقر مطلق و تحقق عدالت رفاهی است

سیاست‌گذاری علیه فقر مطلق

حوزه مطالعات توسعه، خصوصاً در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «رشد خوب» یا «رشد بد» است. در واقع منظور از رشد خوب اقتصادی، یک رشد اقتصادی پایدار با مشارکت تعداد بیشتری از مردم در اقتصاد است. این رشد، شاخصی به نام کیفیت رشد دارد که می‌تواند در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی هم به خوبی نقش بازی کند. اما رشدهایی مانند رشد حاصل از خام‌فروشی معادن یا نفت، نمی‌تواند چنین هدفی را محقق سازد. بر اساس تئوری‌های نوین اقتصادی، سیستم و ساختار سیاسی یک کشور، نقش مهمی در کیفیت شاخص‌های اقتصادی به دست آمده، بازی می‌کند. مسئولیت‌پذیری نهادهای مختلف قانونی در نظارت بر عملکرد نظام اقتصادی، توجه به عواملی مانند حقوق مالکیت، کاهش میزان وقوع فساد در نهادهای قانونی و غیره، از مواردی است که تمایل و توان یک کشور را برای رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر، معین می‌کند. نباید فراموش کرد آسیبی که گروه‌های پایین درآمدی از کیفیت پایین عملکرد این نهادها می‌پذیرند، بیش از گروه‌های بالای درآمدی است. ارتقای سیستم مالیاتی کشور، علاوه بر افزایش درآمدهای دولتی، موجب توسعه مالی در یک نظام اقتصادی می‌شود و به موجب آن، اتکا به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، همچون نفت، کاهش پیدا می‌کند. به علاوه، بازتوزیع مناسب مالیات‌های دریافتی، در کاهش نابرابری‌ها و رفع فقر موثر خواهد بود.

مهدی پازوکی:
یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اصلاح ساختاری در اقتصاد کشور، موضوع اصلاح روش فعلی هدفمندی یارانه‌هاست

نظام تامین اجتماعی، محلی مناسب برای استفاده از منابع هدفمندی

یکی از راهکارهای مهم برای تقویت بنیه مالی نظام تامین اجتماعی، استفاده از اعتبارات هدفمندی یارانه‌ها است. به باور کارشناسان، با حذف یارانه ثروتمندان و غیرنیازمندان، می‌توان منابع مالی را در بخش خدمات اجتماعی افزایش داد. مهدی پازوکی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه، در این باره به آئینو می‌گوید: «اصلاحات اقتصادی، در حال حاضر یکی از نیازهای مهم و اساسی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی است. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اصلاح ساختاری در اقتصاد کشور هم موضوع اصلاح روش فعلی هدفمندی یارانه‌ها است.»

وی با بیان اینکه، بخش مهمی از اقشار کشور، نیازمند دریافت خدمات تأمین مناسب هستند، می‌افزاید: «روش پرداخت یارانه نقدی در حال حاضر، به مثابه دورریز بخشی از منابع مالی کشور است. باید با اصلاح این روش، بخشی از منابع حاصل از قطع یارانه غیرنیازمندان، برای تقویت نظام تأمین اجتماعی و اجرایی کردن نظام چندلایه تامین اجتماعی هزینه شود. با توجه به الگوهای جهانی، اگر این اتفاق رخ دهد، می‌توانیم شاهد یک تحول مهم در ارائه خدمات اجتماعی از طریق یک سازوکار کارشناسی باشیم.» پازوکی، با اشاره به اینکه تامین رفاه اجتماعی، یکی از وظایف دولت‌ها است، می‌گوید: «دسترسی به این هدف، منابع مالی مناسب می‌خواهد و یکی از منابع اعتباراتی مناسب در این حوزه، اصلاح روش پرداخت یارانه‌ها و استفاده از آن در بخش خدمات اجتماعی است.»

حمایت از محرومان و پرهیز از نگاه صدقه‌ای

دولت در سال ۹۶ مشخصاً از خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی حمایت کرد و پرداختی به آنها را افزایش داد. حمایت از خانوارها و افراد تحت حمایت کمیته امداد و بهزیستی، برای دولت ۴ هزار میلیارد تومان بار مالی داشت. برای مثال مقرری یک خانوار تک‌نفره به ۲۰۰ هزار تومان رسید و یا مقرری یک خانوار پنج نفره از ۳۴۰ یا ۳۵۰ هزار تومان به ۷۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد. براساس جهت‌گیری انجام‌شده در لایحه بودجه سال ۹۷، همین برنامه دولت ادامه پیدا خواهد کرد؛ منتها دامنه مشمولان آن، از مددجویان کمیته امداد و بهزیستی فراتر خواهد رفت و شامل همه افرادی خواهد بود که خط مستمری آنها کمتر از رقمی باشد که دولت تعیین می‌کند.

مسئولیت‌پذیری نهادهای مختلف قانونی در نظارت بر عملکرد نظام اقتصادی، توجه به عواملی مانند حقوق مالکیت، کاهش میزان وقوع فساد در نهادهای قانونی و غیره، از مواردی است که تمایل و توان یک کشور را برای رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر، معین می‌کند. نباید فراموش کرد آسیبی که گروه‌های پایین درآمدی از کیفیت پایین عملکرد این نهادها می‌پذیرند، بیش از گروه‌های بالای درآمدی است. ارتقای سیستم مالیاتی کشور، علاوه بر افزایش درآمدهای دولتی، موجب توسعه مالی در یک نظام اقتصادی می‌شود و به موجب آن، اتکا به درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی، همچون نفت، کاهش پیدا می‌کند. به علاوه، بازتوزیع مناسب مالیات‌های دریافتی، در کاهش نابرابری‌ها و رفع فقر موثر خواهد بود.

اسناد بالادستی چه می‌خواهند؟

در اصل ۲۹ قانون اساسی کشور، برخورداری از تامین اجتماعی، مستمری‌ها و حمایت‌های بازنشستگی، بیکاری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درآمندانگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به‌صورت بیمه و... را از جمله حقوق مردم برشمرده است. از سوی دیگر، در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هم ایران به‌عنوان کشوری برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده‌بهدوراز فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب توصیف شده است. در برنامه‌های توسعه کشور هم مدام بر مفاهیم متنوعی - از جمله کاهش فقر، رفع نابرابری و برقراری عدالت - سخن به میان آمده است. علی‌مردی، کارشناس حقوق، در این باره به آئینو می‌گوید: «از نظر حقوقی و قانونی، در تمام اسناد بالادستی، بر رفع فقر تأکید شده است و مشکل قانونی عمده‌ای در مسیر اجرای برنامه‌های این چنین وجود ندارد اما گاه شاهد اجرای ناقص این برنامه‌ها هستیم که خصوصی‌سازی انجام‌شده، مثال بارز این مسئله است. به نحوی که اهداف مهم پنهان در پس این قانون، که کاهش فاصله طبقاتی و به کارگیری بیشتر توان اجتماعی بود، محقق نشد.»

توجه به تامین اجتماعی، راهکاری مهم

کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از الزامات مهم رفع فقر به صورت پایدار در کشور، توجه به تقویت نظام تامین اجتماعی و اجرای قوانین در این حوزه است. ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران، در این باره به آئینو می‌گوید: «توجه به تامین اجتماعی و درک این واقعیت که حرکت کشور در مسیر توسعه باید با الگوهای غربی تفاوت داشته باشد و نباید تسلیم اجرای بی‌چون و چرای برنامه‌های جهانی در این عرصه شد، می‌تواند در رفع فقر در کشور تأثیر داشته باشد.» این استاد دانشگاه می‌گوید: «قبل از اجرای هر برنامه‌ای در کشور، ابتدا باید این مسئله را ریشه‌یابی کنیم که چرا این فقر در کشور به وجود آمده است؟ آیا منابع مالی کمبود داشته‌اند؟ آیا فقر فرهنگی موثر بوده است؟ آیا کشور درگیر حوادث و جنگ و اشغال از سوی قوای بیگانه بوده؟ آیا منابع کشور از سوی بیگانگان



کارشناسان اقتصادی بر این باورند که یکی از الزامات مهم رفع فقر به صورت پایدار در کشور، توجه به تقویت نظام تامین اجتماعی و اجرای قوانین در این حوزه است.

منصور اولی • روزنامه‌نگار

با وجود رشد اقتصادی بالا، شاخصه‌های فقر در کشور رو به گسترش هم بود.

مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در این باره به آئینو می‌گوید: «ثبت نرخ رشد اقتصادی بالا، الزاماً نمی‌تواند به رفع فقر منجر شود. اول باید دید که برای حصول این رشد اقتصادی، برنامه‌های اقتصادی بر اساس کدام الگوهای اقتصادی انجام شده است؟ اگر این برنامه‌ها براساس الگوی موردنظر نئولیبرال‌ها پیش رفته باشد، نمی‌توان از آن انتظار پاسخ به این هدف را داشت.» ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر، یکی از مباحثی است که در دهه‌های اخیر موردتوجه اقتصاددانان قرار گرفته است. این مسئله، زمانی بیشتر مطرح شد که تجربه برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی نشان داد که حتی با وجود رشد اقتصادی بالا، فقر در

حسن ساسانی:

رشد خوب، یک رشد اقتصادی پایدار با مشارکت بالای مردم است. این رشد کیفی، می‌تواند در کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی هم به خوبی نقش بازی کند

وجود رشد اقتصادی بالا، فقر در جوامع از میان نرفته و گاهی شدیدتر می‌شود. در این رابطه، نگاهی کلی به مطالعات تجربی نشان می‌دهد که اگر توسعه مالی در یک اقتصاد، به روش صحیح و همراه با اصلاح نظام توزیع درآمد اجرا شود، می‌تواند به کاهش فقر و شکاف طبقاتی در جامعه کمک کند. اما اگر این الزامات رعایت نشده باشد، چنین نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد. تا اینجای کار، به نظر می‌رسد که

می‌توان به دولت‌مدان بر اساس تئوری‌های اقتصادی، یک توصیه مهم کرد و آن اینکه «اگر می‌خواهند فقر را ریشه‌کن کنند، اول باید نظام توزیع درآمد را مورد بازنگری قرار دهند.» رشد اقتصادی یک کشور، موجب بزرگ‌تر شدن بخش حقیقی اقتصاد و افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) می‌شود، که به نوبه خود می‌تواند در کنار یک نظام توزیع درآمد مناسب و کارآمد، به کاهش شکاف طبقاتی بینجامد.

سلامت اداری و افزایش کیفیت رشد

در سال‌های اخیر، رشد اقتصادی مناسب بوده و تورم هم کنترل شده است. اما این واژه هم برای عموم دولت‌مدان و مردم آشنا است که مردم، این بهبود شاخص‌ها را «در سفره خود حس نمی‌کنند.» کارشناسان اقتصادی، در این حوزه مفهوم «کیفیت رشد» را مطرح می‌کنند. حسین ساسانی، کارشناس توسعه، در این باره به آئینو می‌گوید: «آنچه در

رفع فقر و کمک به بهبود افزایش درآمد سرانه ایرانیان، از جمله برنامه‌های اعلامی دولت دوازدهم است. البته نباید از یاد ببریم که این یک برنامه و ایده جدید نیست و تقریباً این شعار یا اشکالی از آن، در همه دولت‌های بعد از انقلاب، و به عنوان بخشی از گفتمان محوری انقلاب اسلامی یعنی تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی مطرح، بیان و براساس شاخص‌های اقتصادی، موفقیت‌هایی نیز در ارتباط با آن حاصل شده است. به‌عنوان مثال، همین اینکه در حال حاضر همه روستاهای بالای پنج خانوار کشور، به برق دسترسی دارند، خود نوعی تلاش موفق در حوزه گفتمان عدالت‌خواهی انقلاب و مهم‌ترین محور آن یعنی رفع فقر به حساب می‌آید؛ هر چند به هیچ وجه، این تلاش‌ها کافی نبوده‌اند و فقر مطلق کامکان در بخش‌هایی از جامعه اثرات مخرب خود را نشان می‌دهد. از نظر تئوری‌های اقتصادی، مفهوم «فقر» مانند هر شاخصه اقتصادی مدرن دیگری، در طول زمان تغییر می‌کند و قبل از قضاوت در مورد عملکرد دولت‌ها در این عرصه، اول باید پرسید که منظور آنها از فقر چه بوده است؟ براساس اصل سوم قانون اساسی، «هدف حاکمیت

باید بی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه، استوار شود.» این موضوع را با مهدی تقوی، ابراهیم رزاقی، مهدی پازوکی، علی‌مردی و حسن ساسانی در میان گذاشتیم.

رابطه رشد اقتصادی و فقر

در تئوری‌های کمی شاید قدیمی‌شده اقتصادی، تلاش برای افزایش رشد اقتصادی را مساوی با تلاش برای رفع فقر می‌پنداشتند، اما خیلی زود مشخص شد که این تئوری، کامل نیست. رگه‌هایی از دل‌بستگی به این ایده، در دوره‌هایی از اقتصاد ایران، قبیل و حتی بعد از انقلاب هم دیده می‌شود. رشد اقتصادی مستمر در دهه ۵۰ در کشور را می‌توان شاهد مثال این مسئله عنوان کرد. در آن دوران،

به نظر فقط چند برگه می‌رسد که نامش شناسنامه است. اما فرد در جامعه با آن شناخته می‌شود. بنابراین فقط چندبرگی بی‌ارزش نیست. جواز برای کسب هویت، جواز برای استفاده از حق شهروندی، تحصیل، بهداشت و درمان است. جواز که اگر نباشد، فرد به سادگی از تمام این حقوق محروم می‌شود. آن‌طور که رسانه‌ها گزارش کرده‌اند در حدود یک میلیون نفر در ایران، شناسنامه ندارند؛ که بیش از ۴۰۰ هزار نفر از این تعداد، کودک هستند. البته صحت این آمارها را نمی‌توان به‌درستی تأیید کرد و ممکن است تعداد بی‌شناسنامه‌ها در کشور بیشتر یا کمتر از این باشد. اما برحسب آمار موجود، می‌توان گفت تعداد بی‌شناسنامه‌ها در استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و جنوبی، خوزستان، لرستان، کردستان و همچنین استان قم، بیش از بقیه استان‌ها است. بنابراین، شاهد حضور پرشماتری از این افراد در استان‌ها و مناطق مرزی کشور هستیم؛ مناطقی که متأسفانه همواره از امکانات کمتری برخوردار بوده‌اند.

در چند دهه گذشته، بعضی افراد به دلایلی مانند صعب‌العبور بودن مناطق، در دسترس نبودن ثبت احوال در محل، نداشتن سواد و آگاهی کافی، زایمان در منزل و فقر مادی و فرهنگی، برای گرفتن شناسنامه به اداره‌های ثبت احوال مراجعه نکرده‌اند و در حال حاضر، نه تنها آنها، بلکه چند نسل پیش از آنان و فرزندان‌شان نیز از اسناد هویتی، بی‌بهره هستند. هم‌جوار این استان‌های مرزی با کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق و شاید نازآرامی این کشورها، افزایش آمار ورود اتباع غیرایرانی را به این استان‌ها به‌همراه داشته که امکان ازدواج با اتباع غیرایرانی و همچنین، بی‌شناسمگی را در این مناطق افزایش داده است. این مسئله وقتی حادث می‌شود که بدایم تعداد زیادی از افراد بی‌شناسنامه، حاصل ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی هستند. بدتر اینکه تا پیش از شهریور ۱۳۹۶، این مادران ایرانی نمی‌توانستند برای فرزندان خود شناسنامه بگیرند. خوشبختانه با تصویب لایحه «انتقال تابعیت از مادر به فرزند»، بیم‌و‌ناامیدی از دل بخشی از افرادی بی‌شناسنامه، رنگ باخت. انتظار می‌رود با تصویب این طرح، مشکلات فرزندان حاصل از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی، مرتفع شود؛ هرچند این لایحه تنها کیفی بخشی از افراد بی‌شناسنامه را روشن می‌کند. از منظری دیگر، به گفته نمایندگان مردم شهرستان‌های چابهار، نیکشهر، کنارک و قصرقند در مجلس شورای اسلامی «ثبت‌نشدن، کم‌بیشی و دیربیشی وقایع مرگ‌ومیر، ازدواج و ولادت در استان‌های مرزی، بر تعداد افراد بدون شناسنامه افزوده است. اما مسئله بی‌شناسمگی، فقط منحصر به غیرایرانی بودن پدر یا مادر یا هر دو نمی‌شود. تعدادی از کودکان بی‌شناسنامه، حاصل ازدواج‌های صیغه‌ای یا بدون نکاح و تن‌فروشی زنان هستند. چنین کودکانی، دیگر محدود به مناطق مرزی نمی‌شوند، بلکه برخی از حاشیه‌های شهری، مخصوصاً شهرهای بزرگ را نیز در برمی‌گیرند. تعدادی از مادران این کودکان، خود فاقد شناسنامه بوده‌اند. به دنیا آمدن کودکان در شرایط نامساعد بهداشتی، آموزشی و فرهنگی در این مناطق، باعث بازتولید این وضعیت و بدتر شدن آن می‌شود. بسیاری از کودکانی که از این وضعیت رنج می‌برند، در شهر تهران، یعنی پایتخت کشور، زندگی می‌کنند. کودکانی که از نظر قانون وجود خارجی ندارند، بنابراین از هیچ حق و حقوقی نیز برخوردار نیستند. عدم صدور شناسنامه برای این کودکان، نه تنها آنها را از حقوق اولیه خود در ایران محروم می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا این افراد، برای تأمین معاش خود، تن به کارهای غیرقانونی و مجرمانه بدهند. دامنه این کارها، از تکدی‌گری شروع می‌شود و تا حمل‌ونقل و جابه‌جایی موادمختر نیز می‌رسد. همچنین این مسئله، این کودکان را در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و سوءاستفاده‌های شغلی، جنسی و... قرار می‌دهد. امیدواریم لایحه موردنیاز برای این افراد، نونوشداری بعد از مرگ سهراب نباشد و زودتر فکری به حال این کودکان، زنان و مردان شود.

چرخه پایان‌ناپذیر فقر در خانواده‌های بدون شناسنامه

بیشترین تعداد کودکان و نوجوانان بدون شناسنامه در خانواده‌های حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ که از فقر اقتصادی رنج می‌برند زندگی می‌کنند. کودکانی که از والدینی متولد می‌شوند که کم‌ترین استطاعت مالی را برای بزرگ کردن یک کودک دارند به‌گونه‌ای که این فقر، خود را در ثبت هویت شهروندی فرزندان‌شان هم به‌رخ می‌کشد. کودکان بدون شناسنامه از بسیاری از حداقل‌های رفاه از جمله حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی و درمانی محروم می‌مانند و در آینده در همان چرخه فقری که زندگی‌شان را از آن شروع کرده‌اند باقی می‌مانند. چرخه‌ای که اگر سیاستگذاران رفاهی برای قطع کردن آن چاره‌ای نیندیشند، برای فرزندان آن‌ها هم ادامه خواهد داشت.



یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل

مخزن

فقر زدایی و توسعه ملی

گفت‌وگو با رضا امیدی درباره کودکان بدون شناسنامه و آخرین تغییرات سیاست‌گذاری‌های این پدیده

هویت‌های شفاهی!



مدنی مطرح، سپس در عرصه سیاست‌گذاری وارد شد و بعد در بخش‌های مختلف بدنه حاکمیت، برای خودش حامیانی پیدا کرد که تا امروز هم در رسانه‌ها بعضاً از قول نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر حاکمیت، تقریباً صدای واحدی به گوش می‌رسد و آن این است که باید مسئله تابعیت این کودکان حل شود. همچنین به عنوان یک گام ابتدایی، مهرماه امسال دستور داده شد که این بچه‌ها حتی اگر شناسنامه نداشته باشند - می‌توانند از طریق فرمانداری‌ها اقدام کرده و فعلاً در مدرسه، ثبت‌نام کنند و این باعث شد که بخش قابل توجهی از مشکلات، پوشش داده شوند.

■ در حال حاضر، چه نهاد یا وزارتخانه‌ای، مسئول شناسایی و ثبت اطلاعات این افراد است؟

این سوال خیلی مهمی است. تا پیش از سال ۹۳، به نوعی شناسایی این کودکان و پیگیری هویت آنها توسط وزارت کشور انجام می‌شد. شاید تعجب کنید که در یک دوره بیست‌ساله، وزارت کشور موفق شده بود فقط چیزی حدود ۶ هزار نفر از آنها را شناسایی کند. دلیل عمده نیز این بود که جمعیت هدف، از وزارت کشور می‌ترسیدند؛ آنها را با ماهیتی انتظامی می‌دیدند و نگران بودند که اگر هویت‌شان توسط وزارت کشور شناسایی شود، چه بسا از کشور اخراج شوند و یا اقدامات تنبیهی، علیه آنها صورت بگیرد. وزارت رفاه برای شناسایی این کودکان، سامانه‌ای طراحی کرد و از سازمان‌های مردنهاد خواست تا به خانواده‌هایی که چنین مسئله‌ای را دارند، اطلاع‌رسانی کنند، پیامک بزنند و مادر خانواده، کدملی خود را اعلام کند. در یک فاصله زمانی کمتر از یک‌ماهه، بیش از ۴۰ هزار نفر از این افراد، در سامانه ثبت‌نام کردند. این نشان می‌دهد که وقتی بازیگر محوری یک سیاست عوض می‌شود، پیشرفت‌هایی بسیار جدی در روند کار شکل می‌گیرد. افرادی که ثبت‌نام می‌کردند، به صورت خودخواسته، اطلاعات کامل‌شان را - شامل کدملی، وضعیت خانوادگی، محل سکونت و شغل سرپرست خانوار و... اعلام می‌کردند.

■ در حال حاضر، این قانون در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ چشم‌انداز شما نسبت به آینده این مسئله چیست؟

این لایحه در دولت، در حال نهایی شدن است. با این وجود، بخش قابل توجهی از این کودکان، توانستند در مهرماه امسال، به مدارس دولتی بروند. هنوز هم بخش‌هایی ملاحظاتی نسبت به این قضیه دارند، اما جریان‌هایی در خود مجلس و بدنه حاکمیت به وجود آمده که به‌شدت طرفدار حل این مشکل هستند و معتقدند که صحیح نیست فرزندی که از پدری ایرانی و در آمریکا متولد می‌شود، بتواند شناسنامه ایرانی داشته باشد، اما این حق، از کسی که از مادری ایرانی و در داخل کشور به دنیا می‌آید و پرورش پیدا می‌کند، سلب شده و به او اوراق هویتی داده نشود. گرچه گروه‌های مخالفی وجود دارند، اما این صدا، اکنون صدای غالب است. به نظر من، سال‌های گذشته انتلافی بین بخش‌های مختلف شکل گرفته‌ومی‌توان خوش‌بین بود که در آینده‌ای نزدیک، چنین همکاری متقابلی بین کنشگران مختلف در درون و بیرون دولت و در جامعه مدنی قوت گرفته و این مسئله حل شود.

انتظامی و امنیتی دارند- بی‌هویتی و بی‌شناسنامه بودن این جمعیت، به شیوع بی‌سوادی و فقر در بین آنها دامن می‌زند و با توجه به تعدد و پراکندگی‌شان، سبب‌ساز مشکلات جدی‌تری در آینده خواهند بود. در واقع، این توجیه‌پدید آمد که در کنار مسئله اجتماعی - حتی اگر بخواهیم از نگاه امنیتی به قضیه بنگریم- منطقی‌تر آن است که امکانی فراهم شود تا این افراد بتوانند آموزش ببینند و از خدمات اجتماعی -از جمله بهداشت- استفاده کنند. حتی با توجه به درگیری این خانواده‌ها در فقر گسترده، بهتر است از بارانه نیز برخوردار شوند.

■ آقای دکتر، بحث قانون تابعیت کودکان از مادر، چطور ایجاد شد؟

این روند ادامه پیدا کرد و به تدریج، بازیگران دیگری نیز به آن پیوستند. به عنوان مثال، برخی از نمایندگان مجلس قیل، در کمیسیون قضایی مجلس، همسویی‌هایی با این قضیه پیدا کردند و مایل به حل آن بودند. در نهایت، راهکارهای مختلفی ارائه و لایحه‌ای به مجلس فرستاده شد. یکی از ایراداتی که شورای نگهبان -فکر می‌کنم به استناد ماده ۷۵ قانون اساسی- به لایحه گرفت، این بود که آموزش این افراد و تأمین سایر خدمات اجتماعی برای این کودکان، برای دولت، بار مالی در پی خواهد داشت و دولت باید در این قضیه، تعیین تکلیف کند. یک رویکرد و پیشنهاد در مجلس قیل، این بود که دولت به جای ارائه لایحه جدید، بار مالی آن را تقبل کند. اما طبق رویکرد دیگری گفته می‌شد که یک‌بار برای همیشه، این مسئله به نتیجه برسد و به این سمت برود که کودکانی که مادر ایرانی دارند، بتوانند شناسنامه بگیرند؛ یعنی تابعیت ایرانی دریافت کنند. طبق این رویکرد، عده‌ای با توجه به برخی گزاره‌ها در قانون مدنی ایران، تفسیرشان این بود که الزاماً نباید پدر هم ایرانی باشد و می‌توان به استناد برخی بندهای قانون مدنی، به این کودکان، شناسنامه ایرانی داد و آنها می‌توانند تحت تابعیت ایران قرار بگیرند. اخیراً برخی نمایندگان مجلس، این مثال را مطرح کردند که چگونه ممکن است فردی که در آمریکا یا هر کشور دیگری از یک پدر ایرانی متولد می‌شود، می‌تواند شناسنامه ایرانی داشته باشد، اما کودکی که از مادر ایرانی در ایران متولد شده و در ایران زندگی می‌کند، حق تابعیت ندارد؛ طبیعتاً بخش مهمی از این مسئله، به نوع نگاه به جنسیت، در قوانین حقوقی ایران برمی‌گردد.

اما به تدریج، این رویکرد که باید به این کودکان تابعیت داده شود، به رویکرد غالب تبدیل شد و حدود دو سه سال است که این مسئله، در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی قرار گرفته و به نظر من، اتفاقی که افتاده به‌صورت خلاصه این است که یک مطالعه اجتماعی، ابتدا توسط نخبه‌های اجتماعی و نهاد‌های

■ منظورتان از سیاست‌گذاری و ارتباط آن با جامعه مدنی، دقیقاً چه نوع ارتباطی است؟

طبیعتاً وقتی از سیاست‌گذاری صحبت می‌کنیم، مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی را مدنظر داریم که تدوین سند یا قانون، یکی از آنهاست. در کنار آن، با فعال شدن نخبه‌های اجتماعی و همسویی وزارت رفاه به عنوان سیاستگذار این حوزه، به تدریج رسانه‌ها هم فعال شدند. خود وزارت رفاه نیز متولی انجام یک‌سری سرشماری‌ها و پژوهش‌هایی در این زمینه شد. وزارت رفاه، به دنبال آن بود که این مسئله را خوب بشناسد. در همین راستا، سازمان‌های مردنهاد فعال، در جاهایی که تجمع این گروه‌های اجتماعی بود - یعنی کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی حضور داشتند- شناسایی شدند. به عنوان مثال، سازمان‌های مردنهادی در استان‌های شمالی، استان خراسان و در تهران بودند که با گروه‌های جمعیتی دیگر در این مسئله، ارتباط داشتند و از این طریق، به نوعی شناسایی شدند. پیگیری‌ها از سوی نخبگان اجتماعی و فعالان مدنی شروع شد، سپس وزارت رفاه ورود کرد و عهده‌دار حمایت پژوهشی و حقوقی شد؛ در کنار آن، سازمان‌های مردنهاد و رسانه‌ها هم فعال شدند. در حقیقت می‌توان گفت، جامعه مدنی، فعال شده به‌عنوان جریانی که مطالبه داشت، با حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی پیوند خورد.

■ آیا همه ارکان و سازمان‌ها، با تصویب چنین قانونی موافق بودند؟

در ابتدا خیر. بعد از شروع پژوهش‌های وزارت رفاه، نتایج آنها در شورای عالی رفاه و تأمین رفاه اجتماعی کشور مطرح شد که یکی از بالاترین نهاد‌های شورای کشور است. رئیس این شورا، خود رئیس‌جمهور است و حدود ۱۰ نفر وزیران نیز عضو آن هستند و جایگاه مهمی در این زمینه دارد. در واقع، مطالبه جامعه مدنی، ابتدا وارد وزارتخانه شد و سپس به شورای عالی تأمین رفاه اجتماعی کشور رفت و در آنجا مصوب شد که وزارت رفاه، با همکاری سازمان‌های مرتبط با این حوزه، پیگیری این مسئله باشند. اما همچنان برخی نهادها که نگاهی امنیتی و انتظامی به این موضوع داشتند - مثل وزارت کشور و نهاد‌های امنیتی - که رویکرد محافظه‌کارانه‌تری نسبت به این قضیه داشتند - نمی‌پذیرفتند که این مسئله، در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، به‌خصوص در حوزه تعیین تابعیت پیش برود. اما با برآورد آمار این کودکان در آن زمان مشخص شد که حدوداً ۸۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال - که عموماً هم عضو خانواده‌های فقیر هستند و از آموزش و بهداشت و امکاناتی همچون بارانه نیز محروم‌اند - در چنین وضعیتی به سر می‌برند. بافت و زمینه مسئله، کاملاً به یک مسئله اجتماعی تبدیل شد و علاوه بر این، مطرح شد که اگر این کودکان تأمین نشوند و از آموزش و بهداشت برخوردار نباشند و اگر تحرکی در زندگی آنها اتفاق نیفتد - برخلاف تصویری که برخی بخش‌های نیروهای



حدوداً ۸۰۰ هزار کودک زیر ۱۸ سال - که عموماً فقیر هستند - شناسنامه ندارند. اگر این کودکان تأمین نشوند و از آموزش و بهداشت برخوردار نباشند و اگر تحرکی در زندگی آنها اتفاق نیفتد بی‌هویتی و بی‌شناسنامه بودن این جمعیت، به شیوع بی‌سوادی و فقر در بین آنها دامن می‌زند

آن‌ها که کسب‌وکارهای خانگی راه‌اندازی می‌کنند

مخاطبان راه‌اندازی مشاغل خانگی، سه دسته هستند: دسته اول، افرادی که از صفر تا صد فعالیت در طرح مربوطه را خودشان انجام می‌دهند، که اصطلاحاً تحت‌عنوان «افراد مستقل» شناخته می‌شوند. دسته دوم، افرادی هستند که مهارت لازم را برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار خرد دارند اما به دلیل اینکه با اصول بازاریابی آشنا نیستند یا توانایی تامین تجهیزات لازم را ندارند، نیازمند حامی و پشتیبان هستند و دسته سوم، مخاطبانی هستند که در راه‌اندازی یک کسب‌وکار خرد و خانگی، توانایی لازم را برای تحت‌پوشش قراردادن افراد دیگر دارند.

یکشنبه ● ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل

A T I V E H N O



وقتی طرح‌ها و پارچه‌ها در ایران درهم بیامیزند، حرف برای گفتن زیاد دارند؛ فقط باید شنیده شوند؛ صدای‌شان باید از در خیاط‌خانه‌ها و تولیدی‌ها فراتر برود؛ بدود در بازار، بدود در سراها و پیچ بازارچه‌ها. در این سال‌ها، طرح‌های ایرانی، بر سینه پارچه‌ها آمده، بریده و دوخته شده‌اند، اما با هزار زحمت، این تولیدات توانسته‌اند دیده شوند. بازار هزاررنگ لباس‌های ترک و چین، مانعی است برای تولید لباس ایرانی؛ از قیمت و حمایت گرفته تا کیفیت و رضایت. هیچ چیز به نفع تولیدکننده و عرضه‌کننده طرح و لباس ایرانی نیست؛ وقتی بازار، گرم نباشد، ناامیدی دامن کیفیت کارشان را می‌گیرد و عاقبت، کرکره کارگاه‌ها پایین می‌آید و صدای که باید در بازار سوت بکشد، در دل انبارها می‌چید و همان‌جا خفه می‌شود.

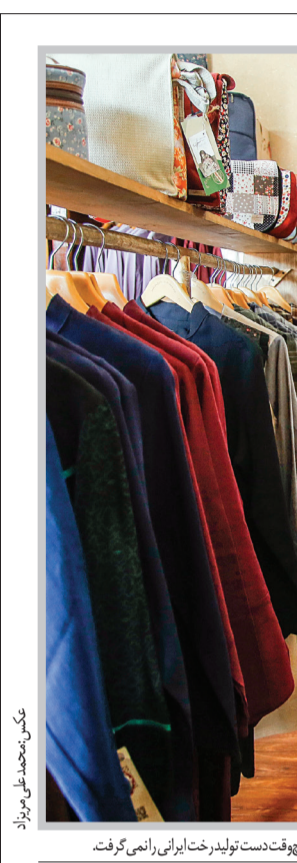
رخت و لباس ایرانی، رنگ و بوی خودش را دارد؛ رنگ و نقشش اگر درست در دل هم بنشینند، ذوق ایرانیان را برمی‌انگیزد. سیدعلی مبینی‌پور، از اهالی قم می‌گوید رمز و راز کار را پیدا کرده و مدتی است که در همان شهرش، با دوزندگان رخت ایرانی در سراسر ایران، همکاری می‌کند. او با طراحان و دوزندگان لباس ایرانی، در هرکجای ایران که باشند، مذاکره کرده و لباس‌های‌شان را در قم و دیگر شهرها عرضه می‌کند؛ شرط او اما کیفیت و خلاقیت است. او فقط لباس و طرح‌های ایرانی را عرضه می‌کند. علی، هم با دوزندگان و کارگاه‌های تولیدی کوچک کار می‌کند و هم با کارگاه‌های بزرگ.

کار علی، فقط عرضه کالای ایرانی نیست، بلکه گردش چرخ خیاطان و دوزندگانی است که مدت‌ها، از سردی بازار رخت ایرانی، دلزده و سرخورده بودند. کارشان نمی‌گشت؛ عرضه‌ای نبود که بخواهد تولیدی باشد؛ می‌خواستند کار کنند اما کاری برای انجام‌دادن نبود. علی در او چ ناامیدی، آنها را متقاعد به تولید لباس‌های‌شان کرد و به آنها نوید کار بیشتر داد. طرح‌ها و لباس‌های‌شان را از آنها خرید و به آنها قول داد که می‌شود آنها را با تبلیغ و کار بیشتر، فروخت. بدین‌ترتیب خیاط‌خانه‌ها در بوشهر، بندرعباس، بندرترکمن، در شیراز و اصفهان، کارگاه‌های کوچک کسب‌وکار او شدند. حالا کارگاه‌هایی که با نویدادن‌های علی برای تولید بیشتر، همراهی کردند، بزرگ‌تر شده و برند خودشان را دارند؛ خودشان کار را در دست گرفته‌اند و با ترغیب علی، از لباس‌های‌شان بر قامت زنان و دختران ایرانی، عکس می‌گیرند و کارشان را بازاریابی می‌کنند. یک بازار گرم دوسویه برای علی و خیاطان و طراحانی که حالا هم برای خودشان و هم برای او کار می‌کنند.



کتینو | ۰۹

می‌توانیم از صفر شروع کنیم



علی، جوانی است که هنوز مرز سی‌سالگی را نگذرانده است. فلسفه خوانده؛ خودش می‌گوید اگر فلسفه خوانده بود، شاید هیچ‌وقت دست تولید رخت ایرانی را نمی‌گرفت.

توسعه پیدا کرده است. «اولویت اصلی برای علی، طراحی و دوخت ایرانی است. شاید لباسی طرح ساده داشته باشد و المانی از نقش‌های ایرانی در آن دیده نشود، اما به قول علی، طراحی و دوختش، فریاد می‌زند که کاری اصیل است. خیلی از کارهایی که علی در مجموعه کاری‌اش برگزیده، شاید کارهایی بوده اند که تولیدکنندگان آنها، برندسازی نداشته‌اند، اما به کمک او، حالا آن تولیدی‌ها رشد کرده‌اند و برند خودشان را دارند. علی امانی‌گوید: «بعضی از طرح‌های لباس‌ها را خودمان می‌دادیم و یا اصلاح می‌کردیم؛ به کارگاه‌ها و چرخ‌کارها سفارش می‌دادیم و به تجاری‌سازی می‌رساندیم. در این مدت، خیلی از برندها هم به بزرگ‌شدن ما کمک کردند، اما چیزی که بیشتر از همه اهمیت دارد، این است که بیشتر از چهل برند تولید لباس ایرانی، درحال کار و رشد هستند.» علی فقط در حوزه پوشاک ایرانی کار نمی‌کند، او بسیاری از تولیدات ایرانی مثل زبورآلات و عروسک‌های ایرانی را هم در مجموعه کار خودش گنجانده. در مجموعه «رخت ایرانی» که علی آن را راه‌اندازی کرده، هفت نفر به‌طور مستقیم کار می‌کنند. علی به‌طور کلی با دویست برند و تولیدی درحال کار است که اگر در هرکدام، سه نفر هم مشغول به کار باشند، حداقل برای ششصد نفر کارآفرینی غیرمستقیم ایجاد شده است. چرخ تولید لباس ایرانی، حالا حالا‌ها باید بگردد و صدای چرخش چرخ‌ها و حرف‌هایش، در بازارها و کوچه‌های شهرهای ایران بیچید. علی و امثال او، باید بیایند و گوشه‌ای از کار را بگیرند تا زنان و مردان ایرانی، ایرانی بپوشند.

چرخی که باید بچرخد

علی، جوانی است که هنوز مرز سی‌سالگی را نگذرانده است. فلسفه خوانده؛ خودش می‌گوید اگر فلسفه خوانده بود، شاید هیچ‌وقت دست تولید رخت ایرانی را نمی‌گرفت؛ پربیره هم نمی‌گوید. شاید فلسفه پارچه‌ها و رنگ‌ها و نقش‌های ایرانی، او را به این کارزار سخت تولید رخت ایرانی کشانده؛ اینکه بتواند در این ورطه، دست تولیدکنندگان لباس ایرانی را بگیرد و به دوزندگان و خیاطان ایرانی بگوید که هنوز هم طرح‌های ایرانی خریدار دارند و من آنها را در دنیای مجازی می‌فروشم؛ شما فقط اجازه دهید که چرخ‌های‌تان بچرخند؛ برای من و برای خودتان؛ برای گردش چرخ تولید لباس ایرانی.

پدر علی، خیاط بوده، اما در شش‌سالگی او را از دست می‌دهد. همان‌موقع مغازه خیاطی پدرش را جمع کردند. سنش آن‌قدر نبود که چیزی از خیاطی پدرش بفهمد یا بیاموزد. زاده قم است. در همان قم، تحصیل کرد و فلسفه خواند. اما فلسفه گویا برایش نان و آب نمی‌شد. راهی تهران شد و فوق‌دیپلم صنایع شیمیایی گرفت. فکر کار و زندگی، اما او را به جای دیگری برد. در ابتدا در یک شرکت خصوصی، مدیر روابط عمومی و مسئول فروش شد و این مسئولیت، او را برای کاری که اکنون برگزیده، بیشتر پروراند.

علی برای اینکه کسب‌وکار خودش را داشته باشد، جست‌وجو می‌کرد و در بین همه راه‌هایی که پشت سر داشت و پیش رویش بود، بازار لباس ایرانی، توجه او را جلب کرد؛ بازاری که بی‌رمق بود اما برای علی، رنگ و حال و هوای خودش را داشت. جای خالی‌ای داشت که می‌توانست اولین‌بار با او و کسانی مثل او پر شود؛ کاری راه‌یافتد و کسی بشود. علی می‌گوید: «دنبال یک کار جدید بودم. مورد‌های مختلفی را بررسی کردم. به موردی رسیدم که در آن، یک‌سری از طراحان و دوزندگان، کارهایی را تولید می‌کنند که در ارائه‌اش مشکل دارند. کارها باسلیقه بودند اما برای عرضه، باید جوان‌پسند و بعضاً فانتزی می‌شدند. طوری که دختران ایرانی و نوجوانان هم بیسندند. اینکه فقط شعری بانسئلیق نوشته شده باشد، نمی‌توانست دختران را جذب بکند؛ اول باید زیبایی‌اش را می‌پسنیدند و بعد به این فکر می‌کردند که نوشته‌اش هم فارسی است. درواقع چاپ هر شعر یا نوشته فارسی، نمی‌توانست مشتری را جلب کند.»

ژانویه دید

رخت و لباس ایرانی، رنگ و بوی خودش را دارد؛ رنگ و نقشش اگر درست در دل هم بنشینند، ذوق ایرانیان را برمی‌انگیزد. سیدعلی مبینی‌پور، از اهالی قم می‌گوید رمز و راز کار را پیدا کرده و مدتی است که در همان شهرش، با دوزندگان رخت ایرانی در سراسر ایران، همکاری می‌کند. او با طراحان و دوزندگان لباس ایرانی، در هرکجای ایران که باشند، مذاکره کرده و لباس‌های‌شان را در قم و دیگر شهرها عرضه می‌کند.

طرح‌های ایرانی، لباس‌های ایرانی

علی، برای این کار، یک‌سال جست‌وجو و تحقیق کرد، اما هیچ سرمایه‌ای نداشت. پشتکار او، یکی از اقوام را ترغیب به سرمایه‌گذاری کرد. عاقبت به گفته علی، آقای کمالی‌از-اقوام سببی – گوشه کار علی را گرفت و به او اعتماد کرد. پیگیری‌های علی، باعث این اعتماد بود. آقای کمالی، بیست میلیون تومان سرمایه‌گذاری کرد و علی توانست ایده‌اش را عملی کند؛ فروشگاه‌ای از تولیدات ایرانی. او می‌گوید: «برای اینکه کار را با ریسک کمتر شروع کنیم، تنها با یک برند ایرانی در تهران وارد مذاکره شدیم. بعد از آن دیدیم که از آن برند، بزرگ‌تر و بهتر عمل می‌کنیم و بدین‌ترتیب، برند خودمان را ثبت کردیم. می‌رفتیم در شهرهای مختلف و کارگاه‌های تولیدی‌ای را که در سبک خودمان بودند، می‌دیدیم. اگر کارشان خوب بود، از آنها می‌خواستیم تا با ما کار کنند. البته در ابتدا می‌گفتند که کسی این کارها را نمی‌خرد، اما ما می‌گفتیم که ما بفروشید؛ ما از شما عمده می‌خریم. به همین ترتیب، با کارگاه‌های کوچک در شهرهای مختلف کار کردیم و حالا آنها هر کدام برای خودشان برندهای خوبی شده‌اند و کارشان

غنايي‌ها چطور از عبارت «ساخت غنا» حمايت مي‌کنند؟

وقتی تولیدی کوچک کیف، جهانی می‌شود

محصولات را برای عرضه در این فروشگاه‌ها تولید می‌کنم. همچنین خریداران به‌صورت آنلاین با محصولات من آشنا شده و در این فروشگاه‌ها آنها را دنبال می‌کنند.» خانم آکوزوا، درباره شیوه حل مسائل تدارکاتی و ارسال محصولات به سایر کشورها می‌گوید: «از آنجا که در غنا تعداد شرکت‌هایی که محصولاتی تولید می‌کنند زیاد نیست، از طراحانی که محصولی برای صادرات داشته باشند، حمایت می‌شود. بنابراین تدارکات در این زمینه، بسیار راحت است؛ چرا که دولت می‌خواهد از عبارت «ساخت غنا» حمایت کند. آنها به شکلی دقیق از من برای ارسال منظم محصولات، حمایت کرده‌اند. من کار را با گروهی چهارنفره –شامل خودم و سه نفر بافنده – آغاز کردم. اما در طول یک‌سال، تعداد ما به ۴۵ نفر بافنده و ۴ نفر کارمند تمام‌وقت رسید. در همین حال، من از همکاری یک گروه برای برندسازی در انگلستان نیز کمک می‌گیرم. در کسب‌وکار ما شبکه‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارند. ما در شبکه‌های اجتماعی –مانند پینترست، اینستاگرام

منبع: The Guardian



غافلگیری

اصل غافلگیری در برخورد‌های نظامی، موردتوجه فرمانده‌ها و استفاده از آن، نشانه ذکاوت است. هرچند برخورداری از این وضعیت، در برخی‌زمینه‌ها مفید و رضایت‌بخش است، اما در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی، نشانه‌ای خوب و امیدبخش نیست. بیان عبارت غافلگیرشدن، از زبان یک فعال اقتصادی یا کارآفرین، به معنای نداشتن برنامه و اطلاعات کافی از حوزه فعالیت، و دوراندیشی لازم برای هدایت امور است. کارآفرینان را با ویژگی خلاقیت، سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی می‌شناسیم. فعالان عرصه‌های مختلف اقتصادی، برای پیشبرد امور جاری خود، درگیر روندی مستمر از کسب اطلاعات، سنجش و ارزیابی فرآیندها، برنامه‌ریزی، اقدام به‌هنگام، دریافت و تحلیل نتایج برنامه‌ها هستند. چنین روندی به آنان کمک می‌کند تا همواره تصویر روشنی از موقعیتی که در آن قرار دارند و جایی که باید باشند، به دست آورند. به‌دست‌آوردن چنین شمای، به معنای داشتن اطلاعات کافی از موقعیت و انجام اقدامات سنجیده و به‌هنگام است. در چنین موقعیتی، کلمه غافلگیری، اساساً کاربرد و معنایی ندارد. به عبارت دیگر، افرادی که در مواجهه با موقعیت‌های مختلف، خود را در وضعیت غافلگیری می‌بینند، بر نداشتن اطلاعات لازم، بی‌بهره‌بودن از برنامه مناسب کاری و فقدان تحلیل و ارزیابی خود، تاکید می‌کنند. آنچه را که به‌عنوان پرهیز از غافلگیری ذکر شد، نه‌تنها درباره هدایت امور جاری، بلکه در زمینه برنامه‌ریزی کلان فعالیت‌ها نیز می‌توان دنبال کرد. در دنیای پرتنش و سرشار از نوسان امور اقتصادی، با رخدادهایی مواجه می‌شویم که ظاهراً برای ما و بسیاری از مخاطبان دیگر، غافلگیرکننده است، اما آیا برای فعالان هوشمند این عرصه نیز چنین است؟ شاید بتوان پذیرفت که بسیاری از مسائلی که عنوان شش‌ونده اخبار یک حوزه خاص، از برخی رخدادها شگفت‌زده و غافلگیر شویم، اما اگر به شکلی واقعی اطلاعات و موضوعات یک زمینه خاص را دنبال کنیم، بدون تردید در عموم موارد، غافلگیر نخواهیم شد. در واقع، بسیاری از افرادی که تنها به اخبار و اطلاعات جاری در یک حوزه علاقه‌مند هستند، در قبال رخدادهای آن حوزه، کمتر دچار حالت غافلگیری می‌شوند. این وضعیت، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی بیشتر به چشم می‌آید، چرا که رخدادهای این حوزه‌ها، نه بر اساس تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی افراد، بلکه بر مبنای اطلاعات درست و ارزیابی‌های نظام‌مند شکل می‌گیرد. در چنین ساختار فکری و اجرایی‌ای، کمتر موضوعی خارج از قواعد و نظامات قابل سنجش رخ می‌دهد؛ حتی اگر انتشار بیرونی آن، برای مخاطب عام به صورت یک رخداد غافلگیرکننده باشد. به عنوان نمونه، بسیاری از لوج‌وفرازهای بازارهای مالی دنیا، از مدت‌ها قبل از وقوع، پیش‌بینی شده و تحلیلگران از چگونگی آن رخدادها صحبت کرده‌اند. گرچه ممکن است برخی از این تحلیل‌ها در انبوه اطلاعات و اخباری که هر روز منتشر می‌شوند، کمتر به چشم آمده باشند، اما پس از فروکش کردن تب و تاب‌های اولیه، روشن می‌شود که افرادی از بروز آن موارد، مطلع بوده و هشدارهایی نیز صادر کرده‌اند. به عبارت دیگر، دنیای کسب‌وکار، ماهیتی غیرقابل پیش‌بینی ندارد؛ گرچه دستیابی به تحلیل قابل تکیه، احتمالاً برای برخی افراد مشکل است؛ اما کارآفرینان و فعالان هوشمند، همواره بیشترین اطلاعات و بهترین ارزیابی‌ها را در حوزه کاری خود کسب می‌کنند. به این ترتیب، صحبت از وجود عنصر غافلگیری در عموم حوزه‌های کسب‌وکار، برای فعالان واقعی آن حوزه‌هایی معناست. بر همین مبنا انتظار می‌رود که صاحبان کسب‌وکارها، با تکیه بر دانش و پشتکار همیشگی خود، شرایط عمومی و اختصاصی بازار و عرصه‌های فعالیت را همچنان رصد کرده و با ملاحظه شرایط و تکنگانها یا گشایش‌های موجود، خود را مهیای نقش‌آفرینی بیشتر کنند. انتظار نمی‌رود که کارآفرینان حقیقی و صاحبان کسب‌وکارها حتی در زمستان فعالیت‌های اقتصادی نیز غافلگیر شوند.



پیاده‌رو

منیره کیمیایی

روایت زندگی و کار علی آقا کارگر آشپزخانه

کارگران به سختی مشغول کارند

«من یک کمک‌آشپزم. هر روز ساعت ۵ از خانه بیرون می‌آیم و تقریباً ده شب به خانه برمی‌گردم. حدود ۹۵۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. آشپزخانه‌ای که در آن کار می‌کنم، به صورت پیمانکاری، طرف قرارداد شهرداری است و به کارگران غذا می‌دهد. ما باید هر روز، ۳ هزار پرس غذا را برای ظهر و شب آماده کنیم.»

اینها حرف‌های علی آقا، کارگر قدیمی یک آشپزخانه است. او درباره کارهایی که هر روز باید انجام دهد، می‌گوید: «هر روز، باید کوهی از برنج را پاک کنیم و بیزیم. مقدار زیادی هم مرغ و گوشت را برای خورشت آماده کنیم. روزهایی که چلوکیاب کوبیده داریم، اوضاع از همیشه سخت‌تر است. روزی چند کیلو مواد مختلف را پاک می‌کنیم، می‌شوریم، خرد می‌کنیم، سرخ می‌کنیم و می‌پزیم. همه این کارها را پنج‌نفره انجام می‌دهیم. به علاوه شستن دیگ‌های بزرگ و چرب.»

نه عاشورا داریم و نه عید. یک نفس، فقط کار می‌کنیم و کار. فقط بعضی مواقع که کارگران به مرخصی می‌روند، مقداری از حجم و شدت کار، کم می‌شود. ساعت ۱۱ صبحانه و ساعت ۴ ناهار می‌خوریم و شام را به خانه می‌بریم.» می‌نشیند و مدام گلایه می‌کند. از زندگی و وضعیت کاری‌اش. می‌گوید: «هر ماه، از بهداشت برای بازرسی آشپزخانه می‌آیند. دست‌ها، ناخن‌ها، لباس‌ها، موها و ظرف‌ها را کنترل می‌کنند. از وضع آب گرم و دستشویی، مرتب سوال می‌پرسند و آنجا را مورد بازرسی قرار می‌دهند. به ما سفارش می‌کنند که حداقل روزی یکبار، به حمام برویم و لباس‌های کار و خودمان را هر روز بشوییم و عوض کنیم. از صابون و سایر لوازم بهداشتی و شست‌شو و ... می‌پرسند، ولی به حقوق و ساعات کار و این چیزهایی که شما می‌گویید، کاری ندارند. چندماه قبل که همگی از این وضع خسته شده بودیم، دست از کار کشیدیم و یک وعده شام درست نکردیم. زود رفتیم فردا صاحب‌کار پیش ما آمد و گفت می‌دانید چقدر من را جریبه کرده‌اند؟ گفت اگر مشکلی دارید، با خود مطرح کنید. بعد از اینکه حرف‌های ما را شنید، نفری ۵۰ هزار تومان به حقوق‌مان اضافه کرد و قرار شده به تعداد افراد خانواده، غذا بپزیم، ماهی یک روز مرخصی با حقوق داشته باشیم و چند کارگر هم برای کمک به ما اضافه شوند. ولی این کار، دو روز بیشتر نشد. گفتند کارگر نباید برود برای پیمانکار خدمت کند؛ اگر می‌خواهید کارگر بگیرید، که پیمانکار گفت صرفه ندارد و منصرف شد. به خاطر کمبود کارگر هم مرخصی نمی‌دهد.»

علی آقا، یک پسر ۱۴ ساله در خانه دارد که مدتی است ترک تحصیل کرده و حاضر نیست به مدرسه برود. دلش خون است. معلم‌ها گفته‌اند باید پسرش را پیش مشاور ببرد، اما مشاور هم پول می‌خواهد که نمی‌تواند آن را بپردازد. می‌گوید: «چندبار خواستم بروم در رستوران کار کنم، اما اینجا هم وضعیت همین‌طور است. از ساعت ۹ صبح تا ۹ شب باید کار کنی و آخر سر هم یک میلیون تومان حقوق می‌دهند. اینجا حداقل ساعت کاری‌مان کمتر است. کار توی همه آشپزخانه‌ها سخت است. خیلی سخت و طاقت فرسا. جای تنگ و خیلی گرم. بوی چربی و پیاز و دود و روغن سوخته؛ بعضی وقت‌ها تهویه هم از کار می‌افتد. اگر یک صاحب‌کار بی‌وجدان هم داشته باشی که خلاص. باز اینجا ما فقط خودمانیم و سرپرست‌مان، کاری به کار ما ندارد. او فقط چک می‌کند که ما مشغول کار خودمان باشیم و کسی از زیر کار در نرود، بعد هم می‌رود دنبال کار خودش.» علی آقا حتی چندبار با همکاری بقیه کارگران، برای شکایت از اوضاع کاری، پیش صاحب‌کارش رفته، اما نتیجه‌ای نگرفته. می‌گوید: «کاش یکی هم به فکر ما باشد.»



صفحه آدم‌هایی برای قصه گفتن است، می‌خواهیم در این صفحه هفته‌نامه آتیه‌نو، قصه آدم‌ها را برای شما بگوییم. آدم‌هایی که همیشه پیرامون ما هستند. آدم‌های معمولی که مثل مادر کارشان موفق می‌شوند، شکست می‌خورند، می‌برند و می‌بازند. آدم‌هایی که مثل ما گریه می‌کنند، می‌خندند، شادند و گاهی غمگین؛ آنهایی که مثل ما عاشق می‌شوند و برای زندگی می‌جنگند. قصه آدم‌هایی که ما باشیم در این صفحه نگارش می‌شود. شما هم اگر کسی در اطرافتان می‌شناسید که قصه زندگی‌اش شنیدنی است به ایمیل kimia.kimia@gmail.com پیام دهید و بگویید تا قصه او را بنویسیم.

یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ شماره صد و چهل

A T I V E H N O

آدم‌ها

روایت زندگی

۱۰ | آتیه‌نو

تا حالش سر جایش بیاید. صاحب آرایشگاه، وقتی این حال سمیه‌خانم را می‌بیند، به او تذکر می‌دهد که وقتی بدحال است، از ایستادن جلوی مشتری‌ها خودداری کند، تا جو آرایشگاه و آرامش مشتری‌ها به هم نریزد.

از دو هفته بعد از زایمان، سر کار آمدم

مهتاب، یکی دیگر از زنانی است که در این آرایشگاه معروف کار می‌کند. در طول ۱۰ ساعت کاری‌اش، شاید نزدیک به ۱۰ بار با مادرش تماس می‌گیرد و حال بچه‌های کوچکش را می‌پرسد. شوهرش در یک کارگاه بلور و شیشه کار می‌کند. مهتاب می‌گوید: «من دو تا بچه کوچک دارم؛ یکی سه سالش است و دیگری، یک سال. نمی‌توانم آنها را به مهدکودک بفرستم، چون هزینه‌اش خیلی بالاست. من و شوهرم می‌خواهیم همه تلاش‌مان را انجام دهیم تا بتوانیم پول پیش‌خانه‌ای را جور کنیم و از آپارتمان کوچکی که مادرم دارد، به جای دیگری برویم.» مهتاب، در هر تماس تلفنی با بچه‌هایش، نگران غذای‌شان است و اینکه نکند در خانه باز باشد و پسر کوچکش بیرون برود یا از پله‌ها پایین بیفتد. هیچ‌وقت حواس مهتاب، سر جایش نیست و به‌خاطر همین، گاهی موقع جاروکردن یا جابه‌جایی وسایل آرایشگرها، خرابکاری راه می‌اندازد. چندباری ظرف رنگ مو را روی لباس‌های مشتری‌ها خالی کرده و تا آستانه اخراج پیش رفته، اما با التماس سعی کرده تا کارش را ادامه دهد. صاحب آرایشگاه به او گفته اگر یک‌بار دیگر از این اتفاق‌ها بیفتد، دیگر باید وسایلیش را جمع کند و برود.

مهتاب می‌گوید: «من هم وقتی مجرد بودم، دوره‌های آموزش آرایشگری را دیده‌ام. اما هیچ‌وقت نتوانستم برای خودم حتی یک آرایشگاه کوچک داشته باشم. مجبور بودم دستیار کسانی شوم که چیزی از آرایشگری نمی‌دانند. این اعصابم را خرد می‌کرد؛ تا اینکه تصمیم گرفتم تکلیفم را روشن کنم و اینجا خدمه باشم. البته ما اینجا بیمه نداریم و حتی بعضی وقت‌ها اگر اتفاقی برای مشتری بیفتد و خسارتی ببیند، باید خسارتش را بدهیم. یک‌بار می‌خواستیم دستگاه سشوار را جابه‌جا کنم که از دستم افتاد و دیگر روشن نشد. مجبور شدم یک ششوار مثل آن را بخرم، که اندازه یک ماه حقوقم بود. حالا اگر ما برای نداشتن بیمه اعتراض کنیم، می‌گویند برو یک جای دیگر کار کن.» مهتاب، از دو هفته بعد از زایمان پسرش، به آرایشگاه آمده تا کارش را از دست ندهد. چون نزدیک عید بوده و سر آرایشگرها هم شلوغ، می‌گوید: «ما اینجا نیروی خدماتی هستیم؛ نه آرایشگریم و نه کارگر. اصلاً نمی‌دانیم اگر شکایتی داشته باشیم، باید به کجا مراجعه کنیم. البته اتحادیه آرایشگران زن، برای آرایشگرها هم کار خاصی نمی‌کند. حتی پیگیر بیمه‌شان هم نیست. تنها کاری که انجام می‌دهد، این است که هر ماه، یک لیست بفرستد که آیا در این آرایشگاه، شئون‌ات اسلامی رعایت می‌شود یا نه؟ البته من مخالف این نیستم، اما اگر بحث حقوق صنفی و انسانی هم مطرح شود، خوب است.» او از اینکه چرا آرایشگری و مخصوصاً نیروهای خدماتی را بیمه نمی‌کنند و حتی جزء مشاغل سخت به حساب نمی‌آورند هم ناراحت است و می‌گوید: «چرا آرایشگری با وجود این همه سختی، در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور قرار ندارد؟ اکثر کسانی که مدتی طولانی به این کار اشتغال داشته‌اند، از دردهای مفصلی و آرتروزهای شدید گردن و پارنچ می‌برند که در اثر طولانی‌ایستادن و بد نشستن و ... به وجود می‌آید و همه اینها در صورتی است که آرایشگر، نکات اولیه بهداشتی را رعایت کند و گرنه هیچ معلوم نیست با حجم زیاد آدم‌هایی که هر روز با آنها ارتباط دارد، در معرض چه بیماری‌های دیگری قرار بگیرد.»



مهتاب، یکی از زنانی است که در یک آرایشگاه معروف کار می‌کند. در طول ۱۰ ساعت کاری‌اش، شاید نزدیک به ۱۰ بار با مادرش تماس می‌گیرد و حال بچه‌های کوچکش را می‌پرسد. عکس تزئینی است

مشکلات زنانی که نیروی خدماتی آرایشگاه‌های زنانه هستند

چرا یک نظافتچی را کسی نمی‌بیند؟!

حالا با همان دبه، خانه‌ای را در جنوب شهر، رهن کرده‌اند. سمیه‌خانم وقتی زن‌های بالاشهری را می‌بیند که می‌آیند و به اندازه حقوق چندماه، او را رنگ روی موهای‌شان می‌گذارند و بعد هم چادر یا مانتوشان را می‌پوشند و می‌روند، ناراحت نمی‌شود، اما با خودش می‌گوید: «کاشکی زندگی به ما هم وفا می‌کرد. کاشکی یک کاری می‌کردند که ما هم به حق و حقوق‌مان برسیم.» در این دوسال، پای سمیه‌خانم، بیماری واریس گرفته و او نمی‌تواند بیشتر از خدمتکار، روی پاهایش بایستد. مسکن می‌خورد تا دردش آرام بگیرد و دکتر رفتنش را هر روز به فردا می‌اندازد. وقتی همکارهایش مجبورش می‌کنند که دکتر برود، عصبانی می‌شود و روی صندلی همیشه‌گی‌اش، گوشه آرایشگاه می‌نشیند و با خودش به هزار مشکل توی خانه فکر می‌کند. بعضی وقت‌ها بوی موادشیمیایی رنگ‌ها، ریه‌هایش را اذیت می‌کند و به سرفه می‌افتد؛ سرفه‌هایی چنان سخت که نمی‌تواند حتی نفس بکشد و همه پرسنل را درگیر می‌کند و مدتی طول می‌کشد

می‌شود. اینجا هم یک آرایشگاه در شمال شهر تهران است که شستنی زیادی هم دارد. نزدیک عید، همه خوشحال هستند و دست‌شان به جیب‌شان می‌رود. سمیه‌خانم، سه تا دختر دارد، که یکی‌شان را فرستاده خانه بخت و دوتای دیگر هم در خانه هستند. هر دو دانشگاه می‌روند و بیرون هم کار می‌کنند تا خرج زندگی خودشان را تأمین کنند. اما سمیه‌خانم، دلش برای دخترهایش شور می‌زند؛ از اینکه نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظارشان است. می‌گوید: «یکی از دخترهایم، رشته حسابداری می‌خواند و دیگری، تازگی دانشگاه قبول شده. بعضی شب‌ها که دیروقت به خانه می‌آیند، خیلی نگران می‌شوم، اما نمی‌توانم کاری انجام دهم.» شوهر سمیه‌خانم، کارگر بنایی بود. دوسال سربک ساختمان که مال شهرداری تهران بود، کار می‌کرد. اما یک روز از بالای ساختمان افتاد پایین و خونریزی مغزی کرد و بعد از یک هفته بودن در کما، فوت کرد. بعد از یک سال، با رفت‌وآمدهای فراوان و دوندگی‌های طولانی، بخشی از دبه‌اش را توانستند بگیرند و

نمای نزدیک

در این دوسال، پای سمیه‌خانم، بیماری واریس گرفته و او نمی‌تواند بیشتر از خدمتکار، روی پاهایش بایستد. مسکن می‌خورد تا دردش آرام بگیرد و دکتر رفتنش را هر روز به فردا می‌اندازد. وقتی همکارهایش مجبورش می‌کنند که دکتر برود، عصبانی می‌شود و روی صندلی همیشه‌گی‌اش، گوشه آرایشگاه می‌نشیند و با خودش به هزار مشکل توی خانه فکر می‌کند. بعضی وقت‌ها بوی موادشیمیایی رنگ‌ها، ریه‌هایش را اذیت می‌کند و به سرفه می‌افتد.

روزمرگی‌های یک کارگر برشکار در خیابان جمهوری

از ماکه گذشت اما...

خوبی محسوب می‌شود. «عباس آقا، درباره کارگاهی که در آن کار می‌کنم، می‌گویید: «ما فقط پنج نفر هستیم، دوفر از بچه‌ها، بعد از ساعت کار، تازه می‌روند دستفروشی. خودم هم می‌خواهم برای فروش لباس‌های تولیدی خودمان، به فروشگاه‌ها بروم. من بیمه هستم، ولی بقیه نه. تازه الان که زمستان است و شب عید، کار ما یک مقداری خوب می‌شود. بعد از عید، کار کلامی خواهد بود و نمی‌دانم که با این مخارج، زندگی‌ام را چطور بچرخانم؟» عباس آقا، یک چشمش به یارانه است و یک چشمش، به حقوق ماهیانه. می‌گوید: «اگر یارانه بگیرم که آب و برق و گاز خانه‌مان قطع می‌شود. کاش یارانه نمی‌دادند و قیمت بقیه کالاها این قدر زیاد نمی‌شد. امسال خیلی کم‌رشد شده است.» عباس آقا، امیدی به آینده‌اش ندارد و می‌گوید: «از ما که گذشت، امیولریم بچه‌های مان، زندگی بهتری داشته باشند.»

و نمیری داشته باشند؛ شام هر شب‌شان، سبب زمینی سرخ کرده با تخم مرغ باشد و همین را بخورند تا گرسنه نمانند.

بی‌پولی وسط ماه

اما نگرانی‌های زندگی عباس آقا، از وقتی که باید هزینه دانشگاه‌پسرش را بدهد، خیلی بیشتر شده است. چون بعضی وقت‌ها وسط ماه که می‌شود، دیگر پولی برای همان یک وعده تخم‌مرغ و سبب زمینی روزانه هم ندارند و باید دست به دامن صاحب‌کارش شود تا مساعد بگذرد. می‌گوید: «من نمی‌دانم که حق و حقوق یک کارگر، چقدر است و ماهیانه باید چه مقدار دستمزد به ما بدهند. اما می‌دانم که این پولی که من هر ماه می‌گیرم، برای زندگی، خیلی کم است. البته دوسال است که بیمه شده‌ام و این کمک

خیابان جمهوری، پر از کارگاه‌های تولیدی لباس است و کارگرانی که از اولین ساعت‌های صبح، به کارگاه‌ها می‌آیند و مشغول به کار می‌شوند. عباس ۴۵ ساله، یکی از این کارگراست. سال‌هاست که برشکاری می‌کند و می‌گوید: «هیچ وقت به ما حقوق ثابت نمی‌دهند. هرچه بیشتر کار کنیم، بیشتر حقوق می‌گیریم. اما به‌طور متوسط، ماهیانه حدود ۸۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم. تقریباً هر ۴۰ یا ۴۵ روز تسویه می‌کنم. صاحب‌کار، فامیل‌مان است. بعضی از مواقع که خیلی گرفتارم، هفتگی پول مرا می‌دهد. بعضی روزها که دیر می‌روم یا کار دارم و مجبورم زود تعطیل کنم، از حقوق کم می‌کند. ما زیاد ساعت کار مشخصی نداریم. باید کل کار خود را به‌موقع تحویل بدهیم.»

به قول خودش با این پول، فقط می‌تواند همراه با همسر و دو پسرش، زندگی بخور



یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل

به تماشای یک کارگردان معترض!

فیلم تازه ابراهیم حاتمی کیا، با نام «به وقت شام»، یکی از فیلم‌های پرسروصدای جشنواره امسال است. فیلمی که به درگیری‌های منطقه‌ای می‌پردازد و نگاه خاص حاتمی کیا نیز در تمام طول فیلم و داستان به چشم می‌آید. او در نخستین روز از جشنواره، در مشهد با برخی مخاطبان که مشغول فیلمبرداری از فیلمش بودند، دعوا کرد و آنها را بی‌فرهنگ خواند. با این وجود، می‌توان فیلم را به عنوان یکی از عجیب‌ترین فیلم‌های امسال معرفی کرد و درباره‌اش گفت: اگر می‌خواهید یک فیلم در جشنواره ببینید، بهتر است «به وقت شام» باشد.

تماشاخانه

سینما، تئاتر، موسیقی و...

۱۲ | آتیه نو



از سینما

تکرار نمید

چگونه در جشنواره فیلم ببینیم؟

امروز که شما این یادداشت را می‌خوانید، چند روزی از جشنواره، گذشته است. فیلم‌هایی مثل «مصادره» به سانس‌های اکران فوق‌العاده رسیده‌اند و تعدادی از مخاطبان سینه‌چاک، عکس‌های اینستاگرام‌شان را با ستاره‌های سینما گرفته‌اند. در نمایش‌های مردمی امضا جمع کرده‌اند و روش‌های معمول و مرسوم دورزدن تیم انتظامات را تغییر داده‌اند. مخصوصاً امسال که به نظر می‌رسد با بردن اسم یکی از مسئولان سینما، راه‌شان باز می‌شود؛ به سینما وارد می‌شوند و چون بلیتی ندارند، در همان فضای سینما باقی می‌مانند و دوروبر مهمانان و دست‌اندرکاران فیلم می‌چرخند. حتی دیده شده که زودتر از کسانی که بلیت در اختیار دارند، خودشان را به سالن می‌رسانند و شبیه به عوامل فیلم‌ها رفتار می‌کنند.

گروه دومی هم هستند که صبر می‌کنند و بدون تهیه بلیت، روی زمین می‌نشینند. البته عجیب اینجاست که بسیاری از کسانی که روی زمین فیلم‌ها را تماشا می‌کنند، بلیت در اختیار دارند و با این وجود، صندلی در اختیارشان قرار نگرفته است. اما اینجا قرار نیست در این باره صحبت کنیم یا برای تان بگویم که چگونه از سد انتظامات سالن‌های جشنواره بگذرید. بلکه حرف ما این است که چطور می‌توانید برای تماشای فیلم‌ها برنامه‌ریزی کنید. در قدم اول، نیاز دارید تا دو یا سه نفر بشوید و به صورت توبتی، در صف‌های جشنواره بایستید. بهتر است پردیس‌های سینمایی را انتخاب کنید، تا به تعداد فیلم‌های بیشتری دسترسی داشته باشید. اما اگر جزء شب‌زنده‌داران هستید، وضعیت‌تان بهتر است. می‌توانید سانس‌های آخر هر شب را انتخاب کنید، در صف بایستید و مطمئن باشید که برای فیلم‌های پرطرفدار، سانس‌های فوق‌العاده در نظر می‌گیرند؛ اما نه هر سالی و نه هر سینمایی. به همین دلیل، بهتر است پردیس آزادی و پردیس کوروش را در اولویت قرار دهید که معمولاً ارتباط بهتری با نیروهای انتظامی دارند و در شب‌های جشنواره، خود را از پیش، برای سانس‌های فوق‌العاده آماده کرده‌اند. اگر هدف‌تان تماشای فیلم است و کاری به کار دست‌اندرکاران فیلم‌ها ندارید، بهترین کار این است که سالن‌هایی را انتخاب کنید که عوامل به آن سر نمی‌زنند و در نتیجه، خیری از ازدحام بیشتر نیست. این جهت، می‌تواند یکی دو کانال سینمایی را رصد کنید که معمولاً این خبرها را منتشر می‌کنند. هر آن‌چه را که آنها به عنوان خبری جذاب استفاده کردند، شما در خلاف جهت‌ش شنا کنید. به عنوان مثال، اگر گفتند پردیس جوان، میزبان اهالی فیلم است، شما به سینمای دیگر بروید. سومین راه این است که در سینماهای بزرگ‌تر و در نقاط جنوبی شهر به تماشای فیلم‌ها بنشینید. این سالن‌ها معمولاً کمتر به چشم می‌آیند و مخاطبان کمتری هم جذب می‌کنند و به همین دلیل، احتمال به‌دست آوردن بلیت‌های‌شان بیشتر است. نکته دیگر اینکه از همین روزها تماشای فیلم‌ها را آغاز کنید و به امید پنج‌شنبه و جمعه‌تانمانید.

عبدی



بزرگداشت اکبر عبدی

اتفاق خوب جشنواره امسال اختصاص بزرگداشتی به اکبر عبدی بود. بازیگری با نقش‌های استثنایی‌اش، همان نقش‌های باورنکردنی در «هنرپیشه» و «مادر»، هرچند شوخی‌های عبدی، کمی عجیب و غریب بود اما او پس از عشق و محبتی که نثار همسرش کرد و شوخی‌های متفاوتی که درباره سلبریتی‌ها انجام داد، گفت: «از شما مردم عزیز تشکر می‌کنم که حتی فیلم‌های مزخرفی را که بازی کردم، دیدید و هیچی نگفتید.»

اسماعیلی



نوبت به صد رسید

منوچهر اسماعیلی هم از کسانی بود که در مراسم بزرگداشت خود حاضر شد و گفت: «در همه فیلم‌ها به شما سلام کردم و امشب جواب دادید.» اسماعیلی، صدایش‌های است که صدایش بیشتر از چهره‌اش آشناست، اما اگر از عبدی بپرسید، برای تان می‌گوید: «اسماعیلی، فرشچیان سینما است. سینما ۵۰ درصد صدا و ۵۰ درصد تصویر است. در فیلم «مادر»، او به جای من، درست مثل خودم حرف زد. او در واقع، کاستی‌های من را با صدای مخملی خود پر کرد.»

نجفی



از کتاب خاطرات نجفی

محمدعلی نجفی، کارگردان سینما و تلویزیون هم از خاطراتش درباره سینما گفت و به روزهای پیش از انقلاب اشاره کرد: «۴۷ سال پیش، زمانی که در محافل مذهبی و خانواده‌های مذهبی، کمتر می‌شد از سینما صحبت کرد، من با دو یار: همسر و مهندس فخرالدین انوار، توانستم حرفم را در مورد سینما بزنم. مادر کنار هم و با بهره‌گیری از مشورت‌های خود، نمایشنامه «سربداران» را نوشتیم و با هم کار کردیم.» همین نمایشنامه، در سال ۶۳ تبدیل به سریالی پرطرفدار شد.

معلم



به یاد علی معلم

یک سال از درگذشت علی معلم، تهیه‌کننده و یکی از اهالی رسانه می‌گذرد. در مراسم بزرگداشت علی معلم، پسرش از غم نبود او گفت و جای خالی‌اش، که این جشنواره را سخت‌تر از جشنواره‌های قبل می‌کند: «خوشحالم که اهالی سینما همچنان پشت هم ایستاده‌اند.» اما همین جملات و البته کلیپ پخش شده، باعث شد وقتی منوچهر اسماعیلی روی صحنه آمد، صحبت‌هایش را کوتاه کند و بگوید: «حال خوشی ندارم و بعد از دیدن این صحنه‌ها، قبول کنید که توان ایستادن ندارم.»

فیلم‌هایی برای تماشا

چند پیشنهاد برای فیلم‌بینی در جشنواره فیلم فجر



امسال است که میلاد کی‌مرام، نقش اصلی فیلمش را بازی می‌کند و در خلاصه داستان آمده است: «همه خودشون رو می‌کشن، فقط راه‌هاشون با هم فرق می‌کنه.» به جز این دو جمله، اطلاعات بیشتری از «امیر» در دسترس نیست و نمایش آن در جشنواره، هنوز آغاز نشده است. **بمب، عاشقانه‌ای از پیمان معادی:** یک داستان متفاوت از معادی که برخلاف «برف روی کاج‌ها»، به سراغ تهران سال ۶۶ و موشک‌باران‌ها رفته است. معادی و لیلا حاتمی، بازیگران اصلی فیلم هستند و آهنگساز اثر نیز آهنگساز مشهور یونانی، «التی کاریندرو» است که چند روز پیش از جشنواره، نامه‌ای در ستایش فیلم نوشت که در رسانه‌های ایران نیز منتشر شد. **به وقت شام، ساخته ابراهیم حاتمی کیا:** به بالای صفحه مراجعه کنید!

تنگه‌ی ابوقریب، ساخته بهرام توکلی: جذابیت اصلی

آیدا آزاد

خبرنگار

اسم‌های همیشگی و نام‌آشنای جشنواره در این دوره از رقابت حضور ندارند. اسمی از داریوش مهرجویی، بهمن فرمان‌آرا، رخشان بنی‌اعتماد و دیگرانی که همیشه به شنیدن نام‌های‌شان عادت داریم، در میان نیست و جشنواره، تبدیل به حوزه قدرت‌نمایی کارگردان‌هایی شده که به نسل دوم و سوم سینماگران تعلق دارند. حتی اثری از فیلم‌اولی‌ها هم نیست و فقط سه فیلم با مهر فیلم اول در جشنواره حاضرند، که یکی از آنها انیمیشن است. به این ترتیب، به سادگی می‌توان از جشنواره‌ای متوسط صحبت کرد که برنامه خاصی برای هیجان‌زده کردن مخاطبانش ندارد و همین اندازه که بتواند آبرومند برگزار شود، دست‌اندرکارانش راضی هستند. از انتخاب فیلم‌ها تا انتخاب سالن‌ها، از انتخاب سانس‌ها تا همراهی مسئولان، همگی بر طبق همین اصل آبرومندی چیده شده‌اند و طبیعی است وقتی که هدف یک جشنواره، آبرومند برگزار شدن باشد، داغ کردن تنور آن، کار سختی خواهد بود. با این وجود، چنین جشنواره‌ای باعث می‌شود تا فیلم‌ها به شکلی برابر دیده شوند و فرصت دیگران، از دست نرود. در اینجا چند فیلم را برای دیدن معرفی کرده‌ایم. **اتاق تاریک، ساخته روح‌الله حجازی:** این فیلم، بازگشت حجازی به داستان‌های زن و شوهری است. کارگردان «زندگی خصوص آقا و خانم میم» و «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو»، حالا سومین فیلمش را در باره یک زن و شوهر ساخته است. زوجی که فصل تازه‌ای از زندگی‌شان را آغاز کرده‌اند و ساره بیات و ساعد سهیلی، بازیگران آن هستند. **امپراتور جهنم، ساخته پرویز شیخ‌طادی:** فیلم از سوی هیئت انتخاب جشنواره در سال گذشته رد شد و امسال در جشنواره حاضر است. داستان فیلم، درباره تقد عمل حکام آل سعود است و این که گروه داعش و دیگر گروه‌های تندرو و رادیکال اسلامی در اروپا و آمریکا پا گرفته‌اند. نقش اول این فیلم را علی نصیریان بازی می‌کند. **امیر، ساخته نیما اقلیما:** اقلیما، یکی از فیلم‌اولی‌های

چهارراه استانبول، ساخته مصطفی کیایی: این فیلم، نخستین فیلمی است که درباره حادثه پلاسکو ساخته شده. فیلم، درباره واحد تولیدی ورکشته‌ای در پلاسکو است که صاحبان آن از دست طلبکاران فراری‌اند و روز حادثه را برای فرار انتخاب می‌کنند. بهرام رادان، مصطفی کیایی و سحر دولتشاهی، بازیگران این فیلم هستند. **دارکوب، ساخته بهروز شعبانی:** این فیلم، سومین فیلم شعبانی است که مهناز افشار، سارا بهرامی، جمشید هاشمپور، هادی حجازی‌فر، طوفان مهردادیان، نگار عابدی و امین حیایی، بازیگران آن هستند. **سرور زیر آب، ساخته محمدعلی باشه‌آهنگر:** فیلمسازی که از جنگ می‌گوید و در فیلم‌های گذشته‌اش هم تجربه‌های موقفی را پشت سر گذاشته، این بار از یک راز صحبت می‌کند. بابک حمیدیان، مسعود رایگان، رضا بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیریپور، هومن برق‌نورد و ستاره اسکندری، بازیگران پر تعداد این فیلم هستند.

سوء تفاهم، ساخته احمد رضا معتمدی: فیلم، داستان عجیبی دارد: یک گروه از دانشجویان سینما تصمیم می‌گیرند برای پولدار شدن، دختری که سرمایه‌دار را به گروگان بگیرند. هانیبه توسلی، کامبیز دیرباز، پژمان جمشیدی و مریلا زارعی، بازیگران این فیلم هستند و تنها فیلم امسال اکبر عبدی است.

شعله‌ور، ساخته حمید نعمت‌الله: پارسل به جشنواره نرسید و در اولین نمایش‌های امسالش هم نتوانسته رضایت منتقدان را جلب کند. امین حیایی، تک‌شخصیت فیلم است و در خلاصه داستان آن، روی واژه حسادت تاکید شده است. به همین دلیل می‌توان این فیلم را یکی دیگر از داستان‌های نعمت‌الله، درباره رد ذایل اخلاقی به حساب آورد.

عرق سرد، ساخته سهیل بیرقی: با فیلم «من» خوش درخشید و این بار هم سوز‌های پرحاشیه را انتخاب کرده است. داستان زنان فوتبالیستی که یکی از آنها اجازه خروج از کشور را ندارد. باران کوثری، امیر جدیدی و سحر دولتشاهی، بازیگران اصلی فیلم هستند.

مرکز آموزش گروه هتل‌های هما

دوره آموزشی پیتزا: ۱۵ بهمن ۱۳۹۶

مدرس: جناب آقای یاشار فتح الهی

دوره مسافر تاسد کافه شاپ: ۱۹ لغایت ۱۹ بهمن ۱۳۹۶

مدرس: آقای رضا خدابخش

دوره مستر شکلات: ۲۶ بهمن ۱۳۹۶

مدرسین: سرکار خانم دلپخش و جناب آقای خدابخش

تخفیف ویژه دوره‌های آموزشی برای کارکنان سازمان تامین اجتماعی

شماره‌های تماس: ۸۸۷۷۱۴۱۸ ۸۸۲۶۰۰۱۳ ۸۸۸۸۳۱۳۰ ۸۸۷۷۵۲۷۶ (۰۲۱)

www.homahotels.com

ساز بزیند، باهوش می شوید

برای زنده‌نگه‌داشتن سلول‌های خاکستری مغز و فعال تزکردن‌شان، راه‌های متفاوتی وجود دارد. به گفته متخصصان، علاوه بر یادگرفتن زبان دوم، بهره‌بردن از نعمت خالی کردن ذهن در سکوت، ورزش کردن و تغذیه سالم، با متوسل شدن به موسیقی هم می‌توانید توانایی‌های مغزتان را بیشتر کنید. به باور محققان، گوش دادن به موسیقی یا نواختن یک آلت موسیقی، شما را باهوش‌تر می‌کند و احتمال ابتلای زودرس‌تان به زوال عقل را هم کاهش می‌دهد.

یکشنبه ● ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل

A T I V E H N O

رومبه‌راه

فرهنگ‌سالم‌زیستن

چرا نیاز دارید هر روز حداقل ده دقیقه چشمان‌تان را ببندید؟

کاری کنید فرسوده نشوید



● **لی‌لی اسلامی** ●

● **روزنامه‌نگار** ●

زندگی پشت این میز تمام می‌شود. همین میزی که هر روز خسته‌تر از قبل، ساعت‌های زیادی را پشتش می‌گذرانید. کاری که قرار بود امیدتان به آینده روشن را بیشتر کند، امروز اصلی‌ترین دلیل ناامیدی شماست. چرا؟ حالا که وضعیت اقتصادی‌تان به ثبات نسبی رسیده و کارهای‌تان هم مطابق برنامه و روی روال پیش می‌روند، چرا این قدر احساس فرسودگی و افسردگی می‌کنید؟ چرا به آینده بدبین شده‌اید و نمی‌توانید با اشتیاق، از پله‌های ترقی بالا بروید؟ محققان می‌گویند تاثیر حالی که امروز دارید، به همین لحظه و همین اتاق محدود نمی‌شود. از نظر آنها فرسودگی شغلی، سلامت جسم و روان شما را تحت‌تاثیر قرار داده و تاثیری پایدار روی وضعیت فیزیکی و روانشناختی‌تان می‌گذارد.

درک اینکه شما گرفتار یک خمودگی موقت و تقریباً بی‌ضرر شده‌اید، یا اینکه فرسودگی شغلی، مثل خوره به جان‌تان افتاده، دشوار نیست. نشانه‌های جسمی و روانی‌ای که در ادامه معرفی می‌کنیم، می‌تواند به شما در شناخت بهتر وضعیت‌تان کمک کنند.

● دردمی کشید؟

درد جسمی مزمن و به‌ظاهر بی‌دلیلی که آرام نمی‌گیرد، ممکن است به‌خاطر تاثیر فرسودگی روانی شما بر جسم‌تان، ایجاد شده باشد. سردرد، معده‌درد یا حتی کوفتگی و درد عضلانی – که حتی با استراحت هم التیام پیدا نمی‌کند– ممکن است به دلیل فرسودگی شغلی، شما را گرفتار خود کرده باشد.

● خشمگین هستید؟

زمین و زمان، اعصاب شما را به هم می‌ریزند؛ برای عصبانی شدن، به اتفاق خاص و دلیل عجیب و غریبی نیاز ندارید؛ سرما یا گرمای هوا، روشنی یا تاریکی یا حتی نگاه یک عابر در خیابان، می‌تواند اعصاب شما را خراب کند؟ خشمی که در وجود شما انبار شده است، ممکن است یکی از عواقب دچارشدن‌تان به فرسودگی شغلی باشد.

● چیزی برای‌تان مهم نیست؟

ازدست‌اندن انگیزه و علاقه، بی‌تفاوتی و خلق پایین، به دلیل دچارشدن‌تان به فرسودگی شغلی، روان شما را تحت‌تاثیر قرار

فکر می‌کنید

آنفلوآنزا اگر فته‌اید؟

● چه کسانی در خطرند؟

چه آنفلوآنزا داشته باشید و چه شبه‌آنفلوآنزا، در صورتی که با کودکان زیر دو سال، سالمندان بالای ۶۵ سال، خانم‌های باردار و مبتلایان به بیماری‌های خاص زندگی می‌کنید، باید بیشتر برای درمان خود و البته دورماندن از دیگران تلاش کنید.

● چه باید کرد؟

بهترین راه پیشگیری از ابتلا به این بیماری، این است که اواخر شهریورماه تا اواخر مهرماه، واکسن آنفلوآنزا را تزریق کنید، اما اگر با وجود کمک‌گرفتن از واکسن یا در صورت واکسینه‌نشدن، به این بیماری مبتلا شدید، تا آنجا که می‌توانید از افراد آسیب‌پذیر دوری کنید.

فراموش نکنید که عفونت‌های تنفسی، واگیردار هستند و خیلی زود می‌توانند شمار قربانیان خود را بیشتر کنند. شست‌وشوی مکرر بینی و حلق، با سرم‌های شست‌وشو، شستن مکرر دست‌ها، روشن گذاشتن دستگاه بخور در خانه، مصرف زنجبیل و آویشن و افزایش مصرف زینک و ویتامین سی، می‌تواند به بهبود سریع‌تر حال شما در صورت بیمارشدن کمک کند.

آخر هفته‌های‌تان، در خانه با خواب می‌گذرد یا در کنار دوستان‌تان؟ وقتی بعد از تاریک‌شدن هوا، از اداره بیرون می‌زنید، میل خانه، تنها مقصد شماست؟ یا اینکه برای وقت‌گذراندن با عزیزان‌تان برنامه می‌چینید؟ محققان می‌گویند زمانی که برای بودن در کنار آدم‌های عزیز زندگی‌تان خرج می‌کنید، می‌تواند احتمال افسرده و فرسوده‌شدن‌تان را کاهش دهد.

آخر هفته‌های‌تان، در خانه با خواب می‌گذرد یا در کنار دوستان‌تان؟ وقتی بعد از تاریک‌شدن هوا، از اداره بیرون می‌زنید، میل خانه، تنها مقصد شماست؟ یا اینکه برای وقت‌گذراندن با عزیزان‌تان برنامه می‌چینید؟ محققان می‌گویند زمانی که برای بودن در کنار آدم‌های عزیز زندگی‌تان خرج می‌کنید، می‌تواند احتمال افسرده و فرسوده‌شدن‌تان را کاهش دهد.

● روز دهم ماه، چقدر از حقوق‌تان در حساب باقی می‌ماند؟

حقوق ماهانه شما، تنها صرف هزینه‌های ضروری زندگی می‌شود و نیمه‌ماه، چیزی از آن در حساب‌تان باقی نمی‌ماند؟ به ندرت جایی برای خرج کردن در حوزه علائق و سرگرمی‌های‌تان باقی می‌ماند؟ وقتی شما سی روز، تنها و تنها برای ضروریات زندگی‌تان کار می‌کنید، طبیعی است که به‌مرور انگیزه‌تان برای فعالیت‌پایین می‌آید.

● ساعات کارتان چقدر است؟

ساعات کار طولانی، شیفت‌های کار چرخشی و اضافه‌کاری‌های اجباری، در کنار آوارشدن کوهی از مسئولیت بر سر کارمندان، می‌تواند به افسرده و فرسوده‌شدن آنها منجر شود. اگر رئیسی پرتوقع دارید که از



کتینو | ۱۳

شما انتظار انجام‌دادن کار چند نفر را دارید، طبیعی است که هر روز فرسوده‌تر شوید.

● فاصله محل کار تا خانه‌تان چقدر است؟

زمان زیادی که برای رسیدن به محل کارتان صرف می‌کنید، عامل دیگری برای فرسوده‌شدن‌تان است. اگر در یکی از شهرهای اطراف شهر محل سکونت‌تان کار می‌کنید یا اینکه مسیری طولانی و پرترافیک پیش روی‌تان است، بعید نیست که هر روز خسته‌تر از قبل شوید.

● چقدر تحرک دارید؟

کم‌تحرکی، آفت سلامت جسم و روان شماست. اگر هر روز حداقل ۳۰ دقیقه ورزش کنید، (حتی در صورتی که این‌زمان، متوالی نباشد) حس‌تان به زندگی، بهتر از قبل می‌شود. به گفته محققان، کارمندانی که وقت یا میلی به ورزش کردن ندارند، زودتر فرسوده می‌شوند.

● چقدر در سکوت، به دنبال آرامش می‌گردید؟

اگر هر روز حداقل ۱۰ دقیقه در سکوت و آرامش، چشم‌های‌تان را روی هم بگذارید و شب‌ها حدود ۷ ساعت متوالی بخوابید، کمتر دچار فرسودگی می‌شوید. وقتی خستگی‌تان روی هم انبار می‌شود، روان شما هم درست مانند جسم‌تان، فرسوده خواهد شد و اضطراب و افسردگی، پیش را به زندگی‌تان باز می‌کند.

● خورد و خوراک‌تان چطور است؟

فرسودگی‌ای که گرفتارش شده‌اید، همیشه به‌خاطر شغل شما ایجاد نمی‌شود. گاهی کمبودویتامین‌هایی چون گروه B و D، محرومیت از امگا۳ و کمبود روی و آهن، توان روان‌تان را کاهش می‌دهد و شغلی که در واقعیت فرسوده‌کننده نیست، به دلیل آشفتگی و سرخوردگی‌تان تبدیل می‌شود.

● تا به حال با یک روانشناس ملاقات کرده‌اید؟

فرقی نمی‌کند که ژن ابتلا به مشکلات روان‌شناختی و روانپزشکی را داشته‌اید یا نه؛ درست همان‌طور که هر سال یک آزمایش خون می‌دهید و در دوره‌های منظم، متخصصان مختلف را ملاقات می‌کنید، باید هر از گاهی هم به دفتر یک روانپزشک سر بزیند و وضعیت روانی‌تان را بررسی کنید. گاهی حال شما ناخوش‌تر از آن است که بتوانید وضعیت روان‌تان را به‌درستی ارزیابی کرده و برای بهبود حال‌تان، کاری بکنید.

چطور می‌توانید خونریزی بعد از بریدن پوست را بند بیاورید؟

روش بند آوردن خونریزی

اگر بریدگی آتقدر عمیق نباشد که کارتان به اورژانس و بخیه بکشد، یا اینکه شواهد، از احتمال عفونت‌کردن ناحیه آسیب‌دیده خبر ندهند، می‌توانید با همان ابزارهایی که در آبدارخانه کوچک محل کارتان پیدا می‌شود، خطر را دور کنید.

● خونریزی را بند بیاورید

چه شدت جراحات‌تان بالا باشد و چه نه، باید در اولین فرصت، خونریزی را بند بیاورید. پس وقت را تلف نکنید و با محکم فشاردادن ناحیه بریده‌شده، خونریزی را متوقف کنید.

● زخم را پاک کنید

به محض تمام‌یا‌کم‌شدن خونریزی، زخم‌تان را تمیز کنید. یادتان نرود که حتی زخم‌های کوچک، ممکن است عفونی شوند و شما را به دردسر بیندازند. پس با این راه‌ها، احتمال عفونت‌کردن جای زخم را کمتر کنید:

-با یک موجین استریل (با الکل یا حرارت موجین را پاک کنید) تکه‌های بزرگ خاک یا شی‌ای را که باعث بریدگی شده، به آرامی از ناحیه زخمی خارج کنید. سعی کنید سر موجین، به بافت آسیب‌دیده‌تان برخورد نکند تا خونریزی و سوزش آن ناحیه بیشتر نشود.



● **خودشناسی** ●

● **نادر جدیدی** ●

|||||

تفاوت سرمازدگی با یخ کردن را می‌دانید؟

انگشتان، گوش‌ها و بینی شما، در هوای سرد بیشتر آسیب می‌بینند؛ چراکه این اعضا، از عضلات قدرتمندی که با فعالیت‌شان آنها را گرم نگه دارند، محروم‌اند. گذشته از این، ارگان‌های داخلی بدن شما، دیرتر از ارگان‌های بیرونی به‌خاطر سرما آسیب می‌بینند و خونی که در بدن‌تان جریان دارد، می‌تواند آنها را در برابر آسیب‌های احتمالی محافظت کند. عامل سومی که پاها و دست‌های شما را در یخبندان آسیب‌پذیرتر می‌کند، سطح وسیع این اندام‌هاست که باعث می‌شود بیشتر با هوای سرد در تماس باشند.

■ وقتی از یخبندان حرف می‌زنیم...

اگر برای چند ساعت در معرض سرمای صفر تا ۱۶ درجه زیرصفر قرار داشته باشید، احتمالاً پوست‌تان قرمز شده و تورم، سوزن‌سوزن شدن و درد پوست، آزارتان می‌دهد. خارش، درد، تورم و بی‌حسی می‌تواند با قرارداشتن یک اندام در آب سرد اتفاق بیفتد و در صورت سرمای شدید، رنگ اندام آسیب‌دیده، به بنفش مایل شود. معمولاً در صورت چندساعت قرارداشتن در رطوبت صفر تا ۱۰ درجه، احتمال این آسیب افزایش پیدا می‌کند.

■ سرمازدگی را می‌شناسید؟

وقتی گوش، بینی، گونه‌ها یا انگشتان شما در معرض سرما قرار می‌گیرند، پوست آنها سفید شده و ممکن است دچار بی‌حسی شوند. گرچه پوست سرمازده شما تغییر رنگ داده، اما هنوز بافت آن طبیعی بوده و با گرم نگه‌داشتنش، می‌توانید از آسیب‌دیدن آن جلوگیری کنید. پوشاندن ناحیه با لباس گرم یا بالاپردن دمای محیط در این شرایط، می‌تواند احتمال آسیب‌دیدن را به شکل قابل‌توجهی کاهش دهد. درست است که با گرم‌کردن پوست سرمازده، می‌توانید آرام‌آرام وضعیت آن را به حالت طبیعی برگردانید، اما هرگز با کمک کیسه آب گرم یا ماساژدادن پوست‌تان، برای بهبود وضعیتش تلاش نکنید؛ چراکه در این شرایط، احتمال آسیب‌دیدن بافت پوست‌تان بالا می‌رود. سرمازدگی شدید، زمانی اتفاق می‌افتد که بافت بدن شما در دمای انجماد، یعنی صفردرجه سانتیگراد قرار بگیرد. در این شرایط، جریان خون در آن بافت مختل می‌شود و حتی ممکن است عروق خونی آن قسمت از بدن، آسیبی جدی ببینند. التهاب و درد پوست، از نشانه‌های باز دچارشدن به این وضعیت است، اما در مواردی که آسیب‌دیدگی شدید باشد، بعید نیست که هیچ‌گونه‌دردی‌رادر ناحیه‌منجمدشده احساس نکنید. سوزش و خارش، احساسات دیگری هستند که در این شرایط، در بافت آسیب‌دیده ایجاد می‌شوند و نباید از یاد برد که پوست سرمازده، بسیار حساس و آسیب‌پذیر بوده و احتمال دچارشدنش به عفونت هم کم نیست.

■ اگر هم‌کاران دچار سرمازدگی شد

-علائمی را که روی پوست و بافت‌های خارجی بدن بروز کرده، مشاهده کنید و در صورت وخیم و غیرطبیعی ارزیابی کردن شرایط، حتماً به اورژانس مراجعه کنید.
کمک‌های اولیه برای یخ‌زدگی، و همچنین غوطه‌وری با ترینج‌پا، شامل موارد زیر است:
-آورا با حرکت شدیدی تکان ندهید و مراقب وضعیت تنفسش باشید.
-اگر می‌توانید، به آرامی و بدون حرکات سریع، او را به فضای گرم‌تر منتقل کنید.
-به‌آرامی زیورآلات را از او جدا کنید و اگر لباس‌هایش مرطوب است، آنها را از تنش بیرون بیاورید.

-با اضافه‌کردن لباس‌های خشک و رواندازهای گرم، سعی کنید حرارت‌بدن او را افزایش دهید.
-سعی کنید به او مایعات گرم بخورانید.

-هرگز برای تسریع جریان خون در بدنش، او را ماساژ ندهید.

-با پایین‌تر آمدن دمای بدن از ۳۳ درجه، احساس ضعف، خواب‌آلودگی و گیجی بر فرد غلبه می‌کند. مراقب بروز این نشانه‌های تهدیدکننده‌باشید.

-فردی را که دچار سرمازدگی شده، با سرعت زیاد گرم نکنید. استفاده از آب داغ و تلاش برای بالابردن ناگهانی دمای بدنش، ممکن است به سلامت او آسیبی جدی بزند.

حقوق و مزایای بازنشستگی روسای جمهور در دنیا

فهرستی که به‌طور سالیانه از حقوق روسای جمهور جهان منتشر می‌شود، حاکی از تفاوت بسیار زیاد بین حقوق دریافتی آنهاست. به نحوی که رئیس‌جمهور آمریکا بیش از ۴۰۰ هزار دلار حقوق دریافت می‌کند، در حالی که همتایان چینی و هندی‌اش، کمتر از ۳۰ هزار دلار، به‌عنوان حقوق دریافت می‌کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، سالانه ۱۵۵ هزار دلار دریافت می‌کند. حقوق پوتین، روندی افزایشی داشته است. او در سال ۲۰۱۶، حدود ۱۳۶ هزار دلار به‌عنوان حقوق دریافت کرد. حقوق دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا سالانه ۴۰۰ هزار دلار است. با این حال، ترامپ گفته او از این حقوق، فقط یک دلار برداشت خواهد کرد. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز سالانه ۱۷۹ هزار یورو حقوق می‌گیرد. ۲۶۰ هزار دلار - یعنی دوبرابر حقوق یک نماینده پارلمان - حقوق می‌گیرد. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، ۲۱۶ هزار یورو، معادل ۲۳۵ هزار دلار و ترامپ، نخست‌وزیر بریتانیا نیز ۱۸۶ هزار دلار حقوق دریافت می‌کنند. این در حالی است که شی جین پنگ، رئیس‌جمهور چین، تنها ۲۰ هزار دلار در سال حقوق دریافت می‌کند که در بین رهبران جهان، کمترین میزان حقوق است. شی‌زو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، سالانه حدود ۲۴۱ هزار دلار دریافت می‌کند و حقوق دریافتی نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند در سال، ۲۸ هزار دلار است. مون جان ان، رئیس‌جمهور کره جنوبی نیز سالانه ۲۱۰ هزار دلار حقوق می‌گیرد. روسای جمهور، پس از بازنشستگی نیز مانند دیگر کارمندان دولت، از حقوق و مزایای بازنشستگی برخوردار می‌شوند. برای مثال، باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، مبلغی حدود ۲۱۰ هزار دلار دریافت می‌کند که نصف حقوق دریافتی او در دوران ریاست‌جمهوری است. همچنین او به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح سابق آمریکا، به‌طور مادام‌العمر، از خدماتی برخوردار بوده و مبالغی برای سفر، تماس، بیمه خدمات‌رسانی و دفتر کار دریافت می‌کند. با این وجود، کنگره جمهوری خواه آمریکا، پیش‌نویس قانونی ارائه داد که بر اساس آن، سقف پرداخت بازنشستگی و دیگر هزینه‌ها برای هر رئیس‌جمهور، سالانه ۲۰۰ هزار دلار است. به این ترتیب، افزایش هزینه‌های معیشتی بازنشستگان، مرتبط با همان شیوه افزایش بهره‌بیمه تامین اجتماعی خواهد بود. در همین حال، اعضای مجلس نمایندگان آمریکا، طرحی را برای کاهش دادن میزان مزایا و حقوق بازنشستگی روسای جمهور سابق این کشور مصوب کردند. جودی هایس، عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت جورجیا، طرح مذکور را به این مجلس پیشنهاد کرد و این طرح، با موافقت قانونگذاران مواجه شد. به گزارش آسوشیتدپرس، اعضای مجلس نمایندگان آمریکا با این استدلال که روسای جمهور سابق با توجه به درآمد‌های هنگفت ناشی از فروش کتاب و انجام سخنرانی‌ها، دیگر نیازی به پول مالیات‌دهندگان آمریکایی ندارند، با کاهش میزان حقوق بازنشستگی و مزایا موافقت کردند. حامیان این طرح می‌گویند، سبک زندگی روسای جمهور سابق آمریکا نشان می‌دهد که امکان آنکه مالیات‌دهندگان آمریکایی به آنها پول کمتری بدهند، وجود دارد. بنا بر طرح مصوب مجلس نمایندگان آمریکا، میزان حقوق بازنشستگی روسای جمهور سابق آمریکا به ۲۰۰ هزار دلار کاهش پیدا می‌کند، در حالی که اکنون این مبلغ، ۲۵۰ هزار و ۷۰۰ دلار است. همچنین قرار شده که مبلغ تخصیص داده شده به‌دفعات روسای جمهور، به ۵۰۰ هزار دلار کاهش پیدا کند. البته این مقدار در سال‌های آینده هم کاهش خواهد داشت و در نهایت، به ۲۵۰ هزار دلار خواهد رسید. هایس، عضو مجلس نمایندگان آمریکا، در تأیید اظهاراتش، مثالی از دو رئیس‌جمهور سابق آمریکا مطرح کرد. به گفته او، بیل کلینتون، از زمان کناره‌رفتن از منصب، با انجام سخنرانی‌های مختلف، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار کسب کرد و جورج بوش هم برای انتشار یک کتاب، قراردادی ۱۰ میلیون دلاری بست.



تجربه دیگر کشورها

A T I V E H N O

تهدیدی برای آلمان نیست، بلکه شانس است که این کشور، باید از آن استفاده کند. او می‌گوید، از آنجا که همه جوامع، در آینده با موضوع پیرشدن جمعیت خود روبه‌رو خواهند شد، آلمان می‌تواند با تجربه‌ای که جمع می‌کند، کاری سازنده انجام دهد و شانس صادرات خود را نیز بالا ببرد. استدلال اشنایدر، متکی بر نتایج آماری جمعیت‌شناختی در اروپا، آسیا و آمریکا است. طبق آمار، در حال حاضر، تنها ۶ تا ۳ درصد افراد بین ۶۵ تا ۷۹ سال، نیاز به مراقبت ویژه مددکاران دارند و حتی ۶۰ درصد افراد بالای ۱۰۰ سال، نه در خانه‌های سالمندان یا بیمارستان‌ها، بلکه در خانه‌های خود به سر می‌برند.

سالمندان فعال

سیاستمداران آلمان، «مراقبت از سلامتی اعضای جامعه» را مهم‌ترین اصل می‌دانند. وزیر بهداشت آلمان می‌گوید به همین دلیل، قانون مربوط به پیش‌گیری از بیماری‌ها در پارلمان آلمان، در دست بررسی است. گروهه همچنین می‌گوید که سبک زندگی انسان‌ها، باید بیش از پیش در خدمت حفظ سلامتی آن‌ها باشد و این امر، باید از سنین بسیار کم شروع شود. این در حالی است که در آینده، استفاده از روبات در خانه به بسیاری از سالمندان اجازه می‌دهد که نیازی به ترک خانه خود و اقامت در خانه سالمندان نداشته باشند. به گفته وزیر بهداشت آلمان، ریشه بسیاری از بیماری‌ها، مثل کمردرد یا بیماری‌های روانی را - که در ضمن موجب می‌شود فرد نتواند در محل کارش حاضر شود - باید در سبک زندگی افراد، جست‌وجو کرد. به عقیده گروهه، پیشرفت‌های علم پزشکی، می‌تواند به جامعه کمک کند تا با روند پیرشدن به خوبی روبه‌رو شود. استقلال فرد تا سنین بالا را می‌توان از طریق پزشکی از راه دور و استفاده از مخابرات و فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های ارتباطی حمایت کرد. وزیر بهداشت آلمان همچنین لازم می‌داند که شیوه تفکر و میزان همبستگی نسل‌ها متحول شود. او از جمله معتقد است که «سالمندان فعال» باید در آینده بیشتر و فشرده‌تر به «سالمندان نیازمند کمک» یاری برسانند. همچنین افراد سالمندی که فرزندی ندارند، جزء کسانی هستند که جامعه باید توجه بیشتری به آن‌ها داشته باشد.

کار تا آخر عمر

به نظر گروهه، توجه به سالمندان، به معنای آن است که تلاش شود افرادی با سنین مختلف در مجتمع‌های مسکونی و در کنار هم زندگی کنند. همچنین کار کسانی که به طور افتخاری به سالمندان کمک می‌کنند، باید به رسمیت شناخته شود. به نظر وزیر بهداشت آلمان، شرایط بازنشسته‌شدن در این کشور نیز باید تغییر کند. به نظر او، تعیین سن برای بازنشستگی صحیح نیست، بلکه بازنشستگی، باید انعطاف‌پذیر باشد و هر کس هر زمان بخواهد و لازم باشد، از عرصه کار خارج شود. کار باید بیشتر به نیاز، خواست و توانایی بستگی داشته باشد تا رسیدن به مرز یک سن. وزیر کشور آلمان نیز بر این باور است که باید به هر فرد امکان داده شود تا مطابق وضعیت زندگی و سن خود، از نیروی باقوه و توانایی‌هایش در طول یک زندگی طولانی و سالم استفاده کند.

سرنوشت بازنشستگی

با نگاهی به جامعه آلمان، به نظر می‌رسد که آلمانی‌ها از هدف یادشده، چندان دور نباشند. در این کشور، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها به فرزندانشان نوه‌هایشان کمک مالی می‌کنند؛ وظیفه نگهداری از نوه‌هایشان را برعهده می‌گیرند، غذا می‌پزند و خرید می‌کنند. اما به نظر وزیر کشور آلمان، هنوز جادارده که دامنه فعالیت اجتماعی سالمندان، گسترده‌تر شود. آیا این بدین معناست که در آینده، چیزی به نام بازنشستگی در آلمان وجود نخواهد داشت؟ و هرکس تا آخر عمر، تکالیفی دارد که باید انجام دهد؟ پیش‌بینی می‌شود که چنین وضعیتی پیش بیاید، چون در آینده شمار سالمندانی که نتوانند بدون کارکردن از پس هزینه زندگی خود برآیند، کاهش خواهد یافت.



مدیر انستیتوی پژوهش جمعیت آلمان، می‌گوید که در این کشور، گروه جدیدی در حال شکل‌گیری است که بین ۶۰ تا ۸۰ سال دارند و بسیار فعال و حاضر در عرصه‌های مختلف زندگی هستند.

پدیده جدید جمعیتی آلمان متأثر از نسل سالمندان فعال است

سالمندانی که در چرخه زندگی می‌مانند



حامد رسولی

روزنامه نگار

شمار سالمندان آلمان، به‌طور مداوم افزایش پیدا می‌کند و از تعداد جوانان آن کاسته می‌شود. تغییرات جمعیتی، یکی از چالش‌های اصلی جامعه آلمان است و همراه با شکل‌گیری گروه جدید سالمندان فعال، بازنشستگی هم مفهوم خود را از دست می‌دهد. میانگین سنی جمعیت آلمان - که در سال ۱۹۶۰ برای زنان ۳۷ سال بود - امروز ۴۷ سال است و برآورد می‌شود که در سال ۲۰۵۰، ۵۴ سال باشد. تنها در موناکو و ژاپن، میانگین سنی جمعیت، بیشتر از این است. در مقابل، بیش از نیمی از جمعیت کشور نیجسر در آفریقا، جوان‌تر از ۱۵ سال است. این در حالی است که در آینده نزدیک، به سن هر نسل در

آلمان، به‌طور متوسط ۶ تا ۸ سال اضافه می‌شود. در حال حاضر، حدود ۱۳ هزار و ۲۰۰ مرد و زن در آلمان، در سن ۱۰۰ سال یا بالاتر هستند و در برابر هر ده نفر شاغل در آلمان، ۳ نفر بازنشسته وجود دارد. تحلیلگران می‌گویند در سال ۲۰۶۰ در برابر هر ۱۰ شاغل، ۶ بازنشسته وجود خواهد داشت. از سوی دیگر، هم اکنون ۱۶ میلیون آلمانی زیر ۲۰ سال دارند و در سال ۲۰۶۰ تنها ۱۰ میلیون نفر در آلمان در چنین سنینی خواهند بود. به گزارش دوپچهوله، این داده‌ها و ارقام در آلمان، هم پرسش‌برانگیزند و هم موجب نگرانی می‌شوند. اما برخی مقامات، از جمله هرمان گروهه، وزیر بهداشت این کشور، معتقدند که به جای مبهوت‌ماندن از ترس، باید دست به کار شد و چاره‌ای اندیشید. آنها می‌گویند باید با اهل علم و اقتصاد به بحث نشست تا راهی برای روبه‌رو شدن با چالش جمعیتی پیدا شود.

بازنشسته‌های سرحال

سالمندان امروز آلمانی، با همسن و سال‌های خود در گذشته فرق دارند. نوربرت اشنایدر، مدیر انستیتوی پژوهش جمعیت آلمان، می‌گوید که در این کشور، گروه جدیدی در حال شکل‌گیری است که بین ۶۰ تا ۸۰ سال دارند و بسیار فعال و حاضر در عرصه‌های مختلف زندگی هستند. شنايدر، درباره مرحله چهارم زندگی می‌گوید: «خصوصیت سالمندان فعال این است که بیشتر مرفه، سالم، فعال، علاقه‌مند، پرانگیزه و دست و دل‌باز هستند.» به گفته اشنایدر، این گروه سنی می‌تواند مخاطب کاملاً جدیدی برای نوآوری‌ها و بازارها باشد. او می‌افزاید که روند پیرشدن جمعیت، دست‌کم برای ۲۰ سال آینده، نه تنها

@ghlamrorefah

ماهانامه تحلیلی حوزه رفاه و تامین اجتماعی

(قلمرو رفاه)

www.ghlamrorefah.ir

شاید اگر او هم مثل علی پروین، فقط در یک تیم مربیگری کرده بود، این قدر تقابل حساس با تیم محبوبش نداشت. اما قلعه‌نویی در این سال‌ها، بیش از آنکه روی نیمکت تیم محبوبش نشسته باشد، روی نیمکت تیمی نشست که مقابل استقلال قرار می‌گیرد و همیشه این تقابل، حساس بوده. روز یکشنبه، نبرد استقلال و ذوب‌آهن، نبرد کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا هم هست و در روزهایی که پرسپولیس، فاصله‌اش را بیشتر می‌کند، این بازی، یکی از رقیب‌کنشی‌های ویژه بالای جدول به حساب می‌آید. قلعه‌نویی اگر به پیروزی برسد، یک بار دیگر ثابت کرده که نباید اجازه دهند روی نیمکت تیمی دیگر باشد.



بمب‌های دست‌ساز برانکو!

علی علیپور، آخرین تولید کارخانه بازیکن سازی برانکو است. مهاجم ۲۲ ساله‌ای که با سرعت به سمت کسب عنوان آقای گلی لیگ برتر هجوم برده و بعید نیست که به زودی آن را به دست بیاورد



فقط چهار گل دیگر تا تاریخ‌سازی علیپور باقی مانده و نمی‌شود اثر ویژه برانکو را بر زندگی فوتبالی علیپور، نادیده گرفت.

مهدی شادمانی
shadmanimehdi@gmail.com

۱۵ گل در ۲۲ بازی، همان آماری است که علی علیپور را در جایگاه مقایسه با علی دایی، محسن خلیلی و مهدی طارمی قرار داده است. بازیکنانی که آقای گل‌های تاریخ لیگ برتر باشگاه پرسپولیس هستند. علی دایی و محسن خلیلی، با ۱۶ گل و مهدی طارمی، یک‌بار با ۱۶ گل و بار دیگر با ۱۸ گل، آقای گل شده‌اند. مهم‌ترین ویژگی علیپور در مقایسه با سایر گلزنان پرسپولیس، این است که هیچ ویژگی خاص و منحصر به فردی ندارد.

ماشین گلزنی این روزهای پرسپولیس، با مهاجمانی مقایسه می‌شود که ویژگی‌هایی منحصر به فرد داشتند. شم گلزنی علی دایی، از آن خصوصیات بود که نمی‌شد نادیده‌اش گرفت. آقای گل فوتبال جهان، موقعیت از دست رفته خیلی کمی در تاریخچه بازی‌هایش دارد و تقریباً هر تویی را از هر فاصله‌ای به گل تبدیل کرده است. قد بلند و تسلط روی ضربات سر، خصوصیات دیگر این مهاجم پرسپولیس بودند.

محسن خلیلی هم مهاجم منحصر به فردی بود. مهاجمی که در سطح مقایسه با دایی قرار نداشت، اما بسیار تکنیکی و فرصت طلب بود و با ضربات آخر دقیقه، موقعیت‌های زیادی از دست نمی‌داد. یک مهاجم قاتل که هر چند ۱۶ گل زده، اما باید اذعان کرد که تیم آف‌شین قطعی هم آن قدرها موقعیت گلزنی برای او فراهم نمی‌کرد. از گل‌های به یادماندنی او می‌توان به گل‌هایی که در دربی زد و گل اول پرسپولیس در دیدار فینال گونه مقابل سپاهان - که نهایتاً به قهرمانی پرسپولیس قطعی در ثانیتهای پایانی منجر شد - اشاره کرد.

مهدی طارمی او ویژگی‌های بسیار متفاوتی دارد؛ بازیکنی که کی‌روش می‌گوید یکی از سه بازیکن منحصر به فرد تیم ملی است. مهاجمی که هم می‌تواند نقش مهاجم اول را بازی کند و هم در سایه، خوب باشد و هم در پست مهاجم بغل یا همان وینگر. او در بازی‌های ملی، در پستی استفاده می‌شود که بتواند در ضدحمله‌ها برق‌آسای تیم ملی، نقشی ویژه داشته باشد. او خیلی عالی خودش را در موقعیت گلزنی قرار می‌دهد و تنها ضعفش، ضربات آخر است.

علیپور اما با اینکه در ابتدای فصل در ترکیب اصلی نبوده، حالا در حال عبور از رکوردهای سه مهاجم نامبرده است. بازیکنی که هیچ ویژگی منحصر به فردی ندارد. او موقعیت از دست می‌دهد، قد بلندی ندارد، ضربات آخرش، دقیق نیست و حتی در سرعت و تکنیک، جزء برترین‌های تیم پرسپولیس به حساب نمی‌آید.

بمب دست‌ساز برانکو اما بدون این ویژگی‌ها، در حال عبور از رکوردها است. او فقط گل می‌زند. در هر بازی، موقعیت از دست می‌دهد و باز هم گل می‌زند. حالا فقط چهار گل دیگر تا تاریخ‌سازی علیپور باقی مانده و نمی‌شود اثر ویژه برانکو را بر زندگی فوتبالی علیپور، نادیده گرفت. جوان

قاعده بازی
مصطفی شوقی

برای این رکورد چقدر باید هزینه کرد؟

فالکانوی برزیلی، هفته قبل رکورد تعداد گل‌های زده وحید شمسایی را شکست. او ۳۹۳ گل، به‌ثمر رسانده و با یک گل بیشتر از شمسایی، در رتبه اول گلزنان تاریخ فوتبال جهان قرار گرفته است. مرد ۴۰ ساله برزیلی البته سال ۲۰۱۷ خداحافظی کرده بود اما فاصله هفت گلی او با شمسایی، سبب شد که تیم ملی برزیل، برای بازی‌های دوستانه و غیرمهم از او استفاده کند تا با زدن هشت گل، از شمسایی عبور کند.

حالا وحید شمسایی هم انتظار رفتار مشابهی از طرف فدراسیون دارد. او که شش سال پیش از تیم ملی خداحافظی کرد و جایش را به جوان‌ترها داد، رکورد شخصی‌اش را یک هم مانند او فکر کنند. البته او در این مسیر، تنها نیست و هستند تعداد قابل توجهی از رسانه‌ها که تصور می‌کنند فدراسیون فوتبال باید با شمسایی، همراه شود. اما مسیر این همراهی، تا کجا و چطور باید باشد؟

تیم ملی فوتبال ایران، مدت‌هاست که به موفقیت‌های فراموش‌شده‌ای فکر می‌کند و در همین مسیر، سالیان اخیر به موفقیت‌های ویژه‌ای هم رسیده است. این مسیر، با جوان‌گرایی در تیم‌ملی و تغییرات خوب ناظم‌الشریعه رخ داده است. او یک تیم جوان و یک‌دست ساخته که پس از خداحافظی اسطوره گلزنی فوتبال هم موفق است و حتی نتایجی بهتر نیز گرفته. حالا برای اینکه این تیم بخواند در مسیر خود بماند، باید آماده‌سازی مداومی داشته باشد و خوب این آماده‌سازی، بدون حضور همه نفرات، امکان‌پذیر نیست.

آقای گل فوتبال ایران، در شرایطی از انتظاراتش می‌گوید که برای بازی‌دادن به او، یک بازیکن باید روی نیمکت بنشیند و کل سیستم و آرایش تیم ملی، برهم خواهد ریخت. البته اگر قرار باشد دعوت از شمسایی، به پیشنهاد خودش برای بازی‌های غیرمهم باشد، موضوع پیچیده‌تر هم می‌شود. چون عملاً بازی غیرمهم، وجود ندارد؛ یا بازی‌های تورنمنت‌ها هستند که مهم‌اند یا بازی‌های تدارکاتی موردنیاز هستند که آنها نیز اهمیت خود را دارند.

در چنین شرایطی، تیم ملی فوتبال ایران باید برای برگزاری تورنمنتی هزینه کند و تیم‌هایی را به ایران بیاورد و زمان و انرژی تیم ملی فوتبال را بگیرد؛ به‌خاطر اینکه رکورد وحید شمسایی، به عنوان آقای گل فوتبال، بالاتر از فالکانو قرار بگیرد. اولین سوال این است که هزینه برگزاری این تورنمنت را - که با تیم‌های قاعدتا ضعیف‌تر هم باید باشد - چه کسی پرداخت می‌کند؟ و تا چه زمانی باید پرداخت کند؟ به هر حال، فالکانو فعلاً در بازی‌های برزیل هست و گل می‌زند و بعید است تا قبل از رسیدن به ۴۰۰ گل، دست از بازی کردن بردارد. و تا وقتی که فالکانو هست، این بازی به چندان خردمندانه، باید ادامه داشته باشد؟ فالکانو ۴۰ ساله و وحید شمسایی ۴۲ ساله، در تیم ملی باشند و گل بزنند و یک نفر هم هزینه بازی‌های دوستانه کم‌کیفیت را پرداخت کند؛ هزینه معطل شدن بازیکنان، سرمربی و امکانات در اختیار تیم ملی را چه کسی می‌دهد؟ و به‌طور کلی، این چه روش اشتباهی برای رکوردداشتن است؟

البته فدراسیون فوتبال، همان‌طوری که پیش‌بینی می‌شد، کوتاه‌آمده و سرمربی تیم ملی هم گفته که مشکلی برای بازگشت شمسایی به تیم ملی ندارد. اما مشخص است که همه از روی اصول خود کوتاه آمده‌اند تا شمسایی، آقای گل فوتبال جهان بماند. برخلاف خیلی از رکوردها، آقای گلی، به هیچ‌وجه رکوردی ملی محاسبه نمی‌شود و کاملاً شخصی است. حالا ممکن است شمسایی با صحبت‌هایی که کرده، در نهایت همه را با خود همراه کند که در تیم ملی باشد. شاید او به تیم ملی بیاید و گل هم بزند و آقای گلی را برای خودش نگه‌دارد؛ اما این رتبه، کمکی به ایران نخواهد کرد. تیم ملی فوتبال، اگر بتواند در بازه‌ای که به‌خاطر شمسایی به زمین می‌رود، برای آمادگی بیشتر وقت بگذارد، می‌تواند در جام‌های جهانی به رتبه بهتری برسد.

را مجاب کند و به تیم ملی دعوت شود؛ اما هر بازی‌ای که در زمین حضور ندارد، رحمت مضاعف پرکردن جایش، هر چهار مدافع قرمز را به دردمندی ویژه‌ای می‌اندازد. طارمی در این بین، یکی از معدود محصولات کارخانه برانکو است که ویژگی‌های منحصر به فرد هم دارد، اما به هرحال، به دست این مربی کروات ساخته شده. صادق محرمی و شایان مسلح، آینده‌های این کارخانه هستند که اگر فرصت پیدا کنند، خودنمایی خواهند کرد. برانکو خط تولید بازیکنش را در پرسپولیس به راه انداخته؛ او در این خط تولید، بازیکنانی دارد که عمدتاً ساده هستند؛ بازیکنانی که انگار تنها ویژگی‌شان، حرف گوش کردن است. بازیکنانی که کم‌کم ستاره‌های فوتبال ایران می‌شوند. برانکو بازیکنان ساده را در اختیار می‌گیرد و از آنها بمب‌هایی موثر و دست‌ساز می‌سازد؛ بازیکنانی مثل علیپور، بدون ویژگی منحصر به فرد اما با عملکردی بهتر از همه کسانی که استعدادهایی شگرف دارند. بازیکنانی که در دو فصل آخر لیگ برتر به این مربی باهوش کمک کرده‌اند خیلی راحت خود و تیمش را در کورس قهرمانی قرار دهد و هیچ بعید نیست با تکیه بر آن‌ها امسال در یک رکوردزنی تاریخی قبل از عید قهرمانی‌اش را مسجل کند. بازیکنانی که حالا طرفداران پرسپولیس منتظر درخشش آن‌ها در لیگ قهرمانان آسیا هستند.

کم‌نقص مشهور شد. بازیکنی که یک ویژگی خاص داشت و آن، نداشتن ویژگی بود. او مثل بمب‌های دیگر برانکو، یک بازیکن ساده بود که فوتبال را هم ساده بازی می‌کرد؛ اما همین سادگی، به قابلیت تبدیل شدن او که را تا تیم ملی هم رساند. انصاری هر چند مدافع درگیری نیست - و این یک خصوصیت بد به حساب می‌آید - اما در سایر موارد، توانایی‌های لازم را برای بازی کردن در پست مدافع میانی تیم ملی در جام جهانی دارد. محسن ربیع‌خواه، معمولی دیگر پرسپولیس است که برای این تیم، مانند ستاره‌ها به میدان می‌رود. بازیکنی که به واسطه پستش، خیلی هم محبوب نیست، اما به خاطر بازی بدون اشکالش، نقش زیادی در گل‌نخوردن‌های تیم قرمزپوش پایتخت دارد. او در معمولی بودن، آن قدر به علیپور شبیه است که تا به حال موفق نشده کی‌روش

۲۲ ساله، حالا در کنار برانکو و در اوج سادگی، به سمت بهترین رکوردهای پرسپولیس حمله می‌کند. او که جوان‌ترین گلزن دربی است، حالا به بهترین گلزن پرسپولیس هم تبدیل می‌شود اما این اولین بار نیست که برانکو در پرسپولیس بمب‌دست‌ساز تحویل می‌دهد. سرمربی پرسپولیس، اولین شاهکار خود را در خط دفاعی ساخته است. دو سال قبل و در حالی که قهرست قرمزها تقریباً برای آن فصل بسته شده بود، در اردوی ترکیه یک جوان قدبلند و لاغر اندامی که حتماً برانکو چیزی در او دید که علی‌رغم داشتن دو مدافع چپ، قرارداد او را هم امضا کرد. محمد انصاری، آن روز به پرسپولیس پیوست و سریع‌ترین رشد ممکن را داشت. انصاری، بدون آنکه از گذشته‌های نامی داشته باشد، به سرعت و به خاطر نمایش

آه می‌آید

66

برانکو بازیکنان ساده را در اختیار می‌گیرد و از آنها بمب‌هایی موثر و دست‌ساز می‌سازد؛ بازیکنانی مثل علیپور، بدون ویژگی منحصر به فرد اما با عملکردی بهتر از همه کسانی که استعدادهایی شگرف دارند. بازیکنانی که در دو فصل آخر لیگ برتر به این مربی باهوش کمک کرده‌اند خیلی راحت خود و تیمش را در کورس قهرمانی قرار دهد و هیچ بعید نیست با تکیه بر آن‌ها امسال در یک رکوردزنی تاریخی قبل از عید قهرمانی‌اش را مسجل کند.

عکس‌های عجیب



دوبازیکن پرسپولیس، پیراهنی در یادبود احمد رضا شاکر - بازیکن فوت شده در تصادفی که مهدی قائدی هم در آن نقش داشت - پوشیده بودند. دو بازیکن دیگر، پیراهن یادبود یک شهید حرم و بازیکنان دیگر، هدبند داشتند. خلاصه که پرسپولیس‌ها به جای استفاده از یادبودی یکپارچه که در همه‌جای دنیا مرسوم است، سراغ یک اختراع جدید رفته‌اند.

پیروز و خوشحال



پیروزی سه‌گله تراکتورسازی می‌تواند نوید روزهای خوش را به هواداران تیمی بدهد که در دو فصل اخیر، خیلی آزار دیده‌اند. قرمزهای تبریز، با زدن سه گل، تحت‌نظر سرمربی جدید، از روزهای خوش آینده خبر می‌دهند. تیمی که این فصل در حد اشتیاق طرفدارانش ظاهر نشده و جایی بهتر از میانه جدول گیرش نیامده است.

عصبانیت از رشت



در یکی از پراسرترین دیدارهای هفته، سپیدرود برای فرار از قعر، میزبان استقلال خوزستان بود. دیداری که سپیدرود در آن موفق به کسب پیروزی نشد و علی کریمی، آن قدر عصبانی شد که در کنفرانس مطبوعاتی، میکروفون برنامه‌نود را در اعتراض به آنچه بی‌عدالتی این برنامه خواند، به زمین کوبید.



جمعه تلخی بود روز ۱۳ بهمن ماه ۹۶؛ روزی که رضا مقدسی، روزنامه‌نگار متین، با اخلاق، سربه‌زیر، متدین و فروتن کشورمان پس از ۵ سال جنگیدن با بیماری سرطان، در ۴۸ سالگی سرانجام تسلیم مرگ شد. مقدسی، روزنامه‌نگاری بی ادعا و نجیب بود؛ روزنامه‌نگاری که همواره دغدغه مردم را داشت. مردی اهل مدارا، صبور و مقاوم بود و این را در جنگ با بیماری سرطان - که همه وجودش را در بر گرفته بود - هم اثبات کرد. او ۵ سال با سرطان جنگید و حتی در ایام بیماری هم از فعالیت دست نکشید و همواره برای آرمان‌هایش قلم زد. هیئت تحریریه هفته‌نامه آتی‌هونو، این ضایعه را به جامعه مطبوعاتی و همکاران و خانواده ایشان تسلیت می‌گوید.



پایان

جایی برای حرف‌های خودمانی



ساختمان نیمه‌کاره - ۱۲۴

مسعود مشایخی

شادی کار

در یکی از شبکه‌های اجتماعی، مطلبی خواندم که مفهوم آن را در این سال‌های کارکردنم، به‌خوبی لمس کرده‌ام. «افراد پرکار، شادترند. مغز انسان، از بی‌طالت خوشش نمی‌آید. به همین خاطر، هر وقت مشغله کاری فرد بیشتر می‌شود، مغز برای قدردانی از زحماتی که انجام داده، دوپامین - هورمون شادی - ترشح می‌کند.» هر چه به‌روزهای پایانی سال نزدیک می‌شویم، مردم بیشتر به فکر ساختن وسایل و نو کردن خانه‌هایشان می‌افتند. به همین خاطر، بازار مسکن، کمی از خواب زمستانی بیدار شده. ساختمان ما هم دوباره جنب‌وجوش قبل را از سر گرفته. دوستان کارگری که به علت بی‌کاری و کم‌بودن کارهای این چندماهه، برای کار به ساختمان‌ها و شهرهای دیگر رفته بودند، یکی یکی به ساختمان می‌آیند و تجدیدیدار می‌کنیم. صبحانه‌های کارگری، به رونق گذشته برگشته و به نوعی همه چیز عالی و حال همه خوب است. اینجاست که جمله‌ای که در بالا ذکر کردم، به‌خوبی مصداق پیدا می‌کند. این مدت که کارها کم و ساختمان، نیمه‌تعطیل بود، همه‌جا رنگ رخوت و سستی به خود گرفته بود. بچه‌های ساختمان، بی‌روحیه و غمگین بودند. به‌مدت خنده‌ای زورکی، کنج لبشان می‌نشست. این را خوب می‌دانیم که ماه بعد، آرزوی استراحت کردن و لحظه‌ای آسایش را خواهیم داشت، اما واقعا بی‌کاری، ما را به سمت اضمحلال روانی می‌برد و از شادی و خوشحالی، دور می‌کند. همان‌طور که گفتیم، ساختمان در حال ساخت ما، دوباره به‌روزهای فعال قبل برگشته. خوشبختانه چند نفر از صاحبان واحدها، به فکر تکمیل خانه‌هایشان افتاده‌اند. تا بتوانند برای سال نو در خانه خودشان باشند. صدای ابزار و ادوات ساختمانی و همه‌همه کارگران، کل ساختمان را فرا گرفته؛ صداهایی که علی‌رغم ایجاد آلودگی صوتی، برای کارگران، نوید رزق و روزی است و به نوعی گوش‌نواز. در همین ابتدای کار، یک زوج نسبتاً جوان، به فکر تزئینات و به قول ما کارگران، نازک‌کاری واحدشان افتاده‌اند. زوجی که به‌هیچ‌عنوان، اخلاق‌مدار نیستند. در زندگی من، همیشه اخلاق، در اولویت بوده و سعی کرده‌ام به اصول اخلاقی پایبند باشم. در ساختمان ما هم خوشبختانه دوستان کارگر، عموماً آدم‌های اخلاق‌گرای هستند و کمتر شاهد مشاجره‌های تند می‌باشم. اما این زوجی که هفته قبل برای آن‌ها کار می‌کردیم، متأسفانه با وجود کارمندی بودنشان، به‌هیچ‌وجه احترام هم‌دیگر را نگه نمی‌داشتند. ما هم مجبور شدیم کارهایی را که انجام داده بودیم، تخریب کنیم تا دوباره باب میل و سلیقه جدیدشان، از نوسازیم.

جدول افتتاح و ساخت پروژه‌های تامین اجتماعی در دهه فجر سال ۱۳۹۶

ستاد گرامیداشت دهه فجر سازمان تامین اجتماعی با انتشار جدول زیر از برنامه‌های خاص حوزه‌های مختلف درمانی و بیمه‌ای این سازمان برای گرامیداشت ایام دهه مبارک فجر خبر داد. بنابر این جدول، تعدادی از پروژه‌های اداری و درمانی به بهره‌برداری رسیده و یا کلنگ زنی خواهند شد. ۳۳ پروژه بیمه‌ای و درمانی تامین اجتماعی نیز در ۱۹ استان افتتاح می‌شود.

ردیف	استان	عنوان پروژه	وضعیت
۱	آذربایجان شرقی	راه‌اندازی دستگاه Ct آنژیوگرافی بیمارستان استاد عالی نسب	افتتاح
		جایگزینی چهار دستگاه رادیوگرافی دیجیتال به جای آنالوگ	افتتاح
۲	آذربایجان غربی	ساختمان جدید شعبه بوکان	افتتاح
۳	یوشهر	شعبه شبانکاره	افتتاح
۴	تهران	شعبه ۲۳ تهران	افتتاح
		درمانگاه عمومی شبانه روزی پیشوا و ورامین	افتتاح
		اورژانس بیمارستان امام رضا (ع) اسلامشهر	افتتاح
۵	خراسان جنوبی	پلی کلینیک طبس	افتتاح
۶	خراسان رضوی	ارتقای هتلینگ (بخش ۲) و استانداردسازی اورژانس بیمارستان ۱۷ شهریور	افتتاح
۷	خراسان شمالی	شعبه فاروج	افتتاح
۸	خوزستان	توسعه بیمارستان شوشتر	کلنگ‌زنی
۹	زنجان	ارتقای هتلینگ بیمارستان امام حسین (ع) زنجان	افتتاح
۱۰	فارس	شعبه مهر	کلنگ‌زنی
		درمانگاه نورآباد ممسنی	افتتاح
		درمانگاه لار	افتتاح
		درمانگاه کامیاران	افتتاح
۱۱	کردستان		
۱۲	کرمان	بخش جراحی قلب باز بیمارستان پیامبر اعظم (ص) کرمان	افتتاح
		بخش فلوروسکوپی بیمارستان دکتر غرضی سیرجان	افتتاح
۱۳	لرستان	درمانگاه انزا	افتتاح
		اجرای طرح ارتقای هتلینگ و توسعه اورژانس بیمارستان کوثر بروجرد	افتتاح
		اجرای طرح ارتقای هتلینگ، توسعه اورژانس، خرید، نصب و راه‌اندازی دستگاه DR و ماموگرافی بیمارستان نرگس دورود	افتتاح
		ایجاد و تجهیز MRI بیمارستان خرم‌آباد	افتتاح
		توسعه بیمارستان بروجرد	کلنگ‌زنی
۱۴	مازندران	ارتقای هتلینگ بیمارستان رازی شهرستان چالوس	افتتاح
		استانداردسازی اورژانس و ارتقای هتلینگ بیمارستان ولیعصر (عج) قائم‌شهر	افتتاح
۱۵	مرکزی	بخش نوزادان بیمارستان امام خمینی (ره) اراک	افتتاح
		ارتقای هتلینگ بیمارستان شهید دکتر چمران ساوه	افتتاح
		ارتقای هتلینگ بیمارستان شازند	افتتاح
۱۶	هرمزگان	شعبه قشم	افتتاح
		راه‌اندازی ۱۵ تخت بستری تخصصی جراحی زنان و زایمان بیمارستان خلیج فارس بندرعباس	افتتاح
۱۷	همدان	ایجاد شعبه فامنین	افتتاح
		درمانگاه رزن	افتتاح
		ارتقای هتلینگ، Ctscan و انبارداری بیمارستان دکتر غرضی ملایر	افتتاح
		اورژانس و MRI بیمارستان آتیه همدان	افتتاح
۱۸	یزد	درمانگاه شهرستان ابرکوه	افتتاح
۱۹	منطقه کاشان	درمانگاه تخصصی حضرت ابوالفضل (ع) آران و بیدگل	افتتاح



زیر پوست شهر - ۱۲۷

نسرین ظهیری

برف کهنه

چشم‌های آدم‌برفی، جا مانده روی کپه‌های برف هنوز. ملکه خانم، با دوازده خاک‌انداز آمده و مدام، طول و عرض کوچه را اورانداز می‌کند. خورشید، تازه می‌تابد؛ کم‌زور و کم‌رنگ. سرما می‌پیچد روی برف‌های یخ‌زده و کوچه، سگ‌ارز می‌زند. ملکه خانم کمی دست‌دست می‌کند. حالا عروسش هم می‌آید سر کوچه و چادرش را می‌کشد روی شکمش. عروس، حامله است. ملکه خانم، عروس را تیز نگاه می‌کند: «تو کجا آمدی نوری این یخ‌ها؟ دیرروز زمین خوردی، بس نبود؟ برو من کار دارم؛ کارم را انجام می‌دهم و زود می‌آیم.» ملکه خانم، هوا را می‌پاید. برف‌ها یخ زده‌اند و هم‌کچله‌ای‌ها، با احتیاط، روی یخ‌ها پامی‌گذارند. جلوی هر دوازده ساختمان آیارتمانی کوچه، برف‌های دوروز پیش، یخ زده‌اند و صاحب‌خانه‌ها حتی برای خودشان، جای باز نکرده‌اند. هفت صبح سردی است و بچه‌ها از ترس، بی‌خیال بخارهای نفس‌شان شده‌اند و از شر خوردن می‌ترسند. ملکه خانم راه می‌افتد. در یکی یکی خانه‌ها را می‌زند. خاک‌انداز فلزی را تعارف می‌کند. از دور، معلوم نیست چه می‌گوید. ولی انگار چک و چانه می‌زند و یادشان می‌دهد که چگونه با خاک‌اندازها، جلوی خانه را تمیز کنند تا سر نخورند. بعضی‌ها با یخ‌بند گوش می‌دهند؛ بعضی‌ها انگار خوش‌شان نیامده، خاک‌اندازها را با آکراه می‌گیرند و فکر می‌کنند که ییزرن، یک تخته‌اش کم است. دوازده خاک‌انداز، تمام می‌شود. ملکه خانم، همان‌طور که با ملاحظه رفته، با ملاحظه برمی‌گردد و خودش با خاک‌انداز می‌افتد به جان یخ‌های کوچه و همان‌طور که نفس نفس می‌زند، غرغر می‌کند: «از بس که برف نیامده، مردم یادشان رفته که باید برف کوچه را همان روز برفی جمع کنند و به فردای یخبندان نیندازند. نمی‌دانند که نباید بگذارند برف، کهنه شود.» همسایه‌ها یکی یکی می‌آیند و با خاک‌انداز مرحمتی، می‌افتند به جان برف و یخ‌ها. خورشید، کمک می‌کند. بچه‌ها که از مدرسه تعطیل می‌شوند، راه‌شان باز شده و برف‌ها، کنار دیوارها تلنبار شده‌اند. کسی حواسش به چشم‌های آدم‌برفی نیست. یکی از بچه‌ها، دکمه‌های سیاه را از میان برف‌ها برمی‌دارد و به دوستش می‌گوید: «دوباره لارم‌شان داریم برای برف بدی.»

۲۰٪ تخفیف

رایتل RightTel

از خانواده بی‌نهایت لذت ببرید!

مکالمه | پیامک | اینترنت | اعتبار رومینگ نامحدود | نامحدود | پر سرعت | بین‌الملل

تماس صوتی و پیامک بین‌الملل



الماس



پلاتین



طلایی



نقره‌ای



کلاسیک